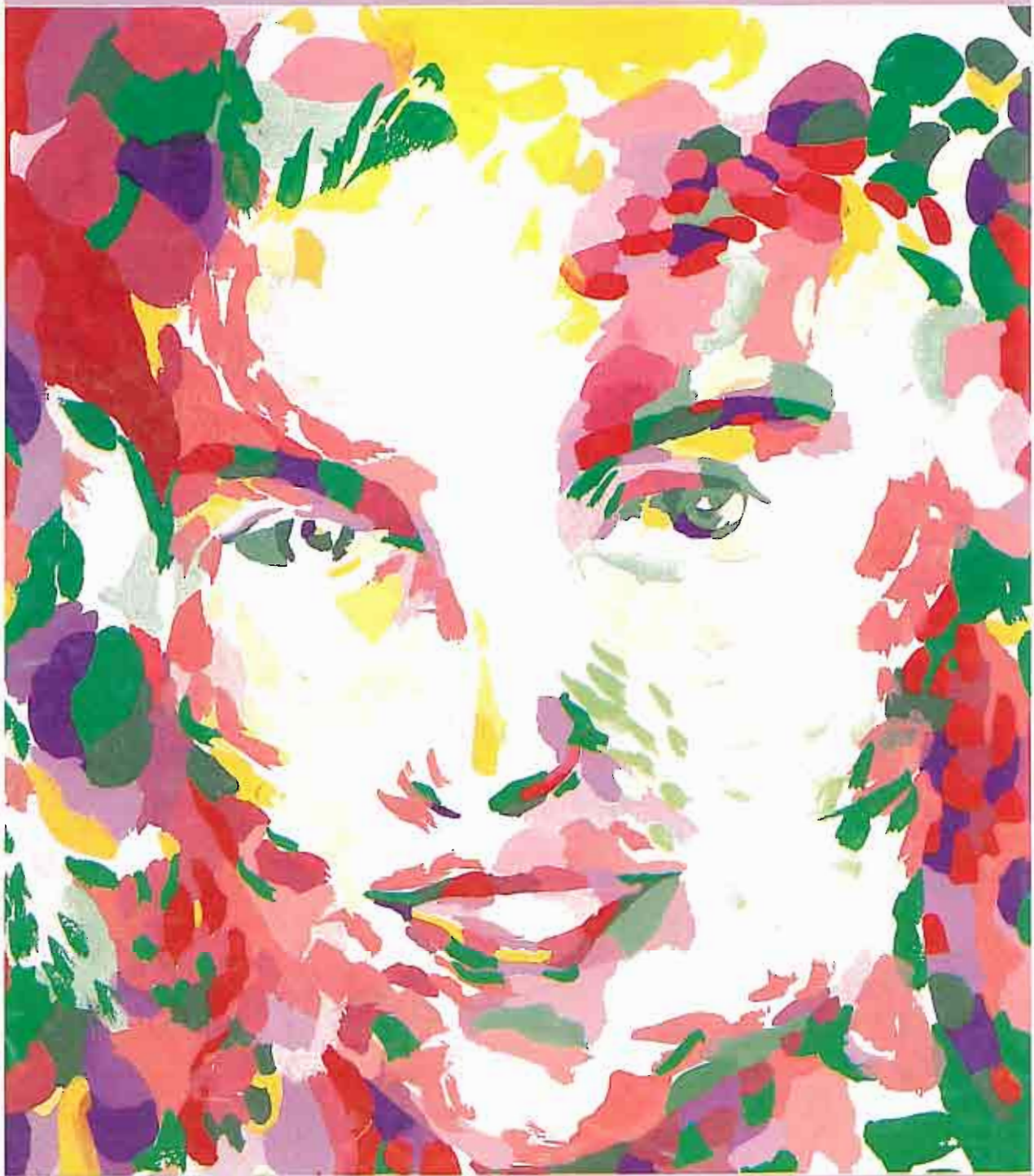


دستان

سال سوم ● بهمن و اسفند ۷۲ ● ۸۰ صفحه ● بها ۱۲۰ تومان

ISSN 1021 - 4054



● جایگاه زن در فقه کیفری اسلام ● اعاده حیثیت حوا ● اگر می‌خواهیم در دهکده بزرگ جهانی حل نشویم
● پائسگی مردان ● نقدی بر «جزیره سرگردانی» ● فروغ، شاعر ضدابستال ● رژیم گرفتن زیر سؤال می‌رود
● بگویم «نه» آسمان به زمین نمی‌آید ● بهستان ما و زمین زن محترمانه است ● زنان و لزوم آگاهی بیشتر از این

قدر عافیت را بدانیم



عافیة

برای سلامتی خانواده

بدون کلسترول ✓

۱۰۰٪ خالص و طبیعی ✓



سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی،
فطر، عید پرشکوه روزه‌داران
و حلول سال نو بر شما عزیزان مبارک باد
به امید تحولی در احوال

زنان

سال سوم • شماره ۱۶ • بهمن و اسفند ۷۲

زنان نشریه است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

اندیشه	۲	اعاده حیثیت حوّا: زهره زاهدی
گزارش و خ	۱۰	اگر می‌خواهیم در دهکده بزرگ جهانی حل‌نشوم: گیتی شامیاتی
ادبیات	۷	خبر:
	۶ و ۱۳ و ۲۵	شعر:
	۱۸	فروغ، شاعر ضدابتدال: سهیلا صارمی
	۲۴	یک، دو، سه، نفس: رویا شاپوریان
در خانه	۵۵	ثری روان در خدمت کلیشه زنانگی: نسترن موسوی
	۲۹	با سبزه‌ای سفره خود را بیاریم: بهناز صفایی
	۳۲	هلال ماه وانیلی: حورا اخلاقی
	۳۴	ضمیمه طرح و الگو: سهیلا شرکت
	۶۱	مقدمات الگو:
	۶۲	راهنمای مدلها:
حقوق	۳۸	جایگاه زن در فقه کیفری اسلام (۳): زینب السادات کرمانشاهی
هنر	۲۶	نهضت زنان فیلمساز در آمریکای لاتین: احمد جلیل‌زاده
علم	۱۴	یانسگی مردان: گیل شیبه، ترجمه زهره زاهدی
	۱۷	معرفی کتاب
	۲۲	زنان و لزوم آگاهیهای بیشتر درباره ایدز: ترجمه میترا معدنی
	۴۶	به پسران پیاموزید: زن محترم است: ماریا استغن، ترجمه مینو اقبال‌پلی‌آقا
	۵۲	راحت «بله» نگوید: مارتین شپارد، ترجمه علی اندیشه
	۵۸	رژیم گرفتن زیر سؤال می‌رود: پیترا براونی، ترجمه مریم گودرزی
	۴۵	جدول:

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
- مدیر داخلی: رزا افتخاری
- طراح گرافیک: لیلی شرکت
- امور شهرستانها: محسن آسیابچی
- امور مشترکین: شکوه اردلانی
- حروفچینی کامپیوتر: صدیقه کردی داریان
- چاپ متن: صنوبر
- خ انقلاب اسلامی - خ دکتر شریعتی - پلاک ۵۳
- چاپ رنگی: هادی
- ارستان - کوچه نظامیه - پاساژ آشتیانی - پلاک ۱۰۰
- صحافی: شاهد
- روی جلد: اثر فاطمه دادگر

• صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵
• تلفن: ۸۳۶۴۹۸
• فاکس: ۸۸۰۹۶۷۴
• شماره استاندارد بین‌المللی زنان: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

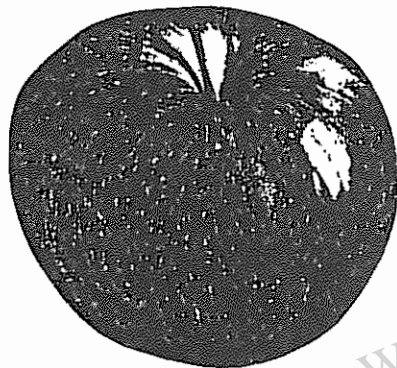
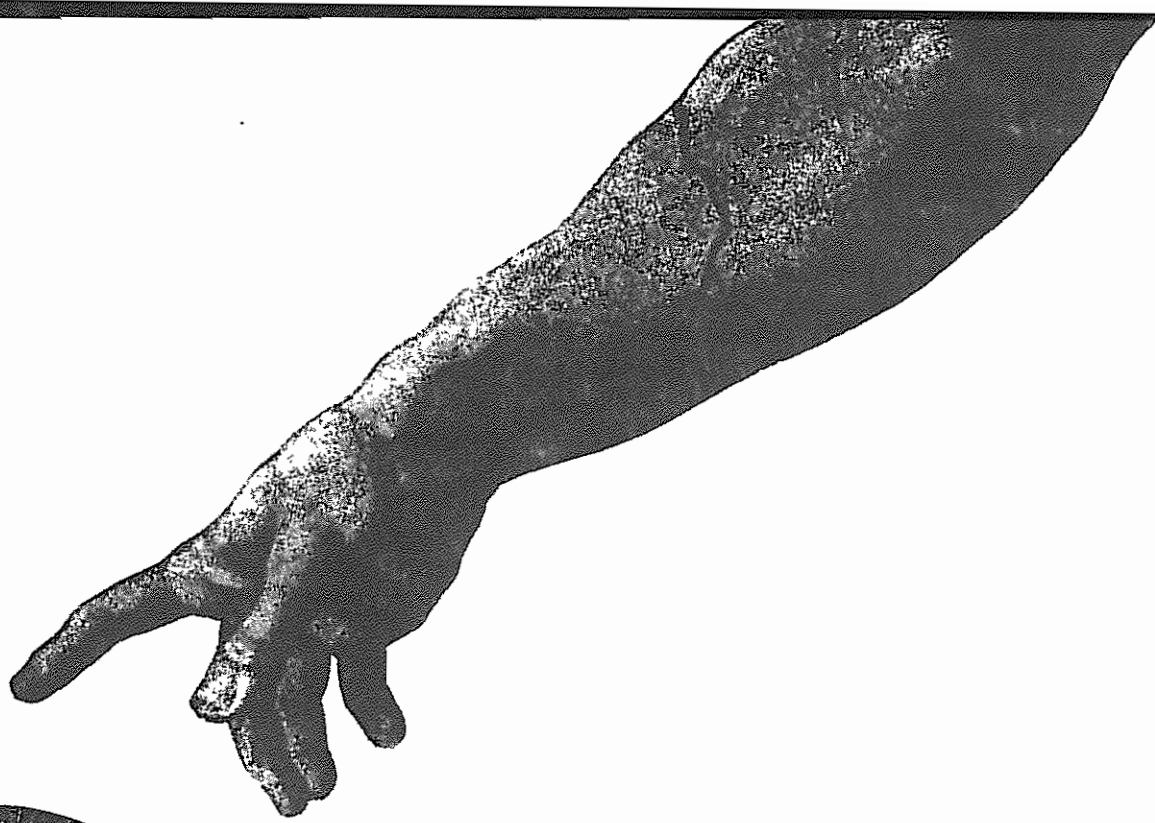
Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.



متعددی از زن با شکم و سینه‌های برآمده و یا با کودکی در آغوش به عنوان مادر زمین و رب‌النوع تولید، برکت، بارآوری و تداوم مورد پرستش بوده است. رب‌النوع فراوانی به نام عیلامی کریرشه (Kirirsha) قرن‌ها در شوش مورد پرستش بوده است. آئین او تحت عنوان نانایه (Nanaia) تا عصر پارتها ادامه داشته و پیکرهایی سفالین متعددی یافت شده که رب‌النوع مذکور را در گورستان پارتی نشان می‌دهد. او الهه‌ای است که نامش هنوز برای مادران ایرانی باقی است و فرزندان ایران مادر را نه خطاب می‌کنند.

گریشمن می‌نویسد: «اختلاف مقاومت جسمی که اکنون میان زن و مرد وجود دارد در آن روزها چندان قابل ملاحظه نبود. زن در این دوره از حیث بلندی قامت و بردباری و چاره‌اندیشی نه تنها دست کمی از مرد نداشته، بلکه موجودی بوده کاملاً نیرومند که می‌توانسته ساعات طولانی به کارهای دشوار بپردازد و به هنگام حمله دشمن، به خاطر فرزندان و عشیره خود تا سرحد مرگ جنگ کند.» ویل دورانت در این دوره، نظم خانوادگی را متکی بر مادر دانسته و منزلت

خواهر، سواسری (Svasri) به معنی وجود مقدس و خیرخواه است و زن شوهردار به صفت نمانوپتنی (Namanupatni) که در معنی نگهبان است خوانده شده است.

از اینکه بشر از چه زمان، در کجا و تحت چه شرایطی زندگی را آغاز کرد بسیار اندک و پراکنده می‌دانیم. دانسته‌های ما نیز تنها از طریق شواهدی است که در دست داریم. لوحها، نقاشیها، کتیبه‌ها و شواهد چنین می‌گویند:

انسان درگیر با طبیعت بی‌ترحم که ناگزیر بود برای تنازع بقا و دسترسی به غذا هر لحظه با انواع خطرات دست و پنجه نرم کند با دیده شگفتی به زن نگاه کرد. دید که ماده شکمش برآمد و موجود دیگری مانند خود او به دنیا آورد. دید که بی‌هیچ تلاش و زحمتی از سینه‌هایش شیر ترشح شد، کودک مکید، سیر شد و رشد کرد. دید که زن منشاء و به وجود آورنده است و انسان از او پدید می‌آید. پس مرد اولیه که زیست‌شناسی نمی‌دانست و از شراکت خود در دوام نسل باخبر نبود، زن را سجده کرد و او را خداگونه‌ای از نوع خود دانست. پیکرها و نقاشیهایی که از دوران باستان باقی مانده، به خوبی نمایانگر این حقیقت است. پیکرکهای

یکشنبه، ۲۸ آذر ماه، سمیناری از سوی مجله زنان برای گرامیداشت مقام زن تحت عنوان «اعاده حیثیت حوا» در مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه در زنجان برپا شد. در این سمینار که با حضور جمعی از دانشجویان و اساتید این مرکز برگزار شد، خانم «زهره زاهدی» به نمایندگی از مجله زنان سخنرانی کردند. متن این سخنرانی از نظر گرامیتان می‌گذرد: ❏

بسم الله الرحمن الرحيم
والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً
خدا شما را از خاک و سپس از نطفه بیافرید.
آنگاه جفت‌های یکدیگرتان قرار داد.

(فاطر، ۱۱)

ای اهورا مزدا، بشود که ما جاودان از کشور نیک تو بهره‌مند شویم که شهریار نیکی در هر دو جهان، چه زن و چه مرد، بر ما سلطنت کند.

زن در اوستا و سنسکریت به لقب ریتسایته بانو (Ritasga - Bhanu) یا اشته بانو خوانده شده که به معنی فروغ راستی و پارسایی است. کلمه مادر، ماتری (Matri) است که به معنی پرورش‌دهنده می‌باشد. کلمه

پدر را عرضی و کوچک می‌داند.

«در پایان عصر حجر متاخر مرد و زن هر دو علاقه داشتند که خود را آرایش کنند و گردن‌بندهایی از صدف ترتیب می‌دادند و حلقه انگشتری و دستبند را از صدفهای بزرگ و سنگهای نرم می‌ساختند. احتمالاً خالکوبی و یا لااقل بزک هم معمول بود و مواد آن را به کمک دسته هاون کوچکی در هاون ظریفی نرم می‌کردند.»

ویل دورانت می‌نویسد: «در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است، نه به دست مردان. زنان در آن هنگام که مردان قرنهای متوالی به شکار اشتغال داشتند به تدریج زراعت را ترقی دادند و هزاران هنر خانگی را ایجاد کردند که هر یک روزی پایه صنایع بسیار بزرگ شده است.»

لوتورنو معتقد است که به احتمال قوی زنان به سبب تجارب زیادتر خود در چیدن میوه و کندن ریشه، نخستین کاشفان فنون جدید زراعت بوده‌اند.

نمی‌کرد. ناگزیر چرخها و ابزارهای پیشرفته‌تری اختراع و ایجاد گردید که بیرون از خانه‌ها در کارگاهها و مراکز صنعتی به کار گرفته شدند. زن به دلیل اشتغال تمام وقت به امر زایش، تغذیه کودک و اداره خانه نتوانست به همراه این ابزارها از خانه بیرون رود. مرد که همواره مشغول به امور خارج از خانه بود، این مشاغل را در انحصار گرفت و شروع به اندوختن سرمایه کرد. مقارن است با پیدایش بهره‌کشی از زن. با پیدایش این پدیده زن جایگاه رفیع اجتماعی خود را از دست داد و به واسطه وظایفی که برعهده‌اش گذاشته شده بود، نتوانست خانه را رها کند و به حقوق از دست رفته خود دست پیدا کند.

واژه فامیلیا (familia) (ریشه لغت فامیل که در زبان فارسی و زبانهای اروپایی رایج است) در بین رومیان قدیم به مزارع، خانه‌ها، پول، بردگان و خلاصه مایملکی که پس از پدر به عنوان ارث از او باقی می‌ماند، اطلاق می‌شد. در این میان زن نیز جزئی از فامیلیا و به بیان دیگر بخشی از مایملک شوهر محسوب

اعاده حیثیت حوا

گوردن چایلد می‌نویسد: «در (هزاره چهارم قبل از میلاد در جوامع دوران نئولیتیک) این جامعه بدوی، وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود. وی گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع‌کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می‌بایست چوبدستی به دست گرفته در کوهها به جستجوی ریشه‌های خوردنی یا جمع‌آوری میوه‌های وحشی بپردازد. شناسایی گیاهان و فصل رویدن آنها و دانه‌هایی که می‌آورد مولود مشاهدات طولانی و مداومی بود که او را به آزمایش کشت و زرع هدایت کرد.

همچنین به اعتقاد ویل دورانت زنان اولین سفالگران بودند اما زمانی که چرخ سفالگری اختراع شد این حرفه در اختیار مردان قرار گرفت.

زنان علیرغم آن که بانی بسیاری از صنایع مادر بودند، به مرور زمان این صنایع و سایر حرفه‌های کلیدی را به مردان سپردند و کارایی اقتصادی خویش را از دست دادند. چرا؟

در اثر گسترش و وسعت اجتماعات، نیاز انسانها نیز به ابزار و مواد مصرفی بیشتر شد و لذا تولیدات خانگی تکافوی نیاز جمع را

گذارنده خود را در عمق وجود مرد اعلام کرده است. همواره در کنار هر مرد بزرگی زن بزرگتری وجود داشته است. در این باره در ذهن هر یک از ما نمونه‌های فراوان وجود دارد، که بعضی را جهان می‌شناسد و برخی دیگر را تنها همان مرد می‌شناسد و به هزار و یک دلیل، چهره او از دیگران پوشیده است.

با اینحال تداوم در سلطه نسبت به زن به ظاهر تداوم قدرت مطلقه مرد را تضمین می‌کرد و لذا این امر به اشکال گسترده و متنوع از عهد باستان تا این زمان ادامه یافته است. عینیت واژه مردسالاری، به دلیل نامرئی بودن حیطه زن در جامعه کامل نیست، با این حال، سیستم اجتماعی موجود که به هزارویک دلیل از دیرباز ساخته و پرداخته منطبق مردانه است، بهترین دلیل بر نقص انحصار یک جانبه منطبق مردانه و لذا جامعه مردسالار است. هر چند که هر از گاهی، ندرتاً زنانی در موقعیتها و شرایط مختلف در اقصا نقاط دنیا سربلند می‌گردند و علی‌رغم همه موانع، برخلاف مسیر آب شنا می‌گردند و حرفشان را به هر قیمت می‌زدند اما این امر عمومیت نداشت و زنان تا قرن اخیر هرگز موفق نشدند به شکلی قابل طرح وارد صحنه شوند و این جبر زمان بود و اجتناب‌ناپذیر.

در نیمه دوم قرن نوزدهم با پیدایش قرن صنعت از یک سو و پدید آمدن افکار انقلابی سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، که هر نوع محرومیت را در جوامع بشری محکوم می‌کرد، برای اولین بار در تاریخ از صنف زنان نام برده شد، حداقل به نام بخشی از محرومان جامعه. اروپا می‌رفت که دوران فئودالیسم را پشت سر گذارد، در حالیکه زن ارباب، همچنان چون رعیت او تحت تملک بود. قاره نوتازه کشف شده بود و به واسطه ثروت و امکانات بی‌حساب خود همه کس را، از هر ملیتی به سوی خود جذب می‌کرد و به سرعت رو به پیشرفت می‌گذاشت. ماجراجویان، توسعه‌طلبان، ثروت‌پرستان و همچنین نوآوران و آنها که سر پرشور داشتند، راه امریکا را در پیش گرفتند و بر سر راه خود هر مانعی دیدند از پیش پا برداشتند. سرزمین جدید، فرهنگ و سنت خاصی پشت سر نداشت و لذا قیدی هم پیش پا نداشت. هدف، ساختن جامعه‌ای مقتدر و مرفه بود و در این راه هر تمهیدی معذور. اروپا برای عقب نماندن در این بازی قدرت، ناچار به رقابت بود. در این میان زنان که قرن‌ها بود در پشت حصارها و باورها محصور بودند، موقع را مغتنم شمردند و برای اولین بار، هر

قدر اندک و محتاطانه، به عنوان یک گروه مشترک المنافع با به میدان گذاشتند و نقطه فمینیسم بسته شد.

کلمه فمینیست در ماهنامه ادبیات مورخ ۲۷ آوریل ۱۸۹۵ در امریکا، به معنای: «زنی که در خود ظرفیت مبارزه برای کسب استقلال را دارد» ذکر شده است. «ریکا وست»، از سردمداران فمینیسم در امریکا در سال ۱۹۱۳ به کنایه نوشت: «شخصاً هرگز نفهمیدم فمینیسم چیست، فقط می دانم هر وقت احساسی را بیان می کنم که مرا از حصر جلوی در (کفش پاک کن) متمایز می کند، مرا فمینیست می خوانند.»

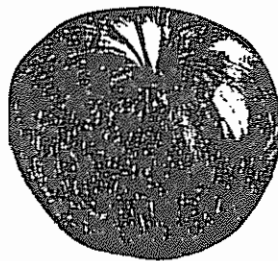
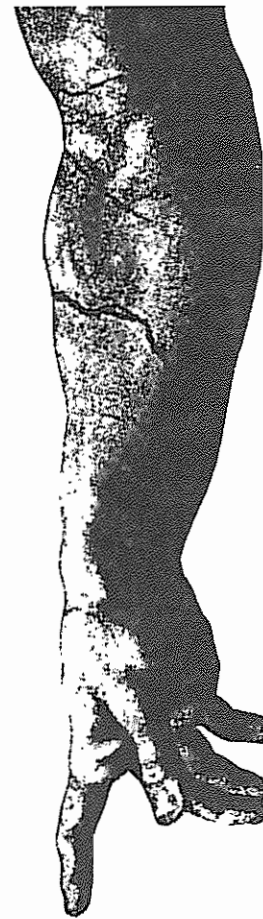
مرور بر تاریخ مبارزات زنان متفکر در دنیا از حوصله این بحث خارج است. به گفته «سوزان فالودی» خبرنگار و نویسنده سرشناس معاصر: «زنان آزادیخواه، از دنیا می خواهند که در درازمدت باور کنند زنها اشیا تزیینی نیستند، گلدانهای قیمتی نیستند، اعضای گروهی با منافع خاص نیستند. آنها نمی (و امروزه باید گفت بیش از نیمی) از جمعیت بشر هستند و درست به اندازه نیمی دیگر، استحقاق برخوردار از حقوق و فرصتها و سهم شدن در وقایع جهانی را دارند. دستور کار فمینیسم مبتنی بر این اصول است: زنها نباید ناچار شوند میان «داوری اجتماع» و «رضایت فردی» یکی را انتخاب کنند. زنها باید در تعریف خود آزاد باشند، نه اینکه جنسیت، زمان، فرهنگ و مردان، آنها را تعریف کنند.»

تاریخ مبارزات و فداکاریهای زنانی که برای به دست آوردن حقوق اجتماعی برابر، جان بر کف گذاشتند طولانی و تأثیرآور است. در طول سالهای میان ۱۸۷۰ تاکنون زنان جهان به عناوین مختلف برای کسب حقوق برابر جنگیده اند. در موارد اندکی موفق بوده اند، در بسیاری موارد شکست خورده اند. گاهی به افراط رفته اند و برابری را در همانندی کامل جستجو کرده اند. کت و شلوار پوشیده اند و حتی با ظاهر زنانه وداع گفته اند. برخی با طبیعت سر جنگ گذاشتند و با امتناع از ازدواج خواسته اند بی نیازی خود را نسبت به جنس مخالف نشان دهند. برخی دست از کارهای خانه و کودک و همسر کشیده و با اشتغال تمام وقت به کار بیرون از خانه، آزادگی خود را به نمایش گذاشته اند و سرانجام برخی با پیمودن راه درست مبارزه، هر چند با درد و سختی، هر چند با شکیبایی و صبوری سالها و هر چند بی زرق و برق بیرونی، با تلاش و زندگی پر بار خود گفته اند

برابری را در چه می بینند و آن را چگونه معنا می کنند.

شما برابری را در چه می بینید؟ آیا برابری به مفهوم یکسان بودن است؟ زن و مرد از نظر جسمی بی گفتگو، با هم متفاوتند. از نظر استخوانبندی، از نظر عضلانی، ترشح هورمونها و... از نظر خلقی و روانی هم متفاوتند، زنها احساسات رقیقتری دارند، وظیفه شناسترند، سهل گیرترند، دقیق ترند. زنها جسماً و روحاً مقاومترند. مردها بیشتر پیرو منطقند تا احساس. نامنظم ترند، سختگیرترند، انعطاف پذیری کمتری دارند، متهورترند و بسیاری تفاوتهای دیگر. اما صرف وجود این تفاوتها و اینکه هر یک از دو جنس از ویژگیهای خود تبعیت می کنند موجب خواهد شد که یکی بر دیگری امتیاز بیابد؟ آب به تبعیت از قانون جاذبه همواره کوتاهترین و سریعترین راه را برای رسیدن به پایینترین نقطه زمین انتخاب می کند. این خاصیت آب است. گیاهان همواره در جهت مخالف جاذبه از خاک بیرون می زنند و رو به بالا رشد می کنند. این خاصیت یک شاخه سبز است. هماغه کدام یک را به دیگری ترجیح می دهید؟ هیچکدام. هر دو برای ادامه حیات ضروری هستند. پس چگونه است که در مورد انسانها به این ترتیب قضاوت نمی کنیم. لذا غرض از برابری همسانی نیست. لطف یک مرد در مردانگی و یک زن در زنانگی اوست. با زنها چه کردند که می بینیم برخی داوطلبانه دست از جنسیت و هویت خود می شویند تا ناگزیر نباشند به حقارت زن بودن، تن در دهند. پس تفاوت، دلیل برتری نیست. تفاوت دلیل تفاوت است، همین و بس.

به طریق اولی، غرض از برابری برخوردار بودن از حقوق انسانی برابر است. همان چیزی که تبعیض، به هر شکل خود اعم از تبعیض نژادی، جنسی، طبقاتی و غیره، آن را مخلوش می سازد. برابری به تعریفی که شد آزادی نوع بشر را از قید هر اسارتی تضمین می کند. برای رسیدن به این آزادی، راهی طولانی و ناهموار در پیش است و راهرو این راه باید چراغ آگاهی را به دست گیرد تا راه را از چاه بشناسد، به حقیقت مقصد آنچنان اعتقادی داشته باشد که شاید نتواند او را از پای در آورد و شکیبیا باشد و شب به صبح، متوقع رسیدن به پایان راه نباشد. زن ستیزی و تحقیر زنان در اذهان ریشه ای دیرینه دارد و گفتیم در اذهان یعنی حتی در اذهان زنها. وقتی زنی در زمان حاضر، زنی دیگر را به خاطر نداشتن فرزند پسر سرزنش می کند و یا



● جستجو را باید از اولین سوئد تفاهم

آغاز کرد. باید حیثیت حوا را

اعاده کرد. آن که باعث

خروج انسان از بهشت شد،

زن نبود.

در بهترین حالت، بر او دل می‌سوزاند، زنی را که زیبا یا جذاب نیست تحقیر می‌کند، و به ظاهر عروسکی خود مباحثات می‌کند، این همان ریشه‌های مسموم کهن است که از ورای دورانه‌های اسارت قد می‌کشد و خود نشانگر عمق جراحت است. آگاهی مهمترین گام در راه رهایی است. زن باید از درون بفهمد که تحقیر شده است، مورد بهره‌کشی قرار گرفته است و آزاد نیست و بخواهد که محترم و آزاد باشد. باید اساس این حقارت را، چه در کلمات چند پهلوی قانون، چه در سنتهای مبتنی بر خرافات و چه در ضمیر خود جستجو و شناسایی کند. این شناخت به زن شرقی کمک می‌کند تا بدون دل‌بستگی به تنهای نمایشی غربی و با بازیابی نمونه‌های فاخر مذهبی و ملی و فرهنگی خود خواستهای به حق و انسانی خویش را مطالبه کند. جستجو را باید از اولین سوءتفاهم آغاز کرد. باید حیثیت حوّا را اعاده کرد. آن که باعث خروج انسان از بهشت شد، زن نبود.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «پس شیطان، آن دو را به خطا واداشت و از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم پایین روید، برخی دشمن، برخی دیگر، و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد.» (بقره، ۳۶)

خداوند آدم را شریک جرم حوا و حوا را شریک جرم آدم می‌داند. زن و مرد هر دو اسیر نفس خویشند، پس در خلقت برابرند. زن و مرد هر دو دارای روح ملکوتی و متعالی هستند، پس در خلقت برابرند. حضرت عیسی مسیح، در منع مردم از سنگسار کردن زنی که مرتکب زنا شده بود، فرمود: «آن کس که خود بی‌گناه است اول سنگ را به سوی زن بیندازد.»

زن گرسنه و پرفرزند هندی، زن محروم و محصور عرب، زن هراسان و آواره آفریقایی با حسرت زن غربی و خصوصاً آمریکایی را نظاره و او را در بهشت موعود آزادی، برابری و رفاه مجسم می‌کنند ولی آیا چنین تجسمی واقعیت دارد؟!

غرب در بحران نابرابری میان زن و مرد می‌جوشد. در غرب هیچکس برابری را در سینی، تعارف زن نکرده است. اگر برای او تساوی مبهم و دست و پا شکسته‌ای وجود دارد، آن را با چنگ و دندان به دست آورده است. زن شرقی اینها را نمی‌داند، زیرا همواره بر روی همه خطوط ارتباطی، تنها دو نوع اخبار را به گوشش رسانده‌اند: ماجراجویی مردان سیاسی که دائماً مدعی

زیور و کردن جهان هستند و خودنمایی زنان نمایشی غرب که قصدشان پولسازی در یک مقطع خاص است. معمولاً تصاویر اینها را هم بر در و دیوار دور افتاده‌ترین کلبه‌ها می‌بینیم. زن شرقی برای آن که بتواند خط سومی را بر روی خطوط خبری جهان به خود اختصاص دهد باید ابتدا کمترین حقوق خود را در قلمرو خانواده به دست آورد. اما حصول این مهم، تنها با ایراد چند سخنرانی و سمینار امکان‌پذیر نیست. با حرف زدن تنها نمی‌شود تفکر زن‌ستیزی را از عمق ضمیر اکثریت جامعه زدود. اقدام باید عملی و همه‌جانبه باشد. حمایت از حقوق زنان را باید در دو بعد مختلف و به موازات یکدیگر پیش برد. یکی بعد فرهنگی که هدفی استراتژیک و دراز مدت است و نیاز به آموزش نسلی نوین دارد و دیگری بعد قانونی و عملی که دسترسی به آن سهلتر و کوتاه مدت‌تر است. اقدام در بُعد فرهنگی، آگاهی و مساعدت کل جامعه را می‌طلبد. هر کس در هر کجا و در هر مقام و اشتغالی باید احساس مسئولیت کند و به خاطر سلامت و سعادت کل جامعه، دست و پای زن را از قید هر چه بند بازدارنده است آزاد کند تا کل جامعه بتواند به پیش حرکت کند. در این میان آموزگاران، هنرمندان و گردانندگان رسانه‌های گروهی می‌توانند بیشترین سهم را داشته باشند.

در بُعد قانونی، توجه خاص و دلسوزی قانونگذاران و مسئولان دولتی از اهمیت ویژه

● زنان باید اساس حقارت را،

چه در کلمات چند پهلوی قانون،

چه در سنتهای مبتنی بر خرافات

و چه در ضمیر خود

جستجو و شناسایی کنند.

● زنان بانی بسیاری از صنایع مادر

بودند، اما به مرور زمان این صنایع

و سایر حرفه‌های کلیدی را به مردان

سپردند و کارآیی اقتصادی خویش

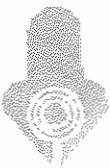
را از دست دادند.

برخوردار است. اینکه قوانین با چه الفاظی تبیین شوند، آنقدر مهم نیست که در عمل تا چه حد کارآیی داشته باشند. برای روشنتر شدن مطلب به این نمونه‌ها توجه کنید:

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۶۱ شمسی از این قرار است:

«در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید. در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عُسر و حَرَج است، می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج، زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن، به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.» نفس این ماده قانون بسیار باارزش است اما در اجرا... این کلمه «می‌تواند» در ظاهر بسیار امیدبخش است، هم برای زنی که خواهان خاتمه دادن به زندگی زناشویی نامطلوب خویش است و هم برای وکیلی که با پرونده او سر و کار دارد. زنها به استناد همین یک کلمه، به حاکم شرع یعنی دادگاههای مدنی خاص مراجعه می‌کنند و پس از چند سال رفت و آمد به دادگاهها، تازه می‌فهمند گذشتن از مراحل اجرایی پر پیچ و خم این قانون در توان هیچ زنی نیست. در این گذر به ناچار دعوی طلاق را در راهروهای دادگاه رها می‌کنند و با گذشتن از همه حقوق حقه خود، خانه مشترک را ترک می‌کنند و پی سرنوشت بلا تکلیف خود می‌روند، بی آنکه نام شوهر از شناسنامه‌شان پاک شود و بتوانند درباره آینده‌شان مستقلاً تصمیم گیرند. احراز عسر و حرج در زندگی زن متقاضی طلاق هم سهل است، هم ممتنع. سهل است اگر دادگاه بخواهد، ممتنع است اگر دادگاه نخواهد.

از سال ۱۳۶۱ به بعد، به عنوان شرط ضمن عقد، این عبارت در قباله‌های ازدواج دائم چاپ می‌شود: «ضمن عقد نکاح/عقد خارج لازم زوجه شرط نمود هر گاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را، طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید.» تحت تأثیر این کلمات معقول و منطقی خانواده‌های ناآگاه ترجیح می‌دهند و بلکه اصرار می‌کنند داماد در ازای تقبل پرداخت یک مهریه درخور، ذیل این کلمات را امضا کند. پس از چندی که مرد به هر دلیل اراده کند همسر خود را طبق مفاد صریح و روشن ماده ۱۱۳۳



● زن گرسنه و پرفرزند هندی، زن محروم و محصور عرب، زن هراسان و آواره آفریقایی با حسرت زن غربی و خصوصاً امریکایی را نظاره و او را در بهشت موعود آزادی، برابری و رفاه مجسم می‌کند

ولی آیا چنین تجسمی واقعیت دارد؟

نیستند. آنها نیمی (و امروزه باید گفت بیش از نیم) از جمعیت بشر هستند و درست به اندازه نیمه دیگر استحقاق برخورداری از حقوق و فرصتها، و سهم شدن در وقایع جهانی را دارند. دستور کار فمینیسم مبتنی بر این اصول است: زن‌ها نباید ناچار شوند میان «داوری اجتماع» و «رضایت فردی» یکی را انتخاب کنند. زن‌ها باید در تعریف خود آزاد باشند، نه اینکه جنسیت، زمان، فرهنگ و مردان آنها را تعریف کنند.

... انی لااضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض...
... من عمل هیچیک از شما را چه زن و چه مرد - که همه از یکدیگر برید - بی‌اجر نمی‌گذارم...

(آل عمران، ۱۹۴)

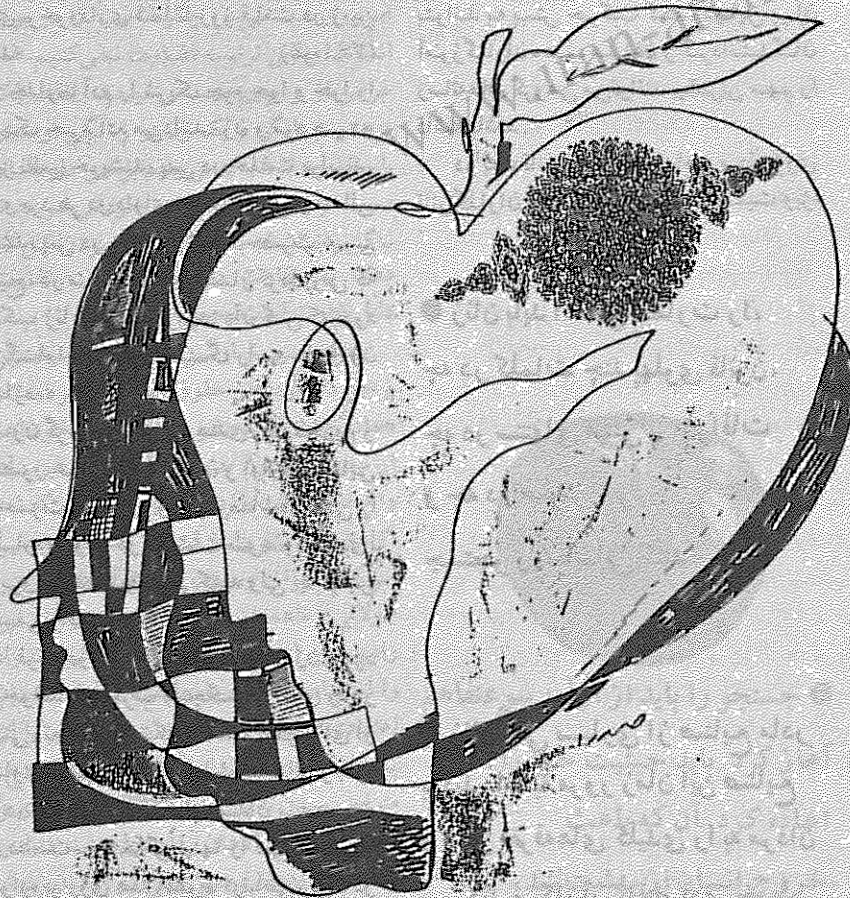
اگر دادگاه بخواهد و اگر نخواهد و متأسفانه در این گذر هم هیچ حد و مرز تعیین‌کننده‌ای وجود ندارد.

متأسفانه در عرصه قانونگذاری در مورد زنان، مشکلاتی از این دست، کم نیستند که زنان این سرزمین در مقابله با این مشکلات همدلی و عدالتخواهی مسئولان متعهد و حق‌جو را صمیمانه به یاری می‌طلبند. مشکلاتی درخصوص اشتغال به حرفه‌های مختلف، برخورداری از خانه‌های سازمانی، مأموریت و حق مأموریت، مأموریت خارج و بورس برای زنان مجرد، محدودیت در احراز پستهای کلیدی و مدیریت و قص علی هذا.

زن‌ها اشیای تزئینی نیستند، گلدانهای قیمتی نیستند، اعضای گروهی با منافع خاص

قانون مدنی که مقرر می‌کند و اجازه می‌دهد: «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.» طلاق می‌دهد بی‌آنکه ملزم به پرداخت پیشیزی از حقوق مسلم او باشد، حتی اگر زن همه عمر و جوانی خود را در خانه آن مرد به سر آورده باشد. چگونه؟ مرد که «هر وقت بخواهد» می‌تواند زن خود را طلاق دهد، از پیش زمینه‌ای فراهم می‌کند که دیناری از اموالش در خطر تسلط زن قرار نگیرد. به همین سادگی! و تازه عبارت «تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی» دست دادگاه را برای هرگونه تشخیص و تصمیمی باز می‌گذارد. زیرا که تشخیص «تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی» نیز امری است سهل و ممتنع،

سیب



گفتم: «این روزهای سخت رسیدن است! و فکر می‌کنم سبب هم تا سرخ شدن، مثل من فریاد می‌کنند.
آیا کسی صدایش را می‌شنود؟
گفت: «سیب یک بار می‌رسد
اما تو باید بارها و بارها برسی.»

زمستان ۱۳۷۱
خاطره حجازی



زهرا رهنورد در حال کار روی نمونه اولیه مجسمه

◀ پرده برداری از تندیس «نرگس عاشقان»

روز چهارشنبه، ۱۳ بهمن ۷۲، با حضور شهردار تهران و عده‌ای از اساتید دانشگاه‌های هنر و چندتن از رؤسای دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و همچنین مردم هنردوست تهران - که از صبح تا ظهر در انتظار به سر می‌بردند - از تندیس «نرگس عاشقان»، کار زهرا رهنورد در میدان مادر (محسنی سابق) پرده برداری شد. تندیس «نرگس عاشقان»، که نام

آن از کتاب عرفانی «عیبرالعاشقین» اثر «شیخ روزبهان بقلی شیرازی» در قرن ششم گرفته شده است، فاقد

سمتی به عنوان پشت مجسمه و در واقع دوسویه است. در یک سو مادر و کودکی با خالت عرفانی و در سوی دیگر، مادر و کودکی به حالت عاطفی مشاهده می‌شوند. در محل قلب، محرابی قرار دارد که درون آن سببی تعبیه شده و برگهای سیب به شکل اسلیمیهای رایج در هنر اسلامی است. این مجسمه غیررنالیستی و دارای نوعی ذهنیت‌گرایی قالب است و تجسم

◀ دوازدهمین جشنواره فیلم فجر

بخش مسابقه فیلمهای اول: دیپلم افتخار به فیلم ایوب پیامبر ساخته فرج الله سلحشور. سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به سجاده آتش ساخته احمد مراد پور.

بخش مسابقه فیلمهای دوم: سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم به جنگ نفتکش‌ها ساخته محمد بزرگ نیا. سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیأت داوران به فریدون دانشمند نویسنده فیلمنامه «دره هزار فانوس».

سیمرغ بلورین بهترین صحنه آرایبی به خانم ملک جهان خزاعی برای فیلم بلندبهای صفر.

سیمرغ بلورین بهترین چهره برداری به مهران روحانی برای فیلم بلندبهای صفر.

سیمرغ بلورین بهترین

جلوه‌های ویژه به محسن روزبهانی برای فیلم سجاده آتش.

سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری به بهروز شهابت برای فیلم حماسه مجنون.

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه به هوشنگ مرادی کرمانی و محمد علی طالبی برای فیلم تیک تاک.

در این بخش از مهدی فخیم زاده برای نوشتن فیلمنامه همسر تقدیر به عمل آمد.

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به محمد بزرگ نیا برای فیلم جنگ نفتکش‌ها.

سیمرغ بلورین بهترین صدابرداری به بهمن حیدری برای فیلم همسر.

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن [نقش دوم] به خانم نیکو خردمند برای بازی در فیلم بازیچه.

هیأت داوران در این بخش از بازی خانم شیرین بنیاد در فیلم تیک تاک تقدیر به عمل آورد.

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد [نقش دوم] به جعفر دهقان برای بازی در فیلم حماسه مجنون.

هیأت داوران از بازی مهدی فخیم زاده در فیلم تاواریش تقدیر به عمل آورد.

سیمرغ بلورین بهترین تدوین به حسین زندباف برای فیلم چشم شیطان.

سیمرغ بلورین بهترین سازنده موسیقی متن به ناصر چشم آذر برای فیلمهای بلندبهای صفر و چشم شیطان.

هیأت داوران در این بخش دیپلم افتخار خود را به پل هرتل برای فیلم خاکستر سبز اهدا نمود.

سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری به حسن پویا برای فیلم چشم شیطان.

در این بخش هیأت داوران از محمود درمیش برای فیلمبرداری حماسه مجنون تقدیر به عمل آورد.

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن [نقش اول] به خانم فاطمه معتمد

آریا به خاطر بازی در فیلم همسر. در این بخش از خانم پرویندخت یزدانیان برای بازی در فیلم نان و شعر تقدیر به عمل آمد.

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد [نقش اول] به عزت الله انتظامی برای بازی در فیلم روز فرشته.

سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیأت داوران به جمال شورجه برای فیلم حماسه مجنون.

سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیأت داوران به علی طالبی برای فیلم تیک تاک.

سیمرغ بلورین بهترین نمونه فیلم [آنونس] به صمد تواضعی برای فیلمهای توتل و بر بال فرشتگان.

سیمرغ بلورین بهترین پوستر به محسن سید محمودی برای پوستر فیلم بدوک.

سیمرغ بلورین بهترین مجموعه عکس به مهرشاد کارخانی برای عکسهای فیلم هور در آتش.

دیپلم افتخار بازیگر خردسال به امیر اسماعیلی برای فیلم پایان کودکی.

دیپلم افتخار ویژه به علی شاه حاتمی برای فیلم آخرین شناسایی.

دیپلم افتخار نمونه فیلم به ایرج گل افشان برای فیلم سارا.

دیپلم افتخار برای پوستر فیلم هنر پیشه به رضا عابدینی.

دیپلم افتخار مجموعه عکس به بهروز صادقی برای فیلم یکبار برای همیشه.

جشنواره فیلم فجر، بهمن ماه امسال برای دوازدهمین بار برگزار شد.

جشنواره دوازدهم شامل بخشهای زیر بود:

- ۱ - سینمای ایران ۲ - فیلمهای اول و دوم ۳ - مسابقه پوستر، عکس و آنونس ۴ - نمایشگاه آثار هنری سرگشی پاراجانف ۵ - جوایز بین‌المللی سینمای ایران ۶ - پوسترهای جشنواره جهانی فیلم ۷ - کنگره بین‌المللی فیلمسازان مسلمان ۸ - جشنواره جشنواره‌ها ۸ - نمایشهای ویژه

و بالاخره در پایان جشنواره، نتایج به شرح زیر اعلام شد:

نتایج به شرح زیر اعلام شد:

سی و یکمین سالگرد تولد شورای کتاب کودک در سال «خواندن با خانواده»

توران میرهادی



پروین اردلان

توران خانم برای گنجشکهای خانه‌شان خردنمان می‌ریزد. ۳۰ سال است این کار را می‌کند. خدا کند زنده باشد و سالهای سال برای گنجشکها خردنمان بریزد. در قصه «هوشنگ مرادی کرمانی»، نویسنده کتابهای کودکان و نوجوانان و خالق شخصیت مجید، توران خانم به گنجشکهای کوچک غذا می‌دهد و در واقعیت، «شورای کتاب کودک» و خانم «توران میرهادی»، از بنیان‌گذاران اصلی آن، ۳۱ سال است که ذهن کودکان ایرانی را تغذیه می‌کنند. «هوشنگ مرادی کرمانی» در آیین سالروز تأسیس شورای کتاب کودک، داستان خود را می‌خواند و می‌گوید: «ریشه درختان همیشه ناپیداست. شورای کتاب کودک نیز یک ریشه است.»

روز چهارشنبه ۲۹ دیماه ۷۲، این ریشه که اکنون درختی تناور است و شاخساران بسیار از آن رویده، سی و یکمین سالگرد تولد خود را در تالار اجتماعات کتابخانه حسینیه ارشاد جشن می‌گیرد. در این مراسم اعضا، همکاران و دوستداران شورا گرد آمده‌اند.

شورای کتاب کودک اکنون نه تنها در ایران، که در جهان، برای همه کسانی که کودکان را دوست دارند نامی آشناست و در سال ۱۳۴۱ به قصد فعالیت در عرصه ادبیات کودکان تأسیس شد و به تدریج گستره فعالیتهای پربار خود را در زمینه‌های گوناگون فرهنگ کودکان گسترش داد. بررسی و تحلیل و طبقه‌بندی سالانه کتابهای کودکان و نوجوانان، تهیه و چاپ فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، که از سال ۵۸ به بعد در دستور کارش قرار گرفت و تشکیل و برگزاری کارگاه ادبیات

کودکان و نوجوانان از جمله فعالیتهای شورا است. «شورای کتاب کودک و نوجوان» هر سال همراه با جشن سالگرد تأسیس خود، نتایج بررسیهای کتابهای کودکان و نوجوانان را نیز اعلام می‌کند. در جشن سی و یکمین سالگرد تولد شورا، منصوره راعی از اعضای شورای کتاب کودک، در گزارشی با عنوان نشر کتاب کودک و نوجوان، ۱۳۶۱، نتایج بررسیهای شورا را قرائت کرد. شورا در سال ۷۱ با بررسی ۲۵۴ اثر، ۹۳ کتاب را با عنوان کتابهای خوب، یعنی آثاری که می‌توان آنها را جزو ادبیات به حساب آورد، برگزید و ۱۰ کتاب از این مجموعه را به عنوان آثار «شایسته معرفی ویژه» انتخاب کرد که به پدیدآوردندگان این آثار دیپلم افتخار اهدا شد:

- ۱- خاله عروسک من: نوشته شهرام شفیی، در گروه پیش از دبستان
- ۲- دوستان من: نوشته تارو گومی، گروه پیش از دبستان
- ۳- سفر به دنیای وحوش با اعداد: نوشته جان تورنیل
- ۴- فیل مهربان: نوشته همالاتا، در گروه سالهای اول دبستان
- ۵- تندپا و بادپا: نوشته اوراسولا ولفل، در گروه سالهای آخر دبستان
- ۶- نگذار به بادبادکها شلیک کنند: نوشته فریده چیچک اوغلو
- ۷- تمام دوران کودکی من در یک چمدان گذشت: نوشته ابوالفضل خلیلی
- ۸- مشت بر پوست: نوشته هوشنگ مرادی کرمانی
- ۹- نارنج و ترنج: نوشته فرشته مولوی، در گروه نوجوانان
- ۱۰- آن روز بهترین روزهاست که... از میان آثار کودکان و نوجوانان

«آن روز بهترین روزهاست که...» مجموعه‌ای از ۷۱ اثر کودکان و نوجوانان است که مرکز آفرینشهای هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کرمانشاه، در یکی از مسابقات فصل خود از میان ۶۰۰ اثر، برگزیده و چاپ کرده است. شورای کتاب کودک همچنین به پاس تلاش خلاق گروه آثار کودکان و نوجوانان، به ناصر یوسفی، نگین شهری، عذرا سمیعی و فرزانه کنعانی، برای اجرای برنامه «من هم حرفهایی دارم»، دیپلم سپاس اهدا کرد.

منصوره راعی در گفت و گو با خبرنگار زنان، در پاسخ به این پرسش که شورا در گزینش و طبقه‌بندی کتابها چه شیوه‌ای دارد گفت: «از سال ۷۱ شورا، کتابهای کودکان و نوجوانان را در سه گروه کتابهای خوب یعنی آثاری که بیشتر به ادبیات گرایش دارند، خواندنیهای مناسب، یعنی آثاری که بیشتر به آموزش مفهومی توجه دارند و یا به رغم گرایش به ادبیات، ضعفهای ساختاری یا تصویری در آنها دیده می‌شود و آثار قابل ذکر، یعنی آثاری که در مقایسه با خواندنیهای مناسب دارای ضعفهای بیشتری در ساختار و تکرار در موضوع... است، طبقه‌بندی می‌کنند از میان آثار خوب، ۱۰ اثر به عنوان آثار شایسته معرفی ویژه انتخاب می‌شود که براساس گزینش آثار خوب از معیارهای شورای کتاب کودک می‌توان آنها را به عنوان ادبیات ناب مشخص کرد.»

در محل مراسم، همچنین نمایشگاهی از پوسترهای روز جهانی کتاب کودک برگزار شده بود. زهرا فرمانی، یکی از اعضای شورای کتاب، نیز کتابهایی برای سنین قبل از دبستان به نمایش گذاشته بود که در آنها به جای کاغذ، پارچه به کار می‌رفت. در حاشیه مراسم نیز نوشت

زاد فتوحی، نمایش عروسکی برای کودکان اجرا کرد.

پس از قرائت گزارش شورا و اهدای دیپلم افتخار، توران میرهادی با عنوان تجربه‌های نو در کار بررسی کتابهای کودکان و نوجوانان سخنرانی کرد. وی با جمع‌بندی تجربه چندین سال بررسی کتابهای کودکان و نوجوانان، در سخنان خود گفت: «تاکتونی مبنای بررسی کتابهای کودکان و نوجوانان براساس گروه‌بندی سنی بود، اما از این پس شورا براساس نوع کتاب و پدیدآورنده کتاب، آثار را طبقه‌بندی خواهد کرد و دلیل آن افزایش تعداد نویسندگان تصویرگران و محققان آثار کودکان است.» خانم میرهادی در ادامه سخنان خود افزود: «در حال حاضر آثار نویسندگان کتابهای کودکان و نوجوانان ما، پیش از آنکه در حوزه ادبیات محض باشد، در حوزه خواندنیهاست. برای فراتر رفتن از مرحله نوشتن و خواندن، و دستیابی به مرحله آفرینش ادبیات، مطالعه، تعمق، تحقیق و مشاهده و سیر و سیاحت ضرورت دارد.»

تلاش برای خواندن و بیشتر خواندن و با یکدیگر خواندن تلاشی جهانی است. «سازمان ملل متحد»، سال ۱۹۹۴ را به عنوان سال جهانی خانواده اعلام کرده است و در متن این برنامه، دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) نیز با شعار «خواندن با خانواده»، از ۶۲ کشور عضو خود خواست که در این تلاش جهانی شرکت فعال داشته باشند. در استقبال از این کوشش گسترده، شورای کتاب نیز برنامه‌هایی تدارک دیده است. پس از سخنرانی خانم میرهادی، خانم نوش آفرین انصاری دبیر شورا، برنامه‌های شورای کتاب کودک را در این زمینه مطرح کرد. در بخشی از برنامه‌های شورا، که به صورت توصیه‌هایی در تداوم هفته



کتاب و کتابخوانی تدریس شده بود، تهیه و انتشار مطالب گوناگون در زمینه «خواندن با خانواده»، تهیه و انتشار فهرست کتابهای مناسب برای کودکان و نوجوانان... را به سازمانها و مؤسسات توصیه کرد و در بخش دوم، وی برنامه‌های شورا را اعلام کرد. تشکیل ستاد برگزاری سال «خواندن با خانواده»، انتشار خبرنامه‌ای از فعالیتهای داخل و خارج کشور، تشکیل ۱۰۰ کارگاه «خواندن با خانواده» برای پدران و مادران و... از جمله برنامه‌های شورا است.

سپس خانم قزل ایغ، یکی دیگر از اعضای شورای کتاب کودک، با عنوان «خانواده، خواندن، کودک» سخنرانی کرد. وی در سخنرانی خود با تأکید بر نقش خانواده در تربیت کودکان، تحمیل عقاید به کودکان را مشکل ساز دانست و گفت: «آگاه باشیم تا تأکید بر خواندن را با تأکید بر ارزشهای خود توجه نکنیم.» کاترین پاترسن نویسنده کتابهای کودکان و نوجوانان در امریکا در بخشی از پیام روز جهانی کتاب کودک، سال ۱۹۹۴، می‌گوید: «جهان از آن کسانی است که می‌خوانند... با خواندن می‌توانیم به رمز و راز طبیعت پی ببریم و نیز می‌توانیم در قلب و فکر دیگری نیز سیاحت کنیم.»

ناصریوسفی، از اعضای شورای کتاب کودک، در سخنرانی خود با عنوان «روز جهانی کتاب کودک، ۱۳۷۳» با اشاره به همزمانی پیام کاترین پاترسن و همراه بودن این پیام با سال جهانی خانواده و برنامه خواندن با خانواده، پرگسترش افتخاری فکری تأکید کرد.

آخرین سخنران این مراسم، داستان نویس کودکان، هوشنگ مرادی کرمانی، بود که یکی از داستانهای خود را خواند و شورا رایشه‌ای ناپیدا اما بارور توصیف کرد. جشن سی و یکمین سالگرد شورا با داستان مرادی کرمانی به پایان رسید اما تلاش پیگیر شورا را پایانی نیست.

سال جهانی خانواده

مجمع عمومی سازمان ملل، سال ۱۹۹۴ را «سال جهانی خانواده» اعلام کرد.

بیانیه سال جهانی خانواده بر اصول زیر مبنی است:

الف: خانواده، واحد اصلی اجتماع است و در نتیجه به توجه ویژه نیاز دارد. از این رو خانواده‌ها می‌بایست از گسترده‌ترین حمایت و یاری ممکن برخوردار شوند تا بتوانند پذیرای کامل مسئولیتهای خود در جامعه باشند و آن هم در مطابقت با شرایط مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی و بیانیه رفع هر گونه تبعیض در مورد زنان؛

ب: اشکال و کارکردهای خانواده از کشور به کشور و درون هر اجتماع ملی متفاوت است. این امر بیانگر اولویتهای فردی و شرایط اجتماعی است. در نتیجه، سال جهانی خانواده نیاز همه خانواده‌ها را در برمی‌گیرد و به تمامی آنها اشاره دارد؛

پ: فعالیتهای سال جهانی خانواده در پی پیشبرد حقوق اولیه بشر و آزادیهای اساسی تمامی افراد، صرف‌نظر از موقعیت فردی درون خانواده و یا موقعیت آن خانواده است و آن هم با ضوابطی حقوقی که تحت نظارت سازمان ملل صورت‌بندی شده‌اند و مقبولیت جهانی دارند؛

ت: هدف این سیاستها، تشویق تساوی میان زنان و مردان درون خانواده‌ها و به وجود آوردن مشارکت هر چه بیشتر در مسئولیتهای درون خانه و فرصتهای شغلی است؛

ث: فعالیتهای سال جهانی خانواده در تمامی سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌پذیرد، با این همه، تمرکز اولیه بر سطوح محلی و ملی خواهد بود؛

ج: برنامه‌ها بیشتر باید خانواده‌ها

را در انجام کارکردشان یاری دهند نه آنکه خود جایگزین این کارکرد شوند. باید توانمندیهای ذاتی خانواده را از جمله توان عظیم آنها را برای اتکاء به نفس ارتقا دهند و برای آنها محرک فعالیتهایی باشند که به تقویت نفس آنها یاری رسانند. آنها می‌بایست بیانگر چشم‌اندازی منسجم از خانواده، اعضای آن، جامعه و اجتماع باشند؛

چ: سال جهانی خانواده رخدادی در یک روند مداوم است. معیارهایی لازم است تا ارزیابی دقیقی از پیشرفت حاصل و مشکلاتی که قبل و در خلال سال جهانی خانواده پیش آمده‌اند به عمل آید تا آنکه موفقیت این سال و پیگیری متناسب بعدی تضمین گردد.

تأثیر جنگ بر استقلال زنان سومالیایی

علی‌رغم آن که جنگ در سومالی، خرابیهای زیادی به بار آورده است ولی تغییرات مثبت و ماندگاری را نیز به همراه داشته است که هیچ کدام از این تغییرات، گسترده‌تر از نقش زنان در جامعه‌ای که زنان «وابسته» و «مطمین» هستند، نبوده است.

هباع عثمان، مسئول مرکز پیشرفت زنان و کودکان سومالی می‌گوید: «زنان در این جامعه مسئول مراقبت از خانواده هستند. آنها باید کودکان را دکتر ببرند، هنگام گریه، آنها را آرام کنند. برای شوهراشان غذا بپزند و از پمپ آب، برایشان آب بیاورند تا آنها جمام کنند. کل کاری که مرد باید در خانه انجام دهد این است که وقتی صبح از خواب بیدار می‌شود، کفشهایش را بپوشد.»

جنگ، زنان را مجبور کرده است که برای حمایت از خانواده‌شان به کار بیرون از خانه مشغول شوند و با تشکیل گروههای حمایتی زنان، برای خود کار دست و پا کنند و اغلب آنان تنها نان‌آور خانواده هستند.

دو تن از هفت عضو کمیته

مرکزی سازمانهای غیردولتی (NGO) در سومالی زن هستند. در بسیاری بخشهای کشور اداره امور را به عهده گرفته‌اند. هم‌اکنون آشپزخانه‌های عمومی و مراکز غذارسانی را فقط زنان می‌گردانند. تشکیلات زنان در سومالی مدرسه‌ای برای ۲۰۰ تن از کودکانی که خانواده‌هایشان در جریان تخریب دانشگاه سومالی در نزدیکی موگادیشو بیکار شده‌اند، مدرسه‌ای تأسیس کرده‌اند و معلمان سابق دانشگاه به این کودکان درس می‌دهند.

زنان بازارهایی در شهرهای سراسر کشور، به ویژه در مناطق شمالی، احداث کرده‌اند و در کمک‌رسانی نقش عمده‌ای به عهده گرفته‌اند و حال با درک جدیدی از تواناییها و قدرت خود، خواستار مشارکت بیشتری در امور سیاسی هستند.

«دهابا ایسا»، ۲۷ ساله، مسئول محاسبه مشکلات توزیع غذا است. او پیشنهاد کرده که اگر قبل از تقسیم غذا، غذاها پخته شود، احتمال دزدی آنها کمتر می‌شود. او سازمان بین‌المللی تشکیلات غیردولتی را ترغیب کرد که آشپزخانه‌های آزمایشی برپا کند و به تدریج ۵۰ مرکز غذارسانی را به ۸۰۰ مرکز افزایش دهد، سیستم مدیریت مرکزی را به مدیریت محلی تبدیل کند و این مراکز تحت نظارت افراد محلی اداره شود. ایسا می‌گوید: «مردان سومالی مرا خطرناک می‌دانند و اتهاماتی به من می‌زنند که کاملاً بی‌پایه و اساس است.»

زنان سومالی از هم‌اکنون نگرانند که پس از صلح چه بر سر آنان خواهد آمد؟ بعضی از آنان وحشت دارند مردانی که در این دوران نیاز از اعطای نقشهای وسیعتری به زنان حمایت می‌کردند در زمان صلح بخواهند جلوی پیشرفتهای آنان را بگیرند و این امر برای زنان بسیار ناگوار است.

حلیمه ابراهیم، یکی از مسئولان تشکیلات زنان سومالی می‌گوید: «من تا پایان تحصیلات دانشگاهیم، حدود ۱۸ سال درس خوانده‌ام. باید کار کنم، باید فکر کنم، باید بتوانم به جامعه‌ام خدمت کنم. یک زن نمی‌تواند مثل یک صندلی یا میز، مایملک کسی باشد. من نمی‌توانم خانه‌نشین شوم.»



هر ساله در اوایل تابستان، در دهه اول ماه محرم یا به مناسبت‌های دیگر، چند روزی تب مبارزه با بدحجابی و فساد، تهران و به خصوص خیابانهای شمالی شهر را در خود فرو می‌برد و با ایجاد تنش و بازار داغ شایعات، زندگی بخشی از مردم را تحت الشعاع قرار می‌دهد و پس از چندینی خود به خود آرام می‌گیرد. مردم همواره از خود می‌پرسند چرا این برنامه با سروصدای بسیار آغاز می‌شود، بدون نتیجه پایان می‌گیرد و مجدداً با همان الگوها تکرار می‌شود؟

در سال جاری این حرکت همراه با طرح مسائل مربوط به مبارزه با تهاجم فرهنگی، سروصدای بیشتری داشت و برخی اتفاقات، همراه با شایعات تکان‌دهنده، گروهی از مردم را عصبی و سراسیمه کرد و باز بدون نتیجه‌ای اساسی پایان یافت. اگر هدفهای اجتماعی دولت یا سازمانهای مسئول را در اجرای چنین برنامه‌هایی بتوان از نظر جامعه‌شناسی به شرح زیر خلاصه کرد:

- ایجاد جامعه‌ای سالم بر مبنای ارزشهای اسلامی و ایرانی.
- تأمین امنیت فردی و اجتماعی براساس روابط سالم افراد با یکدیگر به نحوی که از فساد و تباهی جلوگیری شود و موجب رشد و بالندگی آنان گردد.
- ایجاد اعتبار اخلاقی و معنوی در سطح بین‌المللی، به خصوص در میان ملل اسلامی. هدف این نوشتار نگاهی گذرا و ارزیابی اجمالی و نظری از عملکرد اجتماعی آن حرکت است که شاید برای مجریان، که بدون شبک، نیتی جز ایجاد یک جامعه سالم ندارند، مفید فایده باشد. **۱۴**

بدون هیچ شاهد و مدرکی، خطاهایی نام برده شده و براساس آن مجازات‌هایی از تذکر تا تعلیق قابل شده‌اند.»

پسری از دانشجویان سال آخر یکی از رشته‌های پزشکی درد دل می‌کرد: «با دختری از همکلاسان خود قصد ازدواج داریم. پدر و مادر او که هر دو پزشک هستند، فعلاً فقط اجازه داده‌اند با هم نامزد کنیم. من و دختر خانم، هر یک جداگانه به منزل یکی از همشاگردان متأهل خود دعوت شده بودیم. مجلس جوی سالم و بیشتر جنبه خانوادگی داشت. آخر شب، آموزران به مهمانی آمدند و ما را گرفتند و در نهایت به دادسرا بردند، جایی که به عمرم در آن قدم نگذاشته بودم. حکم جلب صادر کردند و خلاصه میهمانان را به پرداخت ۲۰ هزار تومان وجه نقد، ۱۰ ضربه شلاق و ۵۰ هزار تومان جریمه تعلیقی محکوم کردند. خیلی ناراحت بودم، از یک طرف برای نامزدم که مورد شمتات خانواده‌اش قرار گرفته بود و نگاه‌های چپ چپنی که به من می‌کردند، نه از سر اعتقاد به اشتباه بودن ارتباط ما بلکه به خاطر ایجاد دردسر - و از طرف دیگر برای پدرم، چون مجبور بود این وجه را بپردازد. در این احوال مردی که او را به جرم فیلمبرداری از مجالس گرفته بودند، مرا دلدار می‌داد که: اصلاً ناراحت نباش! مرا ۳۰۰ هزار تومان جریمه کردند، من هم دو تا مشتری اول خودم را آن‌چنان تیغ زدم که جبران شد. حالا تو که دکتر می‌شوی و صد برابر می‌توانی تلافی کنی!»

صرفنظر از حق یا ناحق بودن این حرکتها و با توجه به اینکه این واقعتها در جامعه وجود دارد، اینها نمونه‌هایی بسیار ساده از حوادثی بود که روزانه در کشور ما، به دفعات اتفاق می‌افتد. از خود پرسیم در

اگر می‌خواهیم در دهکده بزرگ جهانی حل نشویم...

تمامی سالهای گذشته جنگیدن با چنین پدیده‌هایی با تکیه بر «نبایدها» و انجام عکس‌العملهایی از نوع بالا به کدام دستاورد اجتماعی - فرهنگی منتج شده است؟ جز آنکه در بسیاری موارد اعتبار داخلی و خارجی ارگانهای دولت جمهوری اسلامی ایران را خدشه‌دار نموده یا مبنای بروز شایعات بی‌اساسی شده که لطمه‌های آن به ساختار ارتباط دو طرفه هیئت حاکمه - مردم، و نیروهای انتظامی - مردم بسیار بیشتر از ضرر عدم رعایت حجاب اسلامی خانمی از سر سهل‌انگاری، یا دخترکی به خاطر شور جوانی بوده است؟

پس چه باید کرد؟ این انبوه جوانان، این دستاورد روند افزایش لجام گسیخته جمعیت را باید به حال خود رها کرد؟ دست روی دست گذاشت و شاهد این استحاله دزدانه، بی‌خردانه بود؟ یا آنها به ستیزه برخاست و یا برای هر کدام از آنان معلم اخلاقی برگزید؟

اگر مسائل مطرح در این مقوله را موضوع علم جامعه‌شناسی بدانیم و قبول کنیم که این علم مبنای بررسیهای خود را «پدیده‌های اجتماعی چنان که هست، نه چنان که باید باشد» قرار می‌دهد و سپس

با دوستم از خیابان «ولی‌عصر» می‌گذشتیم. صدایی شبیه به آنچه همیشه برای خلوت کردن خیابان هنگام گذر یک مهمان خارجی شنیده می‌شود، به گوش خورد. ماشینها کنار کشیدند و برخی مردم یکبار به نظاره ایستادند و عده‌ای دیگر بی‌توجه، به راه و صحبت خودشان ادامه دادند. ناگهان قریادی همه را تکان داد: «خانم حجابت را بکش پایین.» با حیرت برگشتم تا ببینم چه خبر است. ماشینهای نیروی انتظامی را که آرام رژه می‌رفتند و دو مینی‌بوس خالی در میان آنها حرکت می‌کرد، دیدم. سکوت خیابان را فرا گرفته بود، بچه‌ای در کالسکه گریه می‌کرد و همه افراد پیاده، خود را به سمت دیوار کشیده بودند. مهمان خارجی در کار نبود!

دختر دانشجویی، که در سال آخر یکی از تخصصی‌ترین رشته‌های فنی یکی از بهترین دانشگاههای کشور سالهای آخر تحصیل خود را می‌گذراند، می‌گفت: «اعضایمان داغان شده است. هر روز شبیه که به دانشگاه می‌رویم، نام تعدادی از دانشجویان را به دیوار زده‌اند که بیایید نامه‌های صادره از کمیته انضباطی دانشگاه را بگیرید. در این نامه‌ها

از طرف دیگر بسیاری از رفتارهایی که «غربی» شناخته شده، ناشی از زندگی ماشینی و پیشرفت تکنولوژی است که به هر حال جنبه‌هایی از خوب و بد زندگی را در خود دارد. نمی‌توان در پیروی از سیاست مسکن کشور، مردم را وادار به زندگی در خانه‌های ۷ متری کرد و به جای آموزش صحیح نحوه زندگی در فضاها، کوچک، مدام آنان را در نوستالژی حوض کاشی و گل اطلسی نگاه داشت. باید در عین حفظ و گرامیداشت مظاهر مثبت تمدن ملی و معنوی خویش، در شناخت و تغییر جنبه‌های کهنه و نامناسب با زندگی زمان خود کوشا باشیم.

باید با نکات مثبت فرهنگهای جهان به آشتی رسید و از تجربه کشورهای دیگر آنه فقط در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، بلکه در سیاست‌گذاریهای فرهنگی استفاده کرد. فکر نمی‌کنم پیچیدگی فرهنگی و اصرار به حفظ مظاهر آن از یک طرف، و سایه غول صنعت از طرف

با شناخت آنها راه حل مناسب - برای برقراری تعادل بین آن چه که هست و آن چه که باید باشد - ارائه می‌دهد، می‌توانیم از آغاز با تفاهم بیشتری به پیش برویم. ضمن آنکه ضروری است قبل از پرداختن به مسائلی نظیر تهاجم فرهنگی، بیگانه، مشخصه‌های «زمانی» تغییرات فرهنگی دوران خود را، که در هر عصر تاریخی به شکل خاص خود وجود داشته و باعث تکامل و تطور تاریخ اجتماعی اقوام و کشورها گردیده، بشناسیم.

در قرن حاضر و کم کم در قری که پیش رو داریم، بدیهیترین و ابتدایی‌ترین عوامل تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جهان سوم، می‌تواند به شرح زیر خلاصه شود:

- انفجار جمعیت، که یکی از نتایج بارز آن کاهش نظارت و کنترل خانواده و دولت است.

- هجوم مداوم تکنولوژی پیشرفته بدون آمادگی علمی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و فرد برای سازش یا انطباق با آن. این امر نه تنها مدام از اعتماد به نفس افراد چنین کشورهایی می‌کاهد، بلکه نظام ارزشهایش را نیز به زیر سؤال می‌برد.

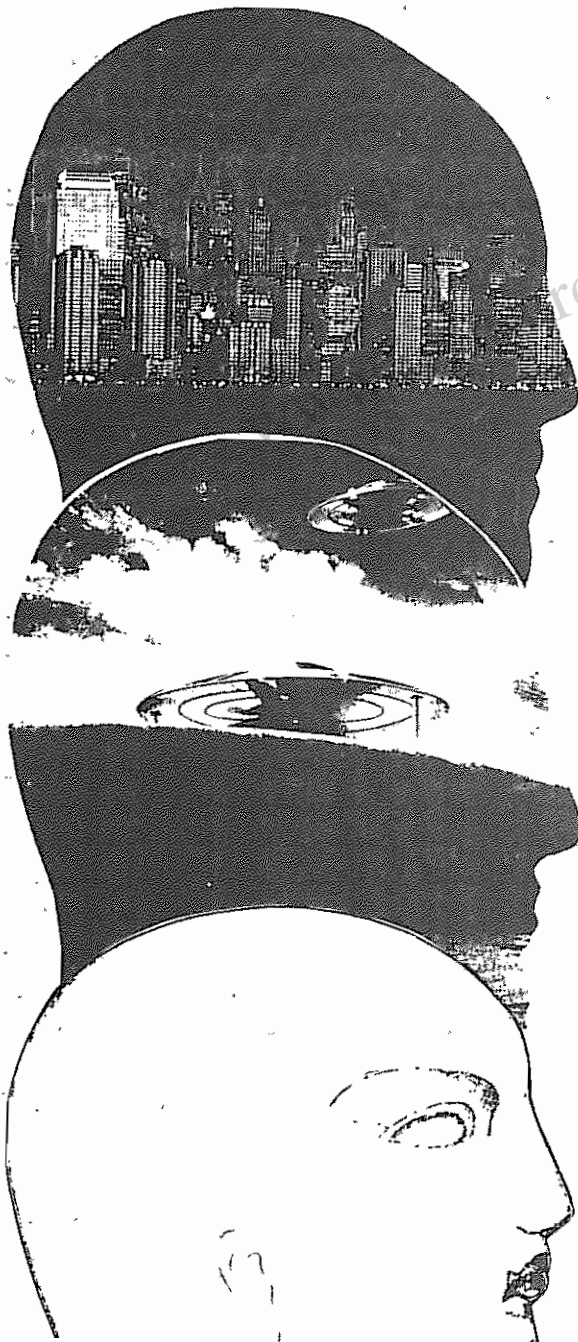
- از بین رفتن طبقات سنتی اجتماع، که در نتیجه همه گروها، به خصوص نوجوانان، خواهان بهره‌مندی از امکاناتی هستند که ذهنیت، ظرفیت و شرایط آن را ندارند.

- گسترش وسایل ارتباط جمعی که انسانها را هر لحظه در معرض برخورد افکار، اعتقادات و نظریات جدید و متفاوت قرار می‌دهند و سعی می‌کنند با وسایل مجهز و جریبه‌های حیرت‌انگیز، انسان را به تقلید

● چرا پس از گذشت سالها، هنوز در مورد برگزاری بسیاری از مراسم ملی مثل چهارشنبه‌سوری شک و تردید وجود دارد؟ چرا شهرداریها خود انجام سالم و باشکوه این مراسم پررنگ و نور را که سرآغاز بیداری طبیعت است به عهده نمی‌گیرند؟

و پیروی از آن چه می‌گویند و یا به معرض تماشا می‌گذارند، دعوت کنند.

اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم چگونه در سالهای اخیر، عوامل فوق، مهمترین نتایج فعالیتهای فرهنگی کشورها را که به وجودآورنده هویت فردی، وابستگی اجتماعی و شرایط تأمین‌کننده سلامت روح و نشاط آدمی در زندگی است، به شکلی مثبت یا منفی، تحت تأثیر قرار داده‌اند. سیاست‌گذاریهای فرهنگی با توجه به این نیروهای حاکم در زمانه ما، باید بسیار زیرکانه طرح شود. وقتی در زیر گوش ما جنگ خلیج فارس با به کارگیری بالاترین امکانات تکنولوژی انجام می‌گیرد و قادر هستیم به کمک ماهواره، ویدئو یا حتی به صورت مستقیم، نظاره‌گر آن باشیم، دیگر نمی‌توان برای حراست از کشور و ایجاد حس وطن‌پرستی از شاهنامه استفاده کرد. شاهنامه تنها یک اثر ادبی است که هویت ما را می‌سازد، نه ابزار فرهنگی که در آستانه قرن بیست و یک، جوان ایرانی را به کار آید. امروزه جهان یکسره در سیطره «سخن نو» است که حلاوت دگر دارد و لزوماً می‌تواند بد و شر هم نباشد.



دیگر، بر سر ما ایرانیان بیش از مردم ژاپن باشد. با همه اینها می‌بینیم چگونه ژاپن قرن بیستم به گونه‌ای نسبی، با تهاجمات دنیای نو به فرهنگ دیرپایش کنار آمده است.

در این عصر که عرصه دخالت خانواده، دولت و حتی نظام آموزش رسمی محدود شده است، تنها با آگاهی دادن مناسب و بی‌غرضانه درباره هر پدیده فرهنگی و به هر وسیله‌ای، می‌توان از سقوط انسانها ممانعت به عمل آورد. باید استعداد انتخاب اصلح را در مردم پرورش داد و به اختیار آنان احترام گذاشت. اگر به بهانه‌های مختلف، راههای سالم ارضای خواسته‌های انسانها را از میان ببریم، آنان از طریق ناسالم وارد می‌شوند. باید قبول کرد که مردم - به خصوص نسل جوان - به شادی و نشاط، رنگ و روشنایی و روابط اجتماعی سالم نیاز دارند.

باید قبول کرد که فرهنگ غرب، اگر چه نکات منفی بسیار در وجودش نهفته است، ولی جنبه‌های مثبتی نیز دارد، که آموزش آن نه تنها برای زندگی اجتماعی، بلکه برای زندگی فردی هم بسیار سودمند است. می‌توان به موارد بسیار ساده مثل بهداشت، آموزش، تربیت بدنی، تا مسائل بسیار پیچیده مانند دانش و تکنولوژی، قانونمندی، و حتی آموزشهای فرهنگی و هنری اشاره نمود.

بدگویی مداوم از پدیده‌های غربی، جوانان را کنجکاوتر می‌کند و

● نمی‌توان در پیروی از سیاست مسکن کشور، مردم را وادار به زندگی در خانه‌های ۷۰ متری کرد و به جای آموزش صحیح نحوه زندگی در فضاهای کوچک مدام آنان را در نوستالژی حوض کاشی و گل اطلسی نگاه داشت.

چون به تحقیق روی می‌آورند با نتیجه‌گیری سطحی از یافته‌های خود، یکسره اعتقاد خویشتن را نسبت به انتقاد کنندگان از دست می‌دهند. اگر امکانات اجازه دهد و به آن طرفها سفری کنند که دیگر هیچ - هرگز مسافری تازه وارد، به خصوص اگر برای مدتی کوتاه به کشورهای غربی سفر کند، راه به مناطق فقیرنشین، فساد و فحشا و یا مراکز خرید مواد مخدر پیدا نمی‌کند، خاصه آنکه خود نیز علاقه‌مند نباشد. اما با اولین قدم که در فرودگاه یا حتی مرزهای خاکی کشورهای غربی می‌گذارد، بسیاری از نشانه‌های رشد و پیشرفت توجهش را جلب خواهد کرد، که به یکباره تمام تبلیغات رسانه‌های داخلی را به باد فنا خواهد داد، ضمن آنکه باور شخص نسبت به دیگر گفته‌های مسئولان نیز زیر سؤال خواهد رفت.

همه بر این قول هستند که در مقابله با تهاجم بیگانه، باید به تقویت فرهنگ ملی (به معنای عام) پرداخت و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی علاوه بر بخش دین و آیینهای مذهبی، به بخشهای دیگر مثل آداب و رسوم، جشنهای ملی، پوششهای محلی و غیره نیز توجه کرد. چرا پس از گذشت سالها، هنوز در مورد برگزاری بسیاری از مراسم ملی مثل چهارشنبه‌سوری (که در جای جای این خاک هر ساله به شکلی برگزار می‌شود) شک و تردید وجود دارد؟ چرا شهرداریها خود انجام باشکوه این مراسم پرننگ و نور را، که سرآغاز بیداری طبیعت است، به عهده نمی‌گیرند و وسایل آتش‌بازی سالم و بی‌خطر را عرضه نمی‌کنند؟ چرا

به زنده کردن جشنهایی که در ادبیات و فرهنگ این جامعه با زیباترین مفاهیم همگام است، بر نمی‌خیزیم. قصد زنده کردن ناسیونالیسم بیمار گونه نیست، ولی در صورتی که هدف آن باشد که در دهکده بزرگ جهانی حل نشویم، باید به جلوه‌های فرهنگ ملی سرزمین خود توجه کنیم.

چرا اینقدر از روابط سالم دختران و پسران در محیطهای اجتماعی قابل نظارت، مثل دانشگاهها هراس داریم، از سخن گفتن آنان با هم، رد و بدل کردن جزوات و مباحثه علمی با یکدیگر به ترس می‌افتیم و با ممانعت از یک رفتار طبیعی اجتماع، که چه بسا تعادل و تکامل برای نسل آینده را به همراه خواهد داشت، آنان را به کارهای پنهانی، اتاقهای در بسته منشاء فساد و حتی کوه و کمر سوق می‌دهیم، جایی که دیگر هیچ نظارتی وجود ندارد. روابط فرزند و والدین را دچار بحران کرده و دروغ و ریا را حاکم بر خانواده می‌کنیم. پدر و مادری که اکثراً خود در این سنین، زندگی متفاوتی با آن چه در جریان است تجربه کرده و طرز تفکری متفاوت دارند، تنها از ترس عواقب اجتماعی - و نه اعتقاد به آن - فرزندشان را از بسیاری کارها برحذر می‌کنند. شبها برای او فیلمهای ویدئویی غربی به نمایش می‌گذارند و روزها هزار شرط و شروط برایش قایل می‌شوند که برای خانواده و خودش ایجاد دردسر نکند و انتظار دارند فرزندشان تمامی این مرزها را به راحتی بشناسد و قبول کند. امروزه جوانان ما فرصت‌طلبی، ریاکاری و دغل بازی را خیلی زود و از سالهای اولیه دبستان یاد می‌گیرند و برایشان عملی کاملاً توجیه‌پذیر است. اگر پای صحبت والدین بچه‌هایی که به کلاس اول دبستان می‌روند بنشینید، برایتان می‌گویند که چگونه بچه‌های به آن کوچکی، در مصاحبه‌هایی که اولیای مدارس به صورت فرمالیته با آنها می‌کنند، زیرکانه و محتاطانه پاسخ می‌دهند!

متأسفانه کارگزاران فرهنگی کشور تاکنون نتوانسته‌اند در زمینه اتخاذ و اعمال سیاستهای فرهنگی و اجتماعی، ضوابطی متناسب با زمان و مکان تعیین کنند. به همین جهت این امر مهم، تابعی از سلیقه اشخاصی که مصدر امور می‌شوند، شده است. شاید ضرورت داشته باشد که تا هنگام اقدام همه‌جانبه معتدلی برای سر و سامان دادن به این امر خطیر، حداقل سعی شود در انتخاب افراد، هماهنگی رفتاری آنان در اداره امور اجتماع رعایت شود. نمی‌توان بدون بروز تعارض اجتماعی، مدتی شخصی ملایم و طرفدار سیاست آموزش مسائل فرهنگی را به کار گماشت و یکباره پست او را به فردی تند و احساساتی و کم تجربه واگذار کرد.

در خاتمه نباید فراموش کرد که مذهب رسمی ایرانیان شیعه اثنی عشری است. این مذهب از طریق علم و روشن‌بینی بیکران بنیان گذارانش، با برقراری اصل اجتهاد - که امروزه می‌تواند به سهولت به ابزار علم و اطلاعات مجهز شود - بالقوه یکی از پیشروترین مذاهب جهان است. متأسفانه این باب که تنها راه رهایی بخش جمهوری اسلامی ایران از مشکلات فرهنگی و اجتماعی است و رهبر فقید انقلاب نیز مکرر روحانیون و حوزه‌های علمیه را به ایجاد ارتباط بین این امر و دگرگونیهای پدیده‌های جهانی متوجه و ترغیب کرده‌اند، در آستانه قرن بیست و یکم در میدان محدودی محصور مانده است. باید شتابان فکری کرد. این وظیفه برعهده تمام کسانی است که نسبت به انسانهای این آب و خاک، خصوصاً جوانان، در جهان مادی و معنوی رسالتی احساس می‌کنند یا مسئولیتی بر دوشان گذاشته شده است.



باکابوسهای زن

من از میان تاریخ گذشتم
با گردباد پریشان و خسته دل
با کوله باری از تحقیر
در سالگرد عروسی
و باز جور پسر
زجر پدر
زورگویی برادر
در کوله پشتم ام
اما بی لرزشی

من از میان تاریخ آن چنان گذشتم
که با نیم‌نگاهی
شاعران را برهنه یافتم
و زنانی که عشق را سروده بودند
در انزوای حجب
با قامتی خمیده
در زیر بار تهمت هر غاصبی
چونان حضور ایستایی
بر بی‌انتهایی
نه چون گلی که ببوی
نه چون بیدی
ریشه‌ای در خاک
ریشه‌ای بر هوا

دکتر روح‌انگیز کراچی



یائسگی مردان

و آنچه زنان باید در این باره بدانند

زنی به من گفت: «بعضی از علایم یائسگی را در خودم می‌بینم اما علایم بیشتری را در شوهرم می‌بینم.» زن دیگری با غرولند می‌گفت: «گمان می‌کنم با یک مرد یائسه ازدواج کرده باشم. ۴۷ ساله است، منزوی، بداخلاق، و عصبانی از اینکه چرا موهایش دارد می‌ریزد.»

آیا مردان هم یائسه می‌شوند؟ بنا بر توضیح اشخاص، این پدیده در سنین ۴۰، ۵۰ و ۶۰ سالگی در زندگی برخی از مردان اتفاق می‌افتد و شواهد آن در اجزای فیزیکی، هورمونی، روانی و اجتماعی زندگی ایشان به چشم می‌خورد. آیا ما به سادگی از پیر شدن حرف می‌زنیم؟ بله، از پیری و نیز نبرد بزرگتری در دوران میانسالی مردان صحبت می‌کنیم. ■■

از نظر جسمی مرد میانسال متوجه کاهش تدریجی در استحکام و قدرت عضلاتش می‌شود. از نظر روانی علایم متداول عبارتند از رخوت، افسردگی، کج خلقی، نوسان در خلقیات و فقدان احساس سلامتی و همچنین ممکن است در توانایی و کاهش امیال جنسی نیز اختلالاتی به وجود آید. اگر مردی با همسرش حسن تفاهم و رابطه مطلوب نداشته باشد، شوکی که در اثر مشاهده این علایم دست می‌دهد، می‌تواند وضعیت روانی او را به شدت وخیم کند و در نتیجه این وحشت، ضعف جنسی به او دست دهد.

بسیاری از مردان با مشاهده این علایم از خود می‌پرسند: آیا این منم؟ اما در این باره با همسر یا دوستانشان صحبت نمی‌کنند. وقتی از مردی درباره شرایطش سؤال کردم، به من اخطار کرد که وارد حریم خصوصی او نشوم.

● مردانی که مداوماً خود را در لذایذ جنسی غرق می‌کنند، برای رسیدن به سنین ۶۰ سالگی باید از معبر متزلزلتری بگذرند.

اگر یائسگی زنان را گذرگاهی خاموش بدانیم، یائسگی مردان را، با درنظر گرفتن کاهش توانایی جنسی که به همراه دارد، باید گذرگاه ناگفتنی نامید، چرا که مملو از رازپوشی، شرم و انکار است. این گذرگاهی است که در آن، مرد ماهیت مردانه خود را در خطر می‌بیند.

اصطلاح یائسگی وقتی برای مردان مورد استفاده قرار می‌گیرد، بی‌سما به نظر می‌رسد. غدد تناسلی آنها مانند تخمیدان زنان، از کار نمی‌افتد. این واقعه در مورد مردان کندتر و تدریجی‌تر از یائسگی زنان اتفاق می‌افتد و جنبه عمومی هم ندارد، در ضمن ارتباطی هم به بارآوری ندارد. مردان نسبتاً سالم می‌توانند تا سنین کهولت صاحب بچه شوند.

اما پس از ۶۰ می‌صاحب‌ای که در انگلستان و آمریکا با مردانی سالم در رده‌های سنی ۴۰ تا ۷۰ سال و کارشناسانی که در مورد عدم توانایی جنسی مردان مطالعه می‌کردند انجام دادم، می‌توانم گزارش قطعی‌تری ارائه دهم مبنی بر اینکه با تغییرات جنسی در سنین میانسالی، مردان دچار بحرانهای روانی مردانه می‌شوند. در انگلستان گاهی این پدیده را «وقفه ویروسی» و در

بسیاری از زنان تصور می‌کنند گناه ضعف جنسی شوهر میانسالشان به گردن آنهاست و می‌پندارند اگر جوان و بارور بودند، شوهرشان هم در اوج توانایی باقی می‌ماند. عکس قضیه هم صادق است. مردانی که دچار ترس از ضعف جنسی بودند هنگامی که در مقابل همسران جوان و بارور قرار گرفتند، به کلی ناتوان شدند.

مردان متأهلی که مشکل خود را با پزشک در میان می‌گذارند، معمولاً تشویق می‌شوند که همسرشان را هم به همراه بیاورند. گاهی شکست دیوار سیکوت و شرم در مطب دکتر، و اطمینان از عادی بودن مسئله، می‌تواند مرد را قادر به برقراری رابطه با همسر مشوش خود کند. دکتر «ریچارد اسپارک» می‌گوید: «بیمار وقتی می‌فهمد که این مسئله فقط یک مشکل جسمانی است و ربطی به عدم کارایی او به عنوان یک مرد ندارد، از هیجان به لرزه می‌افتد.»

◀ افزایش خطر

چه چیز موجب از بین رفتن توان جنسی می‌شود؟ به نظر «دکتر ایروینگ گلداشتاين»، که در تحلیل گزارش ناتوانی از بخش

مصرف دارو به واسطه فشار خون بالا، می‌تواند ناتوانی را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. مردانی که پزشک معالجشان درباره داروی بیماری فشار خون به آنها تذکر نداده‌اند، موسسه کینسی را نامه‌پاران کرده‌اند. «جون ری نیش»، مدیر اسبق موسسه کینسی معتقد است: «پاسخ بدن به این داروها بسیار شخصی و فردی است. یک مرد ممکن است ناچار شود پنج داروی متفاوت را آزمایش کند تا دارویی را که توانش را تحلیل نمی‌برد پیدا کند.»

الکل هم برای مرد میانسال، خصم محسوب می‌شود. مصرف مزمن الکل دقیقاً قوای جنسی را نابود می‌کند. دکتر «مالکولم کروترز»، محقق مرکز بهداشت هورمونی در لندن معتقد است: «دایم‌ال‌خیرهای امروز، مردان ناتوان فردا هستند.» دکتر «تام لو»، پروفیسور اورولوژیست، در تایید این نظریه می‌گوید: «در بررسی بافتهای مربوط به بیمارانی که الکلیهای مزمن هستند، در می‌یابیم که اعصاب داخل بیضه‌ها به کلی از بین رفته‌اند و احیای آنها تقریباً غیرممکن است.»

● در میانسالی، در میزان هورمون مردانه عده معدودی از مردها افت چشمگیر دیده می‌شود. آنها علائم زیادی مشابه با علائم یائسگی زنان از خود نشان می‌دهند، از گر گرفتگی تا تمایلات کاهش یافته.

امریکا «وقفه جنسی» می‌نامیدند. دوستی قدیمی می‌گفت که اولین بار در سن ۵۰ سالگی این تغییرات را احساس کرده است: «این تغییرات شروع می‌شود و شکی در این باره نیست. در ۴۵ سالگی بر قلّه دنیا نشسته بودم اما در ۶۵ سالگی، موتور را روشن می‌کنم، ولی صدای غرش آن را نمی‌شنوم.»

این آشفتگی، که معلول تغییرات تدریجی در روابط جنسی است، از نظر روانی می‌تواند زهرآگین باشد. وقتی کاهش توانایی جنسی شروع شد، رفتارهای اضطراب آلودی را ایجاد می‌کند که می‌تواند موجب مشکلات جدی شود. از آن پس، به قول دکتر «ویلیام مسترز»، سکسولوژیست مشهور، همواره یک ناظر درونی، روابط آن مرد را با زنش زیرنظر خواهد داشت. ندای این داور درونی - یا به گفته «فیتزجرالد» - این امتیاز نگهدار، می‌تواند مرد را به ناتوانی بکشاند.

مطالعات دانشگاه ماساچوست همکاری داشت، در ۸۰ درصد از مردانی که دچار ناتوانی هستند، عامل عضوی دخیل است. متداولترین علت نارسایی در خون‌رسانی به بیضه‌ها، ناهنجاری در مجاری تناسلی است. دکتر «گلداشتاين» نقل می‌کند: «هر چیز که لوله‌ها را سد کند، می‌انند بیماری دیابت (مرض قند)، فشار خون بالا، مصرف سیگار و کلسترول بالا، می‌تواند موجب از دست دادن توانایی در مرد شود.»

تحقیقات دانشگاه ماساچوست موجب ارائه نظریه «اهمیت جریان خون در میزان ناتوانی جنسی شد.» یکی از گردانندگان تحقیق می‌گوید: «نزدیک به دو سوم کسانی که علائم بیماریهای قلبی را نشان می‌دهند، حتی در سن ۴۰ سالگی، دچار ناتوانی جنسی حتی به میزان کم هستند.» تجویز دارو، خصم دیگری است. مثلاً

دکتر «اسپارک» معتقد است: «مصرف سیگار بسیار مخرب است و احتمالاً یکی از علل اساسی ناتوانی جنسی در مردان است که به مویرگهای داخل بیضه‌ها آسیب می‌رساند و لذا آنها دیگر نمی‌توانند برای جریان خون شدیدتر در زمان لازم، مؤثر شوند.» رژیم غذایی هم مؤثر است. تحقیقات دانشگاه ماساچوست برای اولین بار نشان داد که میزان کلسترول خون ارتباط مستقیم با توانایی جنسی دارد. افزایش کلسترول در خون مساوی است با کاهش نیروی جنسی.

◀ عامل هورمونی

هورمون شناسان پیشرو در این علم معتقدند که بسیاری و شاید اغلب مردانی که با به سن می‌گذارند، از مقدار ترشح تستوسترون در بدنشان کاسته می‌شود. دکتر «پنسی سیتی»، کارشناس مکانیسمهای هورمونی،

● بسیاری از زنان تصور می‌کنند گناه ضعف جنسی شوهر میانسالشان به گردن آنهاست و می‌پندارند اگر جوان و بارور بودند، شوهرشان هم در اوج توانایی باقی می‌ماند.

روان‌شناسی، «اعتماد به مقوله‌ای محوری مبدل می‌شود.»

به گفته دکتر «لو» اگر مردی در روابط جنسی خود با همسرش احساس امنیت روانی نکند، همچنان که پا به سن می‌گذارد توانایی جنسی خود را از دست می‌دهد. یکی از بیماران دکتر «لو» در طول ۱۰ سال زناشویی هیچ مشکلی نداشت. هنگامی که از همسرش جدا شد، با زن دیگری ازدواج کرد که دائماً به شکل ناراحت‌کننده‌ای او را با مردان جوان مقایسه می‌کرد. از آن پس او دچار ناتوانی جنسی شد. «آرتور کواک»، روان‌شناسی که مدت ۳۵ سال در این زمینه مطالعه و تجربه داشته است اضافه می‌کند: «تا وقتی که ما از جانب همسرمان احساس تحسین و امنیت نکنیم، قادر به انجام روابط جنسی کامل نخواهیم بود.»

دکتر «کاپلان» دریافته است که تغییر در نحوه برقراری روابط جنسی، به همراه ایجاد رابطه نزدیکتر و صمیمانه‌تر با همسر می‌تواند برخی از تأثیرات ناتوانی جنسی در اثر بالا رفتن سن را جبران کند.

دکتر «جون رینیش» می‌گوید: «در واقع اگر مردی از اعتماد به نفس و پشتیبانی و همراهی همسرش برخوردار باشد، احساس می‌کند که امیال جنسیش افزایش یافته است،

محدوده طبیعی ارتقا دهد، می‌توان قدرت عضلانی و سلامت عمومی بعضی از مردان را بهبود بخشید. دکتر «کروترز» از مرکز مراقبت‌های بهداشتی و هورمونی، از پیشگامان جایگزین درمان هورمونی است که در طول چند سال گذشته برای بیش از ۴۰۰ مرد، هورمون تستوسترون تجویز کرده است.

معمولاً یک دوره قرص به بیمار می‌دهند و پس از آن جبهایی را جایگزین می‌کنند که در طول یک دوره شش ماهه، هورمون تستوسترون در خون بیمار می‌ریزد. وقتی تأثیر این حبها از بین رفت، یک سری دیگر جایگزین می‌کنند. دکتر کروترز می‌گوید: «میزان موفقیت در تجویز این هورمون بسیار بالا بوده است.»

اغلب پزشکان از انجام دادن چنین شیوه بحث‌انگیزی احتراز می‌کنند. دکتر «لو» خاطر نشان می‌کند: «من نگران مردانی هستم که هورمون تستوسترون مصرف می‌کنند. ممکن است پس از مدتی بیضه‌هاشان ضعیف شود و شمارش گلبولهای قرمز خونشان بالا رود، که خطرناک است. هورمون درمانی می‌تواند رشد سرطان غده پروستات را هم تسریع کند و زمانی که بیمار مصرف این هورمون را قطع کند، ممکن است دچار افسردگی شود.» اما وی همچنین اذعان دارد

می‌گوید: «نیروی اغلب مردان در سنین میان ۵۰ تا ۶۰ سالگی تحلیل می‌رود.» تستوسترون که موجب تحریکات جنسی و همچنین رشد استخوانها و عضلات می‌شود، غالباً بر روی احساس سلامتی مرد تأثیر می‌گذارد و تمایلات جنسی او را بیدار می‌کند. هر چند مقدار تستوسترون ترشح شده در مردان مستتر ممکن است در حد طبیعی باشد، به تجربه خود آنها به مرور زمان از میزان تستوسترون دسترس‌پذیر کاسته می‌شود. تولید هورمون تستوسترون کاهش می‌یابد و تولید نوعی پروتئین به نام گلوبولین محدودکننده هورمون جنسی افزایش می‌یابد. تستوسترون با این پروتئین ترکیب و دسترس‌پذیری آن برای بافتها کم می‌شود. یک کارشناس هورمونهای تناسلی می‌گوید: «هنگامی که مردان پا به سن می‌گذارند سطح متوسط تستوسترون در بدن آنها ۵۰ درصد کاهش می‌یابد، اما مقدار واقعی در دسترس بافتها، به میزان دو سوم کاسته می‌شود.»

دکتر «هلن سینگر کپلن»، روان‌شناس و پژوهشگر مسائل جنسی که در سال ۱۹۷۹ برای اولین بار سندروم کم میلی جنسی را تعیین کرد، می‌گوید: «در میانسالی، در مقدار هورمون مردانه غده معدودی از مردها افت چشمگیر دیده می‌شود. در این نمونه‌ها، مردان

● روان‌شناسان متخصص امور روانی مردان معتقدند که روابط زناشویی پس از چهل سالگی، در زندگی مرد مسئله درون شخصیتی بسیار نیرومندی است.

منتها این بار او، امیالش را در اختیار می‌گیرد، نه امیال او را.»

مردانی که مداوماً خود را در لذایذ جنسی غرق می‌کنند، برای رسیدن به سنین ۶۰ سالگی باید از معبر متزلزلتری بگذرند. اما مردی که نقشهای سازنده دیگری نیز به عهده داشته باشد، در جامعه یک پدر و در خانه یک پدر بزرگ باشد و مایل به جستجوی همیاریهای معنوی عمیقتر و شور و شوق محبت‌آمیزتری باشد، سهلتر از این معبر گذر خواهد کرد. در نظر گرفتن این مسئله اهمیت دارد که غده زیادی مردان خوش‌بینیه با شقیقه‌های خاکستری وجود دارند که از این معبر می‌گذرند بی‌آنکه به اعتماد به نفس یا توان جنسیشان خدشهای وارد شود.

که تستوسترون عامل فعال‌کننده هم هست. دکتر «کروترز» معتقد است هر نوع ضعف بیضه‌ها جزئی و قابل جبران است و بیماران همیشه قبل و در مدت درمان در مقابل سرطان غده پروستات محافظت می‌شوند.

پزشکانی که روشهای متداولتر را قبول دارند معتقدند که به اعتراض همسران این مردان نباید بیش از حد بها داد، در واقع هر چه مرد مستتر شود، صمیمیت و اعتماد میان او و همسرش نقش خطیرتری می‌یابد. هنگامی که گروهی از روان‌شناسان متخصص در امور روانی مردان را گرد هم جمع کردم، همگی بر این عقیده بودند که روابط جنسی پس از چهل سالگی، در زندگی مرد مسئله درون شخصیتی بسیار نیرومندی است. بنابر مشاهدات «استوارت فیشاف»، پروفیسور

علامت زیادی مشابه با علامت یائسگی زنان از خود نشان می‌دهند، از گر گرفتگی تا تمایلات کاهش یافته جنسی.»

آیا یک مرد می‌تواند دوباره توان جنسی خود را به دست آورد؟ کاملاً محتمل است. دایمی بودن ناتوانی جنسی الزامی نیست. اگر مردی در داروهای مصرفی خود به درستی تغییر دهد، سیگار را ترک کند، رژیم غذایی خود را بهبود بخشد و به میزان کافی تمرینات سریع ورزشی انجام دهد که سیستم مجراهای تناسلیش بهبود یابد، ممکن است توان جنسی خود را باز یابد. در غیر این صورت باید خود را به دست متخصص سپارد.

◀ درمان جدید

بنابر یافته‌های جدید، با استفاده از برخی مکملها که سطح تستوسترون را به بالاتر از

کونا، درباره کتابهای تازه

راز کوچک و داستانهای دیگر

فرخنده آقای

تهران

انتشارات معین

۱۳۷۲

ص ۱۲۹

چ ۱

ت ۳۰۰۰

۱۱۰ تومان

این کتاب مجموعه نُه داستان کوتاه است که راز کوچک بلندترین آنها به شمار می آید. بیشتر داستانها سبکی واقع گرایانه دارند. راز کوچک خود شاخصترین نوع این شیوه است. اساساً دو داستان چو ساکت بماتم و راز کوچک نوید حضور نویسنده ای دقیق را می دهد که ظاهراً سراپا گوش است و به خوبی روابط ساده و پیش پا افتاده ای را که در اطرافش جریان دارد ضبط می کند. این شیوه نگارش گرچه تازگی ندارد اما به خاطر انتخاب موقعیت مکانی و زمانی پر تنوع خود چشمگیر می نماید. در مجموع، داستانها نوعی تحرک در سکون را باز نمایی می کنند.

داستان چو ساکت بماتم ضربی تند دارد، به همان تندی حرف زدن «آقای ریاحی» که بازتاب جنون و پریشانی فرزند از دست دادگان این سالهاست. در راز کوچک، چهارمناپذیری بیماری زن و ناامیدی نهایی معلول جنگی، زمینه همبستگی دو ناآشنا را فراهم می آورد که در فاجعه مرگی زودرس شریکند. داستان ناله ها، از جمله داستانهایی است که همه شخصیتهای آن به روابط زناشویی یا نگاهی انتقادی و تلخ می نگرند. اما داستان از سوی دیگر نشانگر فقدان همبستگی و روابط گرم بین زنان غربیه نیز شمرده می شود.

دو داستان نستون در باد، نستون در بادان، نستون در خاک و صدای دریا با پرداختی فراواقعگرایانه نگاشته شده اند. اما هر دو به سبک نویسنده، در بازگویی جزئیات وفادارند. از مجموع داستانها چنین برمی آید که نویسنده گرچه از ملال آور بودن پیرامون خود غافل نیست اما توان آن

را دارد که با گشودن کلاف جزئیات، هر موضوع را سر بیندازد و پیش برود.

خانواده میکایل و اعقاب

مهین دانشور

تهران

نشر مرکز

۱۳۷۲

ص ۴۱۵

چ ۱

ت ۳۰۰۰

۴۲۰ تومان

بعد از رودخانه ما، خانواده میکایل و اعقاب دومین کار خانم مهین دانشور است. داستان این کتاب در بستر تحولاتی پیش بینی نشده از نظمی سنتی و مألوف به نظامی نو و ناشناخته پیش می رود، همراه با تصویری از زندگی در روستایی که دائماً دستخوش تغییرات جوی است. نقش قهرمانان داستان نیز در همین اثنا شکل می گیرد.

هر از گاهی طبیعت روی خوش می نماید تا محصولی به انبارها راه پیدا کند، ته شکمهای خالی را چیزی پر کند و دهانهای خشک، بامزه میوه های کال و رسیده خنک شود. ولی بیشترین روزهای سال، روزهای گرمای خشک و سوزان، باران، طوفان، سیل و سرمای جانسوز است که پیامدهایی از قبیل فقر، گرسنگی، بیماری و درماندگی روستائینان را به همراه دارد.

نیازهای مادی روستائینان که معلول ستم طبیعت است، موجب می شود که موجودی تحقیر شده، به آدمی فرصت طلب تبدیل شده و با بیرون کشیدن همه اندوخته روستائیان در ازای قوت اندک روزانه و تبدیل آنها به پول و سکه، ثروتی به هم بزند تا به اتکای همین ثروت به خوشبختی خانواده میکایل درآید، و هم اوست که در پایان داستان به زعم خودش، مهمترین عضو بازمانده خانواده میکایل به شمار می آید.

در این رمان در قیاس با سایر شخصیتها، زنان عموماً کم رنگترند. سرنوشت آنان بازتاب روابط سلطه جو زور آور مردان بر زنان است. تنها نمونه غیرانفعالی را می توان در همراهی دو هور، یعنی «عروس و

بیوه» یافت که با یکدیگر همدست شده اند تا شوهر مشترک را از خانه بیرون کنند. ناگفته نماند که حدود یازده صفحه واژه نامه پایان کتاب به خواننده کمک می کند که زبان نویسنده و گویش روستائینان منطقه ساوجبلاغ را بیشتر درک کند.

روستای سوخته

شیرین بنی صدر

تهران

نویسنده

۱۳۷۲

ص ۴۹۲

چ ۱

ت ۲۲۰۰

۵۰۰ تومان

رمان روستای سوخته، چنان که از نام آن برمی آید، داستان روستاییانی است که به گفته نویسنده در میان «گندمزارهای طلایی و کوه سرخ افسانه ای ده پیاله» در نزدیکی شیراز در آرامش و صفا کنار یکدیگر زندگی می کردند. نویسنده به بزرگداشت خاطر چنان «سعادت آبادی» که «مالکی در آن نبود و همه به هم یاری می کردند»، به نوشتن این کتاب دست زده است. خانم بنی صدر از همان ابتدا، احساس خوشبختی خود را به داستان نیز تسری می دهد و چهره های خیال انگیز از روستائیان می پردازد: کسانی که بدون ورود بیگانه ها می توانستند قرنهای مانند شخصیتهای افسانه های شاه پریان کنار هم به سر ببرند.

آنچه از نخستین فصلهای کتاب جلوه می کند، وجود شخصیتهای زن داستان است. از جمله این زنان «بی بی صنم» است که نقشی کلیدی در داستان دارد. او هم پاکدل است و هم حکیم. در عین پاکدلی به مردم روستایش راه و چاه را نشان می دهد و از هر چیزی به ویژه اسرار گیاهان طبیعی سر در می آورد. زندگیش نمونه وار است. اگر او مظهر توأمان دانایی و خوش طینتی است، در عوض «ربابه» سرنوشتی غمبار دارد. بابت فرزند نامشروعی که به دنیا آورده است، چنان طرد می شود که سرانجام در ابدار می میرد، اما بر زندگی تک و توکی از مردمان ده تأثیر می گذارد.

در ضمن، مصاحبه م. آزاد با نویسنده، ضمیمه کتاب حاضر است. نقاشی روی جلد کتاب را خورد نویسنده، که دستی در نقاشی دارد کشیده است. دو معرفی کوتاه از رمان، به دو زبان فرانسه و انگلیسی نیز در پایان کتاب چاپ شده است.

هنر و سرگرمی

- دنیای هنر قلاب بافی / فریده جهانگیری، تهران، انتشارات بین المللی حافظ، ۱۳۷۲، ج ۹ (۹۶ ص)، چ ۱، ت ۱۰۰۰۰، ۲۵۰ تومان.

- قلاب بافی نوین / تهیه و تنظیم کبری سلمی، تهران، علمی و ورزش، ۱۳۷۲، ج ۹۲، ص ۵، ت ۶۰۰۰، ۱۷۰ تومان.

- سبزینه کنب بافی / سیما خلیلیان، تهران، مجرد، ۱۳۷۲، ج ۸۴، ص ۸، ت ۱۰۰۰۰، ۲۵۰ تومان.

علوم اجتماعی

- بچه های طلاق / تابیر، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، مترجم، ۱۳۷۲، ج ۲۶۴، ص ۱۲، ت ۵۰۰۰، ۲۲۵ تومان.

- ریشه های طلاق و درسهای خوشبختی / مسعود صفایی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۲، ج ۱۵۶، ص ۳، ت ۳۰۰۰، ۱۵۰ تومان.

- مدیریت مراکز پیش دبستانی / ترجمه و تألیف: فرخنده مفیدی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۲۰۸، ص ۱، ت ۳۰۰۰، ۲۰۰ تومان.

ادبیات فارسی

- بزم دیرینه عروس (شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی) / معصومه معدن کهن، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ج ۵۸۰، ص ۱، ت ۴۰۰۰، ۴۹۰ تومان.

- حدیث تنهایی / سعیده حسینیان، تهران، مؤلف، ۱۳۷۲، ج ۱۹۲، ص ۲، ت ۵۰۰۰، ۶۵ تومان.

معرفی کتاب



ژان پل سارتر می‌گفت: «هر دورانی را شعری است. در هر دوران، اوضاع و احوال تاریخی با آفریدن موقعیتهایی که فقط با شعر ممکن است بیان شوند یا پشت‌سر گذاشته شوند، ملتی را، نژادی را، طبقه‌ای را برای به‌چنگ آوردن مشعل برمی‌گزینند و از سوی دیگر گاهی جوشش شعری با جوشش انقلاب اجتماعی با هم منطبق می‌شوند و گاهی به دو راه مختلف می‌روند.»^۱

فروغ فرخزاد مصداق جمله معروف عوام «شاعر واقعی کسی است که با زبان مردم آشنا باشد» است. زبان فروغ آمیزه‌ای است از زبان ادبی و زبان مردم. خودش صادقانه می‌گوید: «من پناه بردن به اتاق در بسته و نگاه کردن به درون را در چنین شرایطی قبول ندارم. من می‌گویم دنیای مجرد آدم باید نتیجه گشتن و تماشا کردن و تماس همیشگی با دنیای خارجی باشد. آدم باید نگاه کند تا ببیند و بتواند انتخاب کند... به هر حال شعر از زندگی به وجود می‌آید، هر چه زیبا باشد و هر چیزی که می‌تواند رشد کند، نتیجه زندگی است. نباید فرار کرد و نفی کرد. باید رفت و تجربه کرد، حتی زشت‌ترین و دردناک‌ترین لحظه‌هایش را...»^۲

و چنین است که سه دفتر نخست او یعنی «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» ناشی از پیوند رویاهای درونی او با مرزهای خارجی است. در این سه مجموعه، شعرهای او بیشتر آمیزه‌های خام نوجوانی و اوهام زنانگی دوران جوانی او است.

آنچه فروغ فرخزاد را از دیگر شاعره‌های عصر خود متمایز می‌کند، یکی صداقت شعری اوست و دیگر انعطاف اوزان، کشیدگی سیلابها (هجاءها) و آهنگین بودن کلام او که نشانه کمال شعر اوست.

۵۵ فروغ فرخزاد ۱۵ دی ماه ۱۳۱۳ در تهران متولد شد.

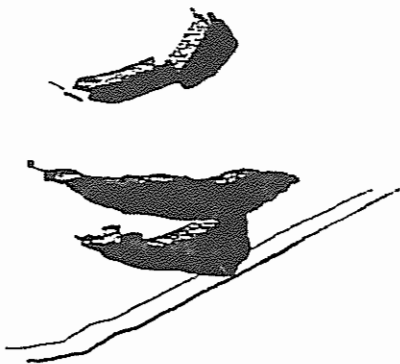
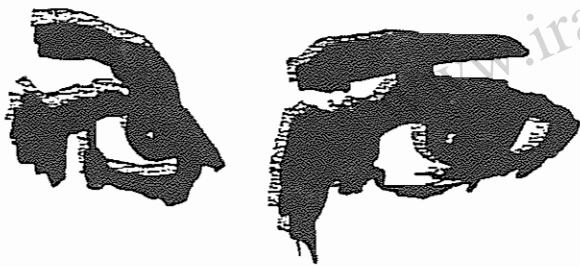
پس از اتمام دبستان به دبیرستان «خسرو خاور» پای گذاشت و در همان جا بود که نخستین اشعارش را سرود. در سن ۱۶ سالگی هنگامی که در کلاس هفتم دبیرستان بود با «پرویز شاپور» که ۱۵ سال از او بزرگتر بود، ازدواج کرد. پس از اتمام کلاس سوم دبیرستان و پایان گرفتن دوره اول متوسطه، به هنرستان «بانوان» رفت و در آنجا به فراگیری خیاطی و نقاشی مشغول شد و مدتی نیز در کلاسهای نقاشی استاد «علی اصغر پتگر» شیوه‌های نقاشی را فرا گرفت.

در سال ۱۳۳۱ در حالی که بیش از ۱۷ سال نداشت، نخستین مجموعه اشعار خود را با عنوان «اسیر» منتشر کرد. آنگاه در سال ۱۳۳۶ مجموعه اشعار «دیوار» و در سال ۱۳۳۸ «عصیان» را انتشار داد. کتاب «تولد دیگر» را در سال ۱۳۴۳ منتشر کرد که با انتشار این مجموعه خود او نیز تولدی دیگر در شعر امروز یافت. در سال ۱۳۴۴ از شوهرش جدا شد و با تنها فرزند خود «کامیار» به خانه پدری برگشت.

سرانجام در ساعت سه و نیم بعدازظهر روز دوشنبه بیست و چهارم بهمن ۱۳۴۵، هنگامی که با ماشین فولکس استیشن آبی رنگ - که خود راننده آن بود - به محل کارش، استودیو گلستان، می‌رفت با اتومبیل دبستان «شهریار» تصادف کرد و در دم جان سپرد.

پیکر او را در ظهر چهارشنبه، ۲۶ بهمن ۱۳۴۵ به خاک سپردند و بسیاری از شاعران و هنرمندان در مراسم تدفین او شرکت کردند.

کتاب «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» پس از مرگ وی، به همت خانواده‌اش منتشر شد. 



و این منم
زنی تنها
در آستانه فصلی سرد
در ابتدای درک هستی آلوده زمین



۹۹ من از زمانی

که قلب خود را گم کرده است می ترسم
من از تصور بیهودگی این همه دست
و از تجسم بیگانگی این همه صورت می ترسم!

اگر ما در شیوه‌های نقد ادبی خود تجدید نظری داشتیم و با توجه به این نکته که سالهاست در غرب، جامعه‌شناسی ادبیات رواج یافته و جزء لاینفک تحقیقات ادبی و جامعه‌شناسی به شمار می‌آید، به شناخت و تحلیل سیمای جامعه در آثار ادبی خود می‌پرداختیم، ای بسا حقایق نایافته و ناگفته که از لابلای کلمات و تصاویر و معانی، از پس غبار ابهام به در می‌افتاد و خواننده این آثار را با حقایق دیگر، اما ضروری و گزیرناپذیر، آشنا می‌ساخت. فروغ فرخزاد از جمله شاعرانی است که غالب آثار او با مفاهیم اجتماعی و گه‌گاه با نوع خاصی از طنز درآمیخته است و جای آن دارد که این آثار با نگرشی انتقادی - اجتماعی بررسی شود. از آنجا که جامعه‌شناسی آثار او در این مقال نمی‌گنجد، به یکی از عمده‌ترین مفاهیم اجتماعی در شعر او، یعنی ابتدال می‌پردازیم، چیزی که در کمتر شعری است که فروغ از آن اظهار ترس و دل‌تنگی نکند و تبری نجوید و آن را به باد ملامت و استهزا نگیرد و یا با آن نستیزد. ❏

روشن است که ویژگی‌های آثار هر هنرمند هنگامی می‌تواند به درستی بررسی شود که او به نقطه اوج هنر خود رسیده یا بدان نزدیک شده باشد، و پیداست که ما در اینجا از «فروغی» سخن می‌گوییم که سبک و زبان و در حقیقت «راه خود» را یافته بود. هر چند، آنچه پیش از تولدی دیگر سروده بود، خود آغاز دوران تجربه‌های فردی و اجتماعی، شناخت اندک اندک آدمیان و محیط پیرامون خود، و در واقع عصیان خام علیه ارزشهای بی‌ارزش و قراردادهای مزورانه اجتماعی بود. از همان نخستین کتاب او، «اسیر»، کم‌کم شکوه‌های اجتماعی او آغاز می‌شود تا در تولدی دیگر، و به ویژه ایمان بی‌اوریم به آغاز فصل سرد، با احساس دردی عمیق‌تر به شکل پخته و شاعرانه‌تری مطرح می‌گردد.

او کسی بود که از یک پنجره، صادقانه بیرون را می‌نگریست:

«درختان خیس و عابران سنگین و سرگردان»، «کوچه‌های خاکی معصومیت»، «زنده بادها و مرده بادها» و... و در پناه پنجره‌اش با آفتاب رابطه داشت». او، همچون هر انسان آگاه دیگر، نخست فارغ از جنسیت خویش - «می‌نگریست» و سپس «زن» بود، و اگر شعر او رنگ غلیظ زنانگی دارد - که خود امتیاز او در بین دیگر شاعران زن به شمار می‌آید - به دلیل آن است که او، این شاعر، زن بودن خود را با تمام احساسات، عواطف، لطایف و ظرایف آن و هر آن چیز دیگری که به طبیعت او مربوط می‌شود پذیرفته و از رنجها و دردها و تبعیضها و تحقیرها و وظایف و مسئولیتهای اجتماعی زن به خوبی آگاه بود. او خود در مصاحبه‌ای گفته است: «اگر شعر من یک مقدار حالت زنانه دارد، خوب این خیلی طبیعی است که به علت زن بودن من است. من خوشبختانه یک زنم. اما اگر پای سنجش ارزشهای هنری پیش بیاید، فکر می‌کنم دیگر جنسیت نمی‌تواند مطرح باشد؛ اصلاً مطرح کردن این قضیه صحیح نیست... اصل کار آدم است. زن و مرد مطرح نیست.» و با این همه، از آنجا که در جامعه او، زن به گونه‌ای مضاعف از حقوق انسانی خود محروم است، بانگ هستی دردآلود هزاران هزار ساله او نیز می‌شود. فروغ به عنوان انسان آگاه، با هشجاری و جسارت، پیوسته با جامعه خود در تماس است: گاه از استودیوهای

فروغ درهای محدودیت شعر را باز کرد و خود بر ایوان آن نشست. خودش می‌گوید: «من راجع به شعر هیچوقت محدود فکر نمی‌کنم. من می‌گویم شعر در هر چیزی هست فقط باید پیدایش کرد و حسش کرد. به این همه دیوان که داریم نگاه کنید، ببینید موضوع شعرهایشان چقدر محدود بوده است... حالا دنیای ما دنیای دیگری است، ما داریم به ماه می‌رویم.»^۱

نیما در جایی چنین نوشته بود: «شاعر امروز باید مواظب باشد که موضوع حاصل شعر او حاکی از واقعیت‌های خارجی باشد نه درونی.»^۲

و هر چند خیلی بیشتر از اینها در «قابوس نامه» آمده بود: «شعر باید از بهر مردمان گویند، نه از بهر دل خویش.»^۳ اما شاید فقط در میان انبوه شاعران تنها فروغ بود که سعی داشت حداقل با خود صادق باشد.

اوج گیری گرفتن و قدرت کلام فروغ در «تولدی دیگر» نمایان می‌شود. او در این مجموعه به پختگی و کمال می‌رسد. شعر او در این دفتر دارای تعهد اجتماعی می‌شود و به دور از دنیای سه دفتر پیشین قدم برمی‌دارد. در «فتح باغ» می‌نویسد:

همه می‌ترسند

همه می‌ترسند، اما من و تو

به چراغ و آب و آینه پیوستیم

و ترسیدیم

و باز در شعر «ای مرز پر گهر»:

دیگر خیالم از همه سو راحتست

آغوش مهربان مام وطن

پستانک سوابق پرافتخار تاریخی

لالایی تمدن و فرهنگ

و جق و جق جق جقه قانون...

و سرانجام چه خوش گفته بود:

«شاعر بودن یعنی انسان بودن. بعضی‌ها را می‌شناسم که رفتار روزانه‌شان هیچ ربطی به شعرشان ندارد. یعنی فقط وقتی شعر می‌گویند شاعر هستند. بعد تمام می‌شوند. دو مرتبه می‌شوند یک آدم حریص شکموی ظالم و تنگ فکر، بدبخت، حسود و حقیر. خوب من حرفهای این آدمها را هم قبول ندارم. من به زندگی بیشتر اهمیت می‌دهم...»^۴

یادداشتها:

- ۱- سارتر. ژان پل: اورفه سیاه، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات نیل، ۱۳۵۱، صفحه ۷۹
- ۲- برگزیده اشعار فروغ فرخزاد، انتشارات جیبی، ۱۳۵۲، صفحه ۱۱
- ۳- همانجا، صفحه ۱۲
- ۴- یوشیج. نیما: تعریف و تبصره و یادداشت‌های دیگر، امیرکبیر، ۱۳۴۸، صفحه ۲۳
- ۵- وشمگیر. قابوس بن: قابوس نامه، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، صفحه ۱۸۹
- ۶- قسمتی از «دو گفت و شنود با فروغ فرخزاد»، نقل از مجله آرش، شماره اول، دوره دوم.

فیلمبرداری سردر می‌آورد، گاه از محله کشتارگاه و میدان توپخانه و گاه از جدامخانه، که به او کمک می‌کند تا درک درست و دقیقی از زمان و جامعه خود داشته باشد. مردم خود را با شکستها و پیروزیها، رنجها و شادبها، فقر و گرسنگی و بیماری و... آرزوها و حسرتها و مهرها و کینه‌هایشان به خوبی بشناسد، همه را با حسی دقیقتر و با حساسیتی بیشتر در کنار آنها و با آنها تجربه کند. او در پی این نیست که نان به نرخ روز بخورد، بلکه نومیدانه امیدوار است که روزی که «نان و پیسی و روز اسم‌نویسی و نمرة مریضخانه و چکمه‌های لاستیکی و... را بین همه قسمت می‌کنند»، او نیز در کنار آنها سهم خویش برگیرد.

فروغ پیوسته و تقریباً در غالب اشعار دو کتاب آخر. خود تولدی دیگر و ایمان یاورم... همچنانکه جزیی‌ترین تجارب خود را به شعر تبدیل می‌کند،^{۱۱} ابتدال جامعه و انحطاط فکری آن را، به عنوان یکی از اساسیترین رئوس شعر خود، با زبانی ساده و اندوهبار بیان می‌دارد. از «کلاغهای منفرد انزوا در باغهای پیرکسالت»^{۱۲} و «ستاره‌های مقوایی که در آسمان دروغ وزیدن می‌گیرد» و «شبی که چشمهای گرگهای بیابان را به حفره‌های استخوانی ایمان و اعتماد بدل می‌کند»^{۱۳}، «از جهان بی تفاوتی فکرها و صداها»^{۱۴} و «مردمی که همچنانکه تو را می‌بوسند در ذهن خود طناب دار تو را می‌بافند»^{۱۵} رنج می‌برد و از مردگان هزارساله که بر سطح زندگی جنازه‌وار می‌زیند و خود را خوشبخت نیز می‌پندارند و در فساد و بیهودگی غرق‌اند، به تلخی و با تمسخر و اندوه سخن می‌راند:

ستوه آمده است و از زوال عشق و ایمان در او رنج می‌برد. او در تمام لحظه‌های عمر خود که در حقیقت تمام لحظه‌های شاعرانه اوست، به تلخی درد می‌کشد و می‌کوشد تا ابتدال و ناهنجاری را، چنانکه نیما از شعر توقع دارد^{۱۶}، با قوت‌تر از آنچه هست بیان دارد. او که «از تنفس هوای مانده»^{۱۷} ملول می‌شود، خود در این مرداب فرو نمی‌رود، چه می‌داند که نباید توقف کرد و ماند و پوسید و گندید و در مرداب جامعه‌ای بیمار، که همه ارزشهایش بیمار است فرو رفت. «جامعه‌ای که سوسک در آن به سخن در می‌آید»^{۱۸} او از بیهوده ماندن و بیهوده زیستن و همچون «عروسک کوکی» فریاد کاذب «خوشبختی سردادن»^{۱۹} بیزار است، عصیان او علیه این همه ناهنجاری در آیه‌های زمینی^{۲۰} و ای هرزپو گهر^{۲۱} به اوج می‌رسد.

و با این همه، تدبیر شاعر برای این انسان بی هویت، «انسان پوک پر از اعتماد»^{۲۲} چیست؟ او باید و ناپیدی به کار نمی‌برد اما هنگامی که می‌گوید:

مرا به حرکت حقیر کرم در خلاء گوشتی چکار
مرا تیارخونی گلها به زیستن متعهد کرده است...^{۲۳}
یا:

و از میان شکل‌های هندسی محدود
به پهنه‌های حسی وسعت پناه خواهم برد...^{۲۴}

● فروغ باطنزی تلخ و موقر می‌خواهد انسان را از منجلاب ابتدال بیرون بکشد. از ریا و دروغ و بی تفاوتی و تنگ‌نظری او به ستوه آمده است و از زوال عشق و ایمان در او رنج می‌برد.

یا:

چرا توقف کنم؟
من از عناصر چهارگانه اطاعت می‌کنم
و کار تدوین نظامنامه قلبم
کار حکومت محلی کوران نیست...^{۲۵}

به ما می‌آموزد که باید این گونه بود، همان گونه که او خود بود. و گویی تمامی نیروهای طبیعت نیز در زدودن این ابتدال - که خلاف ناموس طبیعت است - با او یگانه‌اند:

نهایت تمامی نیروها پیوستست
پیوستن به اصل روشن خورشید
و ریختن به شعور نور
طبیعی است که آسیابهای بادی می‌پوسند

چرا توقف کنم؟^{۲۶}

او برای نشان دادن و خوار داشتن این ابتدال: «مردابه‌های الکل»^{۲۷}، «انبوه بی تحرک روشنفکران»^{۲۸}، آنانی که مجسمه‌های پریده رنگی بیش نیستند، و کسانی که «همچنان که قلبهایشان در جیبهایشان نگران است، برای سهم عشق قضاوت می‌کنند»^{۲۹}، همه توان انسانی و شاعرانه خود را به کار برد و هرگز از راه نایستاد. او دریافته بود که آنچه این ابتدال را خنثی می‌کند و در حقیقت نیروی محرکه انسان برای مبارزه با آن است و انگیزه حیات متعالی را قوت می‌بخشد، عشق و ایثار است:

جنازه‌های خوشبخت
جنازه‌های ملول
جنازه‌های ساکت متفکر
جنازه‌های خوش برخورد، خوش پوش، خوش خوراک
در ایستگاههای وقتهای معین
و در زمینه مشکوک نورهای موقت
و شهوت خرید میوه‌های فاسد بیهودگی...^{۳۰}

انسانی که فروغ تصویر می‌کند، انسان معاصر او، انسان عصر صنعت و جنگ و انفجار است، انسانی است که «صدای زنجره را می‌کشد»^{۳۱} و «گوش به زنگ سوت کارخانه‌های اسلحه‌سازی است»^{۳۲}؛ او مجال تفکر و عشق ندارد، سهل‌انگار و بی تفاوت و ریاکار است و «هر چه را که باید از دست داده باشد از دست داده است»^{۳۳} و بدین سبب به «تفاله زندگی» دلخوش است و از حقیقت آن بی نصیب! او در دیار «عروسکها» و آدمکها و «در زیر سایه‌های درختان کاغذی»^{۳۴} زندگی می‌کند و در آنجا نشانی از عشق و دوستی نمی‌یابد، دیاری که کودکانش «در پشت میزهای مدرسه‌های مسلول»^{۳۵} درس می‌خوانند، دیاری که «ریسمان عدالت»^{۳۶} در آن سست است و «چشمهای کودکانه عشق را با دستمال تیره قانون»^{۳۷} می‌بندند. این انسان فقط بار خویش می‌بندد و سر خویش می‌گیرد و می‌گوید وقتی که من بمیرم دیگر چه فرق می‌کند که باغچه باشد یا نه.^{۳۸} او «در میان خانه‌های مصنوعی، زیر درختان مصنوعی آوازه‌های مصنوعی سر می‌دهد»^{۳۹}. فروغ باطنزی تلخ و موقر به این انسان هشدار می‌دهد و می‌خواهد او را از منجلاب ابتدال بیرون بکشد. از ریا و دروغ و بی تفاوتی و تنگ‌نظری او به



● اگر شعر او رنگ غلیظ زنانگی دارد - که امتیاز او در میان شاعران زن به شمار می‌آید - به دلیل آن است که او زن بودن خود را با تمام احساسات و عواطف آن پذیرفته و از رنجها، دردها، تبعیضها، تحقیرها و مسئولیتهای زن به خوبی آگاه بود.

۹. چشم انداز شعر نو فارسی: حمید زرین کوب، تهران، توس، ۱۳۵۸، ص ۲۱۱.
 ۱۰. ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۲۶
 ۱۱. همان جا، ص ۳۱
 ۱۲. همان جا
 ۱۳. همان جا
 ۱۴. همان جا، ص ۴۱
 ۱۵. همان جا، ص ۴۷
 ۱۶. همان جا
 ۱۷. همان جا، ص ۵۰
 ۱۸. همان جا، ص ۶۰
 ۱۹. همان جا
 ۲۰. همان جا، ص ۶۱
 ۲۱. همان جا، ص ۶۲
 ۲۲. همان جا، ص ۷۱
 ۲۳. همان جا، ص ۷۵
 ۲۴. روشتر از خاموشی: به انتخاب مرتضی کاخی، تهران، آگاه، ۱۳۶۸، ص ۷۸.
 ۲۵. ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۹۳

عشق به حقیقت، انسان، طبیعت و تمامی آنچه که انسان را انسان می‌کند:

وقتی که زندگی من دیگر چیزی نبود، هیچ چیز به جز تیک تاک ساعت دیواری دریاقتم باید باید باید دیوانه وار دوست بدارم...^{۳۸}

و هم بدین سبب بود که «دلش برای باغچه می سوخت^{۳۹}» و «مغزش لبریز از صدای وحشت پروانه‌ای بود که او را در دفتری به سنجاقی مصلوب کرده بودند.^{۴۰}»
 و برای این همه، تاوانی سخت و تلخ پرداخت:

نگاه کن که در اینجا چگونه جان آن کسی که با کلام سخن گفت و با نگاه نواخت

● فروغ به عنوان یک انسان آگاه، با هشیاری و جسارت، پیوسته با جامعه خود در تماس است: گاه از استودیوهای فیلمبرداری سردر می‌آورد، گاه از محله کشتارگاه و میدان توپخانه و گاه از جذامخانه.

۲۶. همان جا، ص ۹۲
 ۲۷. تولدی دیگر، فروغ فرخزاد، ج ۱۶، تهران، مروارید، ۱۳۶۹، ص ۶۶.
 ۲۸. همان جا، ص ۸۸
 ۲۹. همان جا، ص ۱۳۴
 ۳۰. ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۳۴
 ۳۱. همان جا، ص ۹۵
 ۳۲. همان جا، ص ۳۰
 ۳۳. همان جا، ص ۹۰
 ۳۴. همان جا، ص ۹۳
 ۳۵. تولدی دیگر ص ۹۱
 ۳۶. همان جا
 ۳۷. ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۴۸ و ۴۹
 ۳۸. همان جا، ص ۶۹
 ۳۹. همان جا، ص ۶۹
 ۴۰. همان جا، ص ۶۱
 ۴۱. همان جا، ص ۳۸

و با نوازش از رسیدن آرامید به تیرهای توهم مصلوب گشته است^{۴۱}

اما این تاوان گزاف - که او یک تنه پرداخت - در برابر آن نقدینه گرانها و سرشار که به گنجینه ادب ما سرازیر شد، ناچیز می‌نماید. مگر شعر جوهر هستی و عصاره عشق و احساس و تفکر آدمی نیست؟
 «اگر شعر برای آوردن نور و آتش از آن نواحی جاودانی که الهای قوه خفایش گونه حسابگری هرگز جرئت پرواز در آنها را - اوج نمی‌گرفت؛ فضیلت، عشق، وطن خواهی و دوستی چه بود؟ مناظر این جهان زیبایی که ما در آن زندگی می‌کنیم چه می‌شد؟ و سلی ما در این سوری گور و نیز آرزوهایمان در باره ماورای آن چه بود؟^{۴۲}»

پانوشتها:

- ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد: فروغ فرخزاد، ج ۶، تهران، مروارید، ۱۳۶۳، ص ۷۷.
 اسیر: فروغ فرخزاد، ج ۷، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۷.
 ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۳۵
 همان جا، ص ۶۰
 همان جا، ص ۴۸
 همان جا، ص ۶۵
 گزینة اشعار فروغ فرخزاد: به کوشش بهروز جلالی، تهران، مروارید، ۱۳۶۴، ص ۲۰-۲۱.
 ایمان بیادوم به آغاز فصل سرد، ص ۸۷

۴۲. شیوه‌های نقد ادبی: دیوید دیچز، ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، تهران، علمی، ۱۳۶۶، ص ۲۰۲.
 و نیز: مجموعه مقالات ذیل درباره فروغ فرخزاد:
 اسماعیلی، امیر و ابوالقاسم صدرارت. جاودانه فروغ فرخزاد، ج ۲، تهران، مرجان، ۱۳۴۷.
 - جاودانه فروغ فرخزاد: اسماعیلی، امیر و ابوالقاسم صدرارت، ج ۲، تهران، مرجان، ۱۳۴۷.
 - جاودانه زیستن، در اوج ماندن: بهروز جلالی، تهران، مروارید، ۱۳۷۲.



زنان ولزوم آگاهی بیشتر از ایدز

ترجمه میترا معدنی

۱۹۸۵ به ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

دکتر مرسن سه عامل عمده در توضیح علل رشد ابتلای زنان به ویروس ایدز را چنین طبقه‌بندی کرده است:

- چون زنان در حین آمیزش جنسی از سطح مخاطی بیشتری برخوردارند، از نظر بیولوژیکی صدمه پذیرترند. افزون بر آن نطفه نسبت به مایع مهبل‌ی جای بهتری برای تمرکز ویروس ایدز است.

- زنان از نظر علم بیماری‌های مسری نیز آسیب‌پذیرترند. در دنیا معمولاً مردانی که ازدواج می‌کنند با بسیاری از زنان دیگر آمیزش جنسی داشته‌اند. در ضمن این که زنان به خاطر زایمان، ناقل بیماری به کودک می‌شوند.

- زنان از نظر اجتماعی نیز نسبت به ویروس ایدز آسیب‌پذیرند. در بعضی کشورها، مردان با تمام زنانی که از حمایت مالی ایشان بهره‌مندند روابط جنسی دارند، و نتیجه این امر نوعی تسلیم جنسی است و مانع فراهم آوردن جو مناسبی برای جلوگیری از

طور متوسط حدود یک سوم نوزادان مادران مبتلا، به این بیماری دچار شده‌اند.

در کشورهای صنعتی، انقال این ویروس اغلب از طریق همجنس‌بازی یا تزریق مواد مخدر است اما متأسفانه شیوع بدیمن این ویروس، در افرادی که روابط جنسی معمولی نیز دارند دیده می‌شود. سال گذشته در ایالت متحده، موارد مشاهده شده ایدز در زنان تقریباً ۱۰ درصد بیشتر از سال پیش بوده است. تزریق مواد مخدر، زمینه ابتلای این بیماری را افزایش می‌دهد، به خصوص که به ویژه بیشتر از طریق روابط جنسی با مردی است که مواد مخدر تزریق می‌کند.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، انقال ویروس از طریق مقاربت جنسی نسبت به اروپا و امریکا بیشتر شده است. در کشورهای تابعه صحرای آفریقا زنان مبتلا به ویروس ایدز در حال حاضر پنج - شش برابر بیشتر از مردان است و تعداد آنان رو به افزایش است. در مالدیوی، زنانی که در کلینیک‌های مراقبت‌های قبل از زایمان به سر می‌برند، از حدود سه درصد مبتلایان در سال

۱۹۹۳ در سال ۱۹۹۳ بیش از یک میلیون زن به بیماری ایدز مبتلا بودند، و تا سال ۲۰۰۰ میلادی این تعداد به بیش از ۱۳ میلیون بالغ خواهد شد.

دکتر میکایل مرسن، مدیر اجرایی طرح جهانی «هو»، پیرامون تاثیر ویروس ایدز بر مادران و کودکان، در دومین کنفرانس بین‌المللی ادینبرگ گفت: «یک دهه قبل به نظر می‌رسید که زنان و کودکان در حاشیه همه‌گیری ویروس ایدز قرار دارند اما امروز، همان‌طوری که تشکیل این کنفرانس نشان می‌دهد، زنان و کودکان موجبات اصلی نگرانی ما را فراهم می‌آورند. موج همه‌گیر این ویروس، میلیون‌ها زن، و کودکان آنها را مبتلا کرده و میلیون‌ها تن دیگر را در معرض تهدید قرار داده است.»

طبق برآورد «هو»، زنان تقریباً نیمی از بزرگسالان تازه مبتلا شده را تشکیل می‌دهند. با ابتلای هر چه بیشتر زنان، ابتلای فرزندان آنها نیز افزایش می‌یابد. در سرتاسر جهان، به

انتقال ایدز است.

تأثیر ایدز بر کودکان، حقایق مهم:

- تقریباً همه کودکان مبتلا به ایدز، در دوران قبل از تولد به این بیماری آلوده شده‌اند، مادران باردار در حین دوران بارداری، زایمان و گاهی در دوره شیردهی به کودکان، ویروس را انتقال می‌دهند.
- خطرات ابتلای کودکان به ویروس در اثر تزریقات جلدی، تزریق خون و خدمات ایمنی‌سازی و معالجات بیمارستانی کم است.

- میزان ابتلای نوزادانی که مادرانشان به این بیماری دچار هستند بین ۲۵ تا ۴۰ درصد است.

- یکی از علل ابتلای کودکان به ایدز در روپا و ایالات متحده، تزریق داخل وریدی مواد مخدر توسط والدین آنهاست، و در کشورهای در حال توسعه، ابتلای نوزادان در نتیجه عمل زناشویی خانواده‌شان است.

- تشخیص وجود ویروس ایدز در زادان دشوار است. بیشتر آزمایشات ساده لخیص ویروس ایدز، نمی‌توانند تفاوت بین اذتنهای بدن و پادتنهایی را که به طور برفعال از مادر مبتلا، منتقل شده‌اند تشخیص دهند.

- کودک مبتلا به ایدز معمولاً از اسهال، بی‌اشتهایی یا بیماری تنفسی رنج می‌برد.
- ویروس ایدز در بسیاری از کودکان به عت فعال می‌شود. به طور متوسط تقریباً می از کودکان مبتلا، قبل از دو سالگی بمیرند و ۸۰ درصد آنها تا پنج سالگی ک می‌شوند.

- بیماری و مرگ مادران برای سلامت و ات نوزادان خطرناک است.

- زمانی که علایم ایدز در کودک مشاهده د - پیش‌بینی بیماری هر چه که باشد - بایست واکسیناسیون معمول را علیه ریه‌های قابل کنترل، به غیر از واکسن سل (ث.ث.)، انجام داد.

- در آفریقا، به خاطر وجود ایدز، درصد و میر زیر پنج سال نسبت به سقط جنین افزایش است.

زنان از نظر علم بیماریهای

ری نیز آسیب‌پذیرتر از مردانند. ضمن آنها به خاطر زایمان، ل بیماری به کودک می‌شوند.

- ایدز باعث یتیم شدن بسیاری از کودکانی شده که خودشان هم در معرض این بیماری قرار دارند.

- جوانان می‌بایست قبل از ازدواج از طریق آموزش سلامت و بهداشت، آموزشهای مدرسه‌ای و منابع دیگر، اطلاعاتی در مورد این ویروس کسب کنند.

- انتقال ایدز از مادران و تأثیر آن در سلامتی کودک امری قطعی است و هر مادری که نوزادش مبتلاست، محکوم به فنا است.

- جلوگیری از بیماری ایدز در زنان کلید حفظ حیات کودکان از ایدز است.

تعادل بخشیدن به خطرات شیر مادر و شیر شیشه‌ای

نوزادان در دوران قبل از تولد، بعد از تولد و شیرخوارگی، ویروس ایدز را از مادرانشان دریافت می‌کنند.

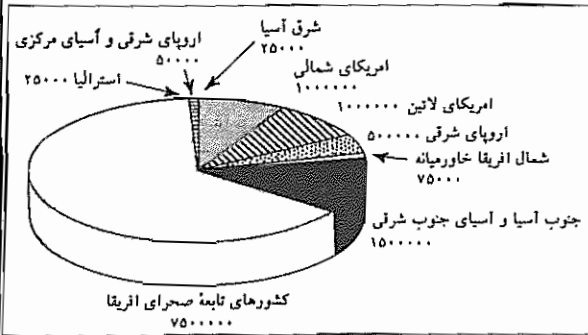
تغذیه از شیر مادر بهترین روش تغذیه کودک است اما مطالعات بی‌شماری حاکی از آن است که شیر دادن مادران مبتلا، خطرات جدی در بردارد. با این وجود در کشورهای در حال توسعه، خطرات تغذیه کودک با شیر گاو احتمال ابتلا به بیماریهای دیگر را نیز در آنها افزایش می‌دهد.

براساس آخرین برآوردها، در آفریقا، جایی که شیردادن به کودک یک اصل اخلاقی به شمار می‌رود، حدود ۳۰ درصد از کودکان این ویروس را از مادرانشان دریافت کرده‌اند و حداقل یک سوم انتقال بیماری مربوط به دوران شیرخوارگی و مابقی ماحصل دوران بارداری یا زایمان می‌باشد. در اروپا که تقریباً هیچکدام از زنان مبتلا، به طفل خود شیر نمی‌دهند، تنها ۱۵ درصد از نوزادان مبتلا شده‌اند.

طبق این برآوردها می‌توان نتیجه گرفت که بیش از نیمی از انتقال ویروس مادر به کودک از طریق شیر دادن است. زنانی که در مناطقی زندگی می‌کنند که نوزادانشان به خاطر بیماریهای عفونی و سوءتغذیه هلاک می‌شوند، مجبور به شیردادن به نوزادشان می‌شوند. شیر مادر سالمتر از شیر گاو است و پادتنها و سلولهای ایمنی دهنده‌ای را در بردارد که نوزاد را از بسیاری بیماریهای دیگر حفظ می‌کند. با این حال براساس گزارش «هو»، زنان کشورهای صنعتی به کودکانشان شیر نمی‌دهند چرا که خطر ابتلای کودکان، مهمتر از خطرات احتمالی دیگر است.

اکنون که شیوع ایدز هر لحظه افزایش می‌یابد، دیگر:

درصد آلودگی به ایدز در اوایل سال ۱۹۹۳



اکنون که شیوع ایدز هر لحظه

افزایش می‌یابد، دیگر زمان مبارزه با انکار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری دولتها، جوامع و افراد است.

- زمان مبارزه با انکار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری دولتها، جوامع و افراد است. پیشگیری و آموزش، باید در اولیت قرار گیرند چرا که تاکنون برای این بیماری واکسنی تهیه نشده است و بیماری همچنان علاج‌ناپذیر باقی مانده است.

- زمان کاهش آسیب‌پذیری زنان نسبت به ویروس ایدز است که فقط از طریق بهبود وضع بهداشتی، بالا بردن سطح تحصیلات، تضمین آتیه مالی، موقعیت اجتماعی و حقوقی آنها میسر است.

- زمان آن است که نسل جوان از آگاهی و امکانات کافی برای حراست از خویشان از دام این بیماری بهره‌مند شوند.

- زمان آن است که با برنامه‌ریزی طرحهای آموزشی در اماکن کاری، و با کمک رؤسای امور، از گسترش و همه‌گیری این بیماری جداً خودداری کرد.

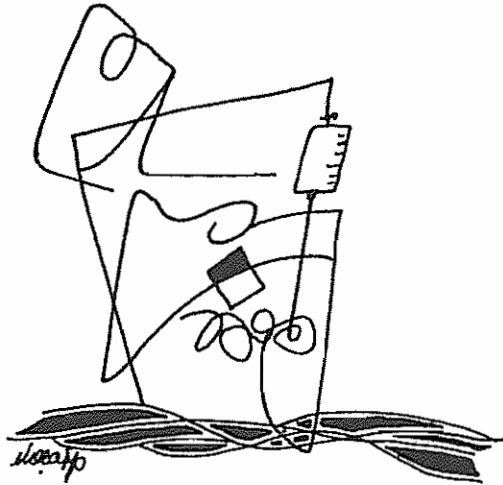
- و از همه مهمتر زمان آن رسیده است که از تمام نقاط دنیا و نه تنها از کشورهای پیشرفته، همه اطمینان حاصل کنند که مراقبتهای ویژه بهداشتی برای مردم، در دسترس همگان است.

منبع:

Global Child Health News and Review

(UNICEF)

پانویس:



یک

دو

سه

نفس...

رویا شاپوریان

سرنگی می کشید و داخل رگ می زد.
گفتم: «یکی بده مستقیم بزنم توی قلب شاید به کار بیفتند.» و به مشت بسته بچه نگاه کردم که باید اندازه قلبش باشد.

باز گوش کردم، نمی زد.
علی گفت: «زندگی سختی را انتخاب کرده ای. من نمی توانم تحمل کنم. می دانی کار من هم مسئولیت دارد اما وقتی نقشه ای را کشیدم و تحویل دادم، دیگر کسی طلبکارم نیست. نصف شب صدایم نمی زنند.»
سرم پایین بود. جلوی در خانه ای یک گربه لم داده بود و چشمش به کیسه زیاله کنار در بود. از جوی آب دم بیمارستان بخار بیرون می زد.

علی گفت: «این دیگر چیست؟»

گفتم: «مال رختشویخانه است.»

دست مرا کشید و گفت: «حتماً پر از عفونت است. بیا برویم آن طرف.»

سوزن را توی قلب فرو کردم. اول خون زد توی سرنگ، خالیش کردم و بعد مایع را دادم. فوری گوش دادم و سه بار دیگر ماساژ دادم. پرستار نفس داد. تقریباً حدود ساعت سه صبح بود که از اورژانس رفته بودم - از دم بخش که رد می شدم چشمم به تصویر جوی آبی بود که از کنار درختها روان بود. همان که زیرش نوشته شده بود: «بهبزستی»

... یک، دو، سه، نفس، گوشی را روی سینه اش فشار دادم، بعد گوش کردم و یک نفس توی دهانش دادم. اگر تنها باشی و کسی کمکت نکند می توانی خودت هفت هشت بار که ماساژ دادی دوبار پشت سر هم نفس بدهی، نتیجه فرقی نمی کند. بعد سرپرستار بخش آمد کمکم. موی خرمایی رنگش را فر زده بود و از جلوی مقنعه اش بیرون گذاشته بود. همیشه می گفت: «از بخش نوزادان متنفرم. زبان آدم را نمی فهمند.»

علی گفت: «منی دانم چطور به تو بگویم، هر قدر که بشود کسی را دوست داشت، من دوستت دارم اما، خوب چکار کنم از کارت متنفرم، همه اش چرک، خون، کثافت.»
توی خیابان کنار بیمارستان قدم می زدیم.

گفتم: «کشیکم ساعت هفت شب شروع می شود.»

گفت: «باید صبر کنی حرفم تمام شود.»

جوابی ندادم. توی گلویم بغض بود و نمی خواستم اشکم بیاید.

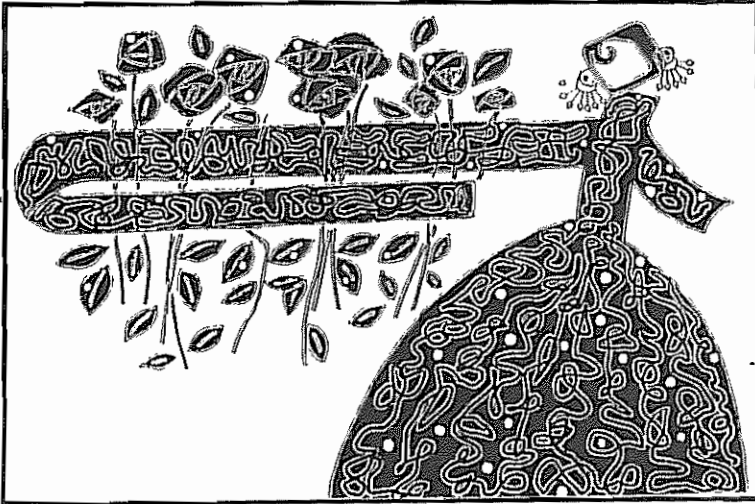
گفت: «ترس. به موقع می رسی.»

به سرپرستار گفتم: «هنوز زود است که دست بردارم. باز دوباره،

من سه بار ماساژ می دهم، تو هم نفس بده.»

اول که رسیدم یک مشت توی قفسه سینه اش زدم، فکر کردم دنده هایش شکست اما قلبش به کار نیفتاد. سرپرستار آمپولها را توی





دریا به دریا

سهیلا صارمی

گلی به گیسو آویختم
و در میان آینه
جاری شدم

با ماهیان سبز
و گلبوته‌های شناور
که عشق را
دریا به دریا

می‌بردند!

و همیشه توی پاگرد پله‌ها بهش خیره می‌شدم. سرپرستار از کنارم رد شد و گفت:

«خسته نباشید. بخش نوزادان یک مریض بد حال دارد.»

آدمم بالای سرش. نفسش انگار منتظر آمدن من بود که بند بیاید. گفتم: «سریع وسایل احیا را بیاورید.» و آستینهایم را بالا زدم. یک، دو، سه، نفس، توی دهانش لوله گذاشتم و وصل کردم به کیسه هوا. یک، دو، سه، نفس، نبض پایش را گرفتم. سرپرستار گفت:

«باز هم دارو بکشم توی سرنگ؟»

گفتم: «بله، ادامه می‌دهیم.»

می‌دانستم که باید زنده بماند.

وقتی صدای قلب را شنیدم هوا روشن شده بود.

سرپرستار گفت: «برگشت.»

یکی از پرستارهای شیفت صبح که از راه رسیده بود گفت: «کدام مریض بد حال است؟»

گفتم: «زنده شد.»

گوشی را توی جیبم گذاشتم و پرده اتاق را کنار زدم. دلم می‌خواست پنجره را باز کنم و از همان جا بروم بیرون. صدا کردم: «علی.»

صدایم بین برگهای درختان گم شد. خیلی غمگین بود. پشت لبه کاپشن را بالا داده بود و دستهایش را توی جیب فرو کرده بود.

گفت: «دیگر چیزی نداری بگویی؟»

می‌خواستم بگویم بالاخره این شغل را هم یکی باید انتخاب کند. پس جان آدمها چه می‌شود؟

فکر کردم ممکن است آخرین باری باشد که او را می‌بینم. دلم گرفت. چشمم را بستم که تصویرش را نگهدارم اما انگار میان همان بخارهایی که از جوی آب بیرون می‌زد گم شد.

دستم را شستم و خودم را تو آینه نگاه کردم. خسته و رنگ پریده.

به پرستار گفتم: «می‌روم بیرون قدمی بزنم. انگار آدم شب تا صبح که بیدار می‌ماند، هوای بدنش کم می‌شود.»

صبح روشن بود و زنده. توی حیاط بیمارستان چند کبوتر روی زمین نشسته بودند و دانه برمی‌داشتند. دربان، در بزرگ بیمارستان را از می‌کرد. فکر کردم علی جلوی در منتظر است تا مرا به خانه برساند.

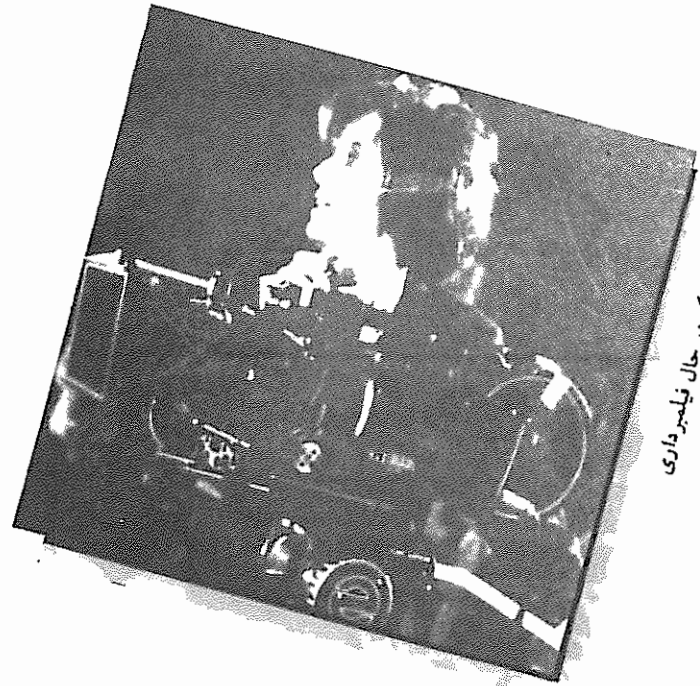
رگ درختها پوشیده از دود بود.

سرم را بالا کردم و یک نفس عمیق کشیدم. صدای پرستار توی گوشم بود: «برگشت.»

یک لحظه بی‌آنکه بدانم چرا، خندیدم. بلند و بلندتر. هیچکس در نیابان نبود، به جز خانمهایی که با زنبیل، به طرف صف شیر می‌رفتند.

ونه‌هایم یخ زده بود و حس می‌کردم هوای بدنم کم شده و کسی را نخواستم که بگوید:

«یک، دو، سه، نفس.» و من به زندگی برگردم.



نهضت زنان فیلمساز در آمریکای لاتین

احمد جلیل زاده

✪ آمریکای لاتین از چند قرن پیش در تمامی زمینه‌ها تحت سیطره استعمارگران قرار داشته است، به گونه‌ای که طی قرن‌ها عناصر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن توسط تمدن‌های غربی مسخ شده‌اند. هنر قومی و سنتی کشورهای آمریکای لاتین نیز از این تهاجم به دور نماند. اما از اواسط قرن بیستم این کشورها به تدریج توانستند هویت قومی و ملی خود را باز یابند و به سوی ادبیات و خواستگاه‌های سیاسی و فرهنگی خویش گام بردارند. آنچه در این میان بدیهی است اینکه زنان نیز در این روند به عنوان یک زیر مجموعه، قربانی تهاجم استعمارگران بوده‌اند و طی سال‌ها به درستی به این نکته پی‌برده‌اند که چگونه از طریق القای افکار خود، به صورت گوناگون به هم‌نوعان خود نزدیک شوند. ❏

قریب به دو دهه است که زنان پیشرو و روشنفکر این قاره که درصد کوچکی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، دریافته‌اند که چگونه می‌توان مسائل زنان آمریکایی لاتین و دریایی کارائیب را به وسیله سینما باز گفت. خواست عمده زنان آمریکای لاتین برابری با مردان در حداقل ممکن است. از سویی پیچیدگی وضعیت قومی آنان نتیجه ویژگی‌های ناهمگن و نامتمرکز فرهنگی آنها می‌باشد لذا یک الگوی فرهنگی متمرکز و مسلط تعارض میان زن و مرد را در این بخش از جهان کاهش خواهد داد. فیلمسازان زن در موقعیت کنونی آمریکای لاتین می‌توانند منادیان واقعی باشند، آن هم در قاره‌ای که بیسواد و فقر فرهنگی - اجتماعی، به خصوص نزد زنان، بیشتر نمود دارد و آنان از هر سو مورد تهاجم استعمار و نابرابری قرار گرفته‌اند. نهضت جدید سینماگران زن آمریکای لاتین را

که از اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد باید عاملی تفکیک کننده نسبت به سینمای پیشرو و مدرن اروپا و آمریکا دانست. زنان فیلمساز این قاره بر این اعتقادند که برای پیام‌رسانی به مخاطبان خود، یعنی زنان، بایستی از ساده‌ترین روش ممکن سود جست. تصاویر موجز و نزدیک شدن از طریق روان‌شناسی قومی و ارسال پیامها به صورت آوازه‌های عامیانه می‌تواند بیشترین هم‌نوایی و هماهنگی فکری را نزد زنان پدید آورد.

سینمای زن در آمریکای لاتین، سینمای نیازهای ریشه‌ای و غریزی است و زنان فیلمساز، فیلم‌هایشان را همواره منطبق با نیازهای اجتماع محلی و یا در اعتراض به وضعیت نابه سامان زن در جامعه ساخته‌اند و می‌سازند. نزدیکی آنان با شخصیت زن از طرق گوناگونی همچون ادبیات داستانی، عناصر سمبلیک، که می‌تواند برای سینمای آمریکای لاتین الهام‌بخش باشد، و رویکردها و خصیصه‌های ویژه محلی صورت می‌گیرد.

در میان سینمای کشورهای آمریکای لاتین، سینمای آرژانتین از پیشرفت و پویایی قابل توجهی برخوردار است. نلی کاپلان^۱ و لئو پولد توره نیلسون^۲ سال‌ها قبل از مهاجرتشان به اروپا، گوشه‌هایی از مشخصات و ویژگی‌های بارز این سینما را به جهانیان عرضه داشتند.

در سال‌های اخیر شهرت خانم ماریا لویزا بمبرگ^۳، فیلمساز مشهور آرژانتینی، در اروپا و آمریکا طنین‌انداز شده است. او فیلمسازی را بسیار دیر آغاز کرد. سال‌ها پس از اینکه ازدواج کرده بود، در اواخر سی‌سالگی، به کارهای جنبی در تئاتر روی آورد و سپس چند فیلم آزمایشی مستند که عمدتاً کوتاه بودند، ساخت. به جهت آنکه آثار اولیه‌اش درام‌هایی خانوادگی و مستندهایی گزارشی بودند منتقدانی که آثارش را می‌ساختند از ساخته شدن فیلم «کامیلا»^۴ توسط او تعجب کردند.

آرزوی بمبرگ در خلق دراماتیک یک اثر تاریخی را باید در تلفیق آثار غیر تخیلی او نظیر لحظه‌ها یا فیلم‌های تماماً فمینیستی‌اش مانند کامیلا و دوشیزه مری مشاهده کرد که تلاش زنان را برای کسب خودمختاری و استقلال نشان می‌دهند. بمبرگ تا قبل از ساخته شدن فیلم مهمش، کامیلا، دو فیلم بلند به نامهای لحظه‌ها و آقای هیچ را نیز ساخته بود.

کامیلا داستان زندگی «کامیلا آکورمان»، یک زن مبارز آرژانتینی را نشان می‌دهد.

● کامیلا آکورمان، زنی است که بر علیه سرنوشت، تسلیم در مقابل خواستهای بچه‌ها، کلفتها و مردهای خانواده به مبارزه برمی‌خیزد.

پخش فیلم، به دلیل تم سیاسی، در آرژانتین ممنوع اعلام شد. کامیلا آکورمان، زنی است که بر علیه سرنوشت، تسلیم در مقابل خواستهای بچه‌ها، کلفتها و مردهای خانواده به مبارزه برمی‌خیزد.

خانم بمبرگ می‌گوید: «بیشتر زنان، جوانیشان را مانند مبتلایان به عشق سپری می‌کنند. نیازی دایمی که نشانگر عشق‌ورزی و احساس است. چیزی که می‌فهمم، آنچه که در حال حاضر می‌خواهم به جست‌وجوش پردازم، چگونگی به کارگیری این نیاز مطابق علایق خود زنان است. احساس داشتن فی‌الفسه ایرادی ندارد ولی نباید اجازه داد که احساس، زندگی را در ما به تحلیل ببرد و یا وسیله‌ای در جهت مقاصد سیاسی باشد.»

بمبرگ در پاسخ به این سوال که چرا چنین مجادله‌ای همواره در مورد فیلمهائشان وجود دارد، آیا سیاست سبب این کار شده یا آنکه با توجه به اینکه زن هستید این حساسیت را در فیلمهائشان به تصویر می‌کشید، گفته است: «تا چند سال پیش فیلمسازی در آرژانتین در حوزه سرگرم‌کننده‌اش ادامه داشت. تا اینکه من پا پیش گذاشتم. فکر می‌کنم بسیاری از کارگردانان از اینکه من در صدد این موضوع هستم که زنان هم می‌توانند به صورت جدی به کار پردازند ناراحتند. بر آن بودم که جایگاه خودم را به عنوان یک

اجتماع کاتولیک هستند، مجبورند به اصولی که کلیسا بنا گذاشته است تن در دهند. اصولی که بر طبق آن ستونهای جامعه را کلیسا، دوست و خانواده تشکیل می‌دهند و عمدتاً در دست مردان قرار دارند. نکته مهم در فیلم کامیلا این است که یک زن جوان جرأت درگیر شدن با این سه ستون را پیدا می‌کند.

خانم بمبرگ می‌گوید: «فکر می‌کنم جالب خواهد بود که زنان کارهای یک شخص خاطی را که متهم و متجاوز معرفی می‌شود ببینند. این شخص نوعی از مبارزه‌طلبی را در

● در برزیل، «سوزانا آمارال»

در سالهای اخیر،

دگرگونی اساسی در نحوه

نگرش و هویت بخشی

به زنان را

سرلوحه فعالیت‌های

خود قرار داده است.

او پس از فیلم دوشیزه مری چند فیلم کوتاه مستند ساخت و سپس به ایتالیا رفت. آخرین فیلم او این بار هم حرف زدن ممکن نخواهد بود نام دارد که اخیراً آن را در ایتالیا ساخته و در جشنواره فیلم ونیز ۹۳ به نمایش درآمد.

دیگر فیلمساز آرژانتینی خانم، سوزانا مونوز است که در سال ۱۹۵۴ در بوینس آیرس دیده به جهان گشود. او که یهودی است، در هجده سالگی به همراه والدینش به اسرائیل رفت و در آنجا به عنوان ویراستار برای تلویزیون اسرائیل کار کرد و بعد از هفت



بازنگر نیلم کامیلا

● سینمای زن در آمریکای لاتین، سینمای نیازهای ریشه‌ای و غریزی است و زنان فیلمساز، فیلمهائشان را منطبق با نیازهای اجتماع و یا در اعتراض به وضعیت نابه سامان زن در جامعه می‌سازند.

فمینیست واقعی پیدا کنم اما در این راستا با مقاومت زیادی مواجه شدم. مجادلات، فی‌الفسه ناراحت‌کننده بود شاید بدان دلیل که نمی‌خواستم شاهد چنین هیاهو و مجادلاتی باشم یا شاید به دلیل اینکه یک زن فیلم می‌ساخت. تعجب و شگفتی آنها را کاملاً اهانت‌آمیز دانستم. در آمریکای جنوبی وضعیتی حاکم است که براساس آن تنها مردان باید به چنین کارهایی دست بزنند.»

در فیلم کامیلا، بمبرگ بیانیه سیاسی خود را از طریق روابط مادر و دختر که با صدای بلند حرفهای خود را بیان می‌دارند، ارائه می‌دهد. در کامیلا، مادر و دختر هر دو رود خروشان از معرفت و عقیده‌اند. کلیسای کاتولیک در آرژانتین بسیار مستبدانه عمل می‌کند و از آنجا که تمام طبقات بالای

خود دارد که این امر او را آزاد و نسبت به حرفهای دیگران جسور می‌کند. فکر می‌کنم ناامنی و خاطیگری، دو مفهومی هستند که شخص را در یک جامعه (غیر عادل) به سوی بیان ذاتی اثر هنری سوق می‌دهند.»

فیلم بعدی خانم بمبرگ، دوشیزه مری نام دارد که ابتدا توقیف گردید و سپس با سانسور چند صحنه کلیدی، به نمایش درآمد. دوشیزه مری، فیلمی تمثیلی از مبارزات و زندگی یک زن مبارز آرژانتینی در اواخر قرن نوزدهم است که با عوامل دولتی و استثمار مبارزه کرده بود. بعد از ساخته شدن این فیلم، بمبرگ گفت: «دولت سرکوبگر در کشور من بسیار ظالمانه رفتار می‌کند، لذا سعی خواهم کرد که ندای آزادیخواهی زنان را در هر مرحله و در هر کشوری به گوش جهانیان برسانم.»

سال اقامت در این کشور برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در موسسه شیمیایی سانفرانسیسکو به تحصیل در رشته سینما پرداخت. مونوز اولین فیلمش را تحت عنوان آرژانتین ساخت که در واقع اعتراضی بود به برگزاری بازیهای جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸ در این کشور. جدیدترین فیلم مونوز، سوزانا نام دارد که یک اتوبیوگرافی مستند است.

مونوز تخصص و دلبستگی زیادی به سینمای تلویزیونی و مستند دارد. در سال ۱۹۸۳ با فیلمسازی از نیکاراگوا به نام لوردس پورتیلو آشنا شد که او نیز در موسسه سینمایی سانفرانسیسکو به تحصیل اشتغال داشت. این دو در ۱۹۸۴ فیلم مادران پلازا دو مایو را ساختند که در مورد سی هزار ناپدید شده، در زمان حکومت نظامیان در

آرژانتین است. در آوریل ۱۹۷۷ چهارده نفر از مادران این ناپدید شدگان در مقابل کاخ ریاست جمهوری در پلازا دومايو در بوئنس آیرس، دست به تظاهرات زدند. این حرکت، گروهی را به وجود آورد که امروز ۲۵۰۰ عضو دارد. در ۱۹۸۴ هنگامی که این فیلم ۶۴ دقیقه‌ای مستند به نمایش درآمد، انعکاس وسیعی در جهان پیدا کرد.

خانم پورتیلو چند سال قبل از همکاری با مونوز، فیلم بعد از زلزله را پیرامون مهاجران نیکاراگوآیی در شهر سانفرانسیسکو ساخت. همچنین بر روی فیلمی تلویزیونی درباره یک کارگر کارخانه با نام زنان طبقه پایین کار کرده است. فیلم دیگر پورتیلو ظهور زنان نام دارد که مستندی درباره امکان اشتغال دختران نوجوان است.

پورتیلو هنگامی که نوجوان بود به آمریکا رفت. کار در زمینه فیلم را در لوس آنجلس آغاز کرد. سپس به سانفرانسیسکو رفت و با گروهی همکاری کرد که فیلمهای مستقل و متفاوت می‌ساخت. سپس به عنوان دستیار فیلمبردار، دوره دید و بعد از آن به موسسه سینمایی سانفرانسیسکو رفت. پورتیلو می‌گوید: «در ۱۹۷۸ به ساندنیستها پیشنهاد ساخت فیلمی را دادم. نمی‌توانستم در آن زمان به نیکاراگوآ بروم لذا فیلم دراماتیک «بعد از زلزله» را ساختم.»

پورتیلو می‌گوید: «در سال ۱۹۸۴، من و مونوز فیلمی در مورد ناپدید شدگان سیاسی آرژانتینی ساختیم که در زمان حکومت خوان پرون و ژنرال ویڈلا به اتهام مبارزات سیاسی دستگیر شده بودند. این فیلم، مادران پلازادومايو، از این جهت فمینیستی است که ایده‌اش را از زنان گرفته است. فیلم درباره مبارزات زنان و قدرت آنهاست. اما نخواسته‌ایم مردان را در فیلم جا بیندازیم. سعی کرده‌ایم درباره موقعیت زنان در آرژانتین صحبت کنیم.» خانم مونوز درباره این فیلم می‌گوید: «ما با این فیلم خواستیم بگوییم که مادران به تلاش خود به خاطر فرزندان‌شان ادامه می‌دهند. آنها همواره درباره چیزهایی که فرزندان‌شان به آنها یاد داده‌اند صحبت می‌کنند. فکر می‌کنم فیلم ما راه قدرتمندی برای نزدیک کردن مردم به هم است. راهی است برای متوجه ساختن آنها به موضوعات اساسی و البته این جریان مختص آرژانتین یا آمریکای لاتین نیست.»

پورتیلو می‌گوید: «از نظر ادبیات سیاسی و قومی، تحت تأثیر داریو روبن شاعر انقلابی آمریکای لاتین، قرار دارم که بنیانهای

شعر و ادبیات را دگرگون کرد، و نهضت نویی را به وجود آورد که الهام بخش زنان شد.» در نیکاراگوآ با وجود یکصدوپنجاه سالن سینما، به دلیل فشار دولت مرکزی بر روی فیلمسازان، اکثر محصولات سینمایی وارداتی است.

سینمای اروگوئه در وضعیت وخیمتری قرار دارد و اساساً سینمایی بدون کارگردان است چرا که اکثریت آنها در تبعیدند و افرادی که باقی مانده‌اند به آثار کوتاه تبلیغی - تجاری و یا ملودرامهای خانوادگی روی آورده‌اند.

در برزیل، سوزانا آمارال^{۱۳} در سالهای اخیر، دگرگونی اساسی در نحوه نگارش و هویت بخشی به زنان را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است. او با فیلم ساعت ستاره، خود را به عنوان مستعدترین فیلمساز زن دنیا معرفی کرد. آمارال که متولد ۱۹۴۵ است و تحصیلات سینمایی خود را در ریودوژانیرو به اتمام رسانده، تحت تأثیر جیمز جویس قرار دارد. او می‌گوید: ما به دنبال یک هویت گمشده هستیم، حلقه گمشده‌ای به قدمت چند قرن. فکر می‌کنم زنان راه قدرتمندی و روشنگری را جهت جهش به

سوی تکامل پیدا کرده‌اند. تاریخ ما، تاریخی مرده و انفعالی است. من در فیلم ساعت ستاره چهره یک دانزاما کابر^{۱۴} را به نمایش گذاشتم که نشانگر هویت قومی زن آمریکای لاتین در گذرگاه تاریخ است. این دانزاما کابر در خون هر زن برزیلی جریان دارد و جزیی از جوهره وجودی او را تشکیل می‌دهد.»

سینمای زن در آمریکای لاتین با روش پویا و قدرتمندی که در پیش گرفته است به عنوان انقلابیترین و اصیلترین سینمای مردمی در جهان معرفی می‌شود که این برای زنان دیگر کشورها می‌تواند یک خط مشی و جریان اساسی باشد.

1. Nelly Kaplan
2. Leopold Torre Nilsson
3. Maria Luisa Bemberg
4. Camila
5. Susana Munoz
6. Susana
7. Lourdes Portillo
8. Las Maders de La Plaza de mayo
9. After the Earthquake
10. Over Linder Sideways down
11. Women Emerging
12. Dario Rubn
13. Susana Amarall
14. Danzamacaber

فرم اشتراك

نام و نام خانوادگی
 نام خانوادگی
 نام خانوادگی
 سن: تحصیلات: تاریخ شروع اشتراك:
 از شماره: نشانی:
 کد پستی: تلفن: صندوق پستی:

حق اشتراك برای یکسال (۱۲ شماره)

ایران ۱۴۴۰۰ ریال
 معادل ۲۴ دلار
 معادل ۲۲ دلار

خوانندگان گرامی در صورت تمایل به اشتراك می‌توانند با تکمیل این فرم و واریز حق اشتراك به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعبه سراسر کشور)، اصل فیش بانکی همراه با اصل یا کپی این فرم را به نشانی تهران - صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ مجله زنان ارسال فرمایند.



باسبزینه‌های سفره خود را بیاراییم

بهناز صفایی

۳۳ فصلهای سال هر کدام رنگ و بویی ویژه دارد. طبیعت در هر کنجی به سبزی می‌نشیند، در خانه‌هایی که کوچکند و دور از فضای سبز، چه خوب است ساقه سبزی از گوشه‌ای برچید و بر سر سفره غذا نشانند. ۳۴



◀ دستمال سفره برگ سبز

برگهای صاف و علفهای سبز داخل باغچه یا گلدانهای آپارتمانی برای تزئین دستمال سفره بسیار مناسب است. اگر برگ سبز در دسترس نداشته‌اید، می‌توانید از سبزی تازه چون شوید، ترخان یا جعفری استفاده کنید:

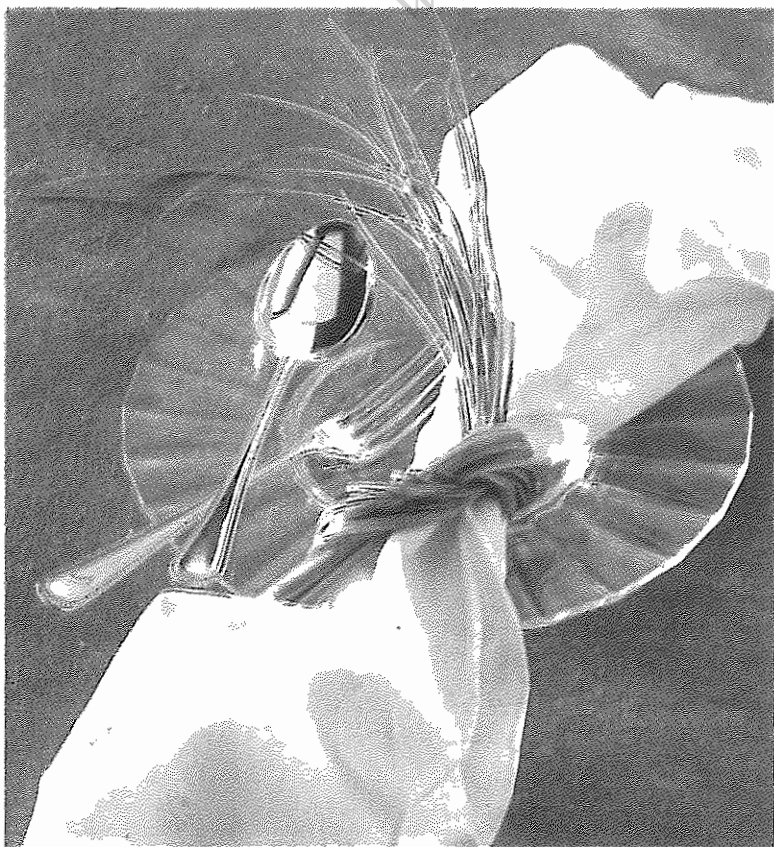
طبق سلیقه خودتان، کنار هم بچینید و ساقه آن را با نخ کوچکی، محکم گره بزنید. سعی کنید دسته‌ای که درست می‌کنید خیلی برجسته نباشد و صاف و راحت روی دستمال سفره قرار گیرد. سپس ساقه آن را روی گره قبلی نخ حصیری قرار دهید و گره دیگری روی ساقه بزنید.

۱ - دستمال سفره را پلیسه کنید و یک نخ کتان یا حصیری دور آن بیچید و گره شلی به آن بزنید و از هر طرف نخ گره زده، حدود ۷/۵ سانتیمتر باقی بگذارید و اضافه آن را ببرید. دستمال سفره باید حالت بادبزنی پیدا کند. (شکل یک)

شکل یک



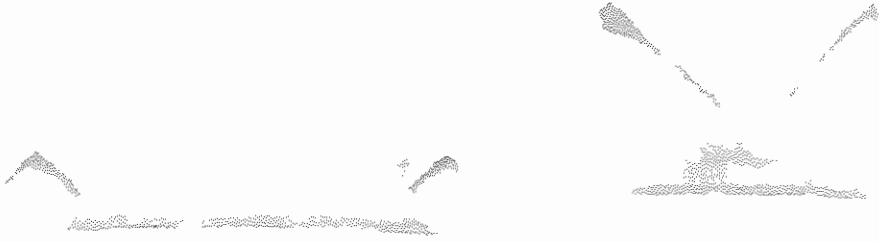
دستمال سفره فریزیا



حال می‌توانید غذا را در فضایی معطر
صرف کنید. برای تزیین سفره به این شکل
می‌توانید از هر شاخه گلی که در خانه در
دسترس دارید استفاده کنید.

دستمال سفره پیچک

بهار نزدیک می‌شود و به طبیعت رنگ و جان می‌بخشد. رنگی زنده و شاداب برای دستمال سفره انتخاب کنید و با ساقه‌های رونده‌ای چون یاس، رازقی یا پیچک که گلی نیز میان آن نشسته است، بهار را سر سفره بیاورید.



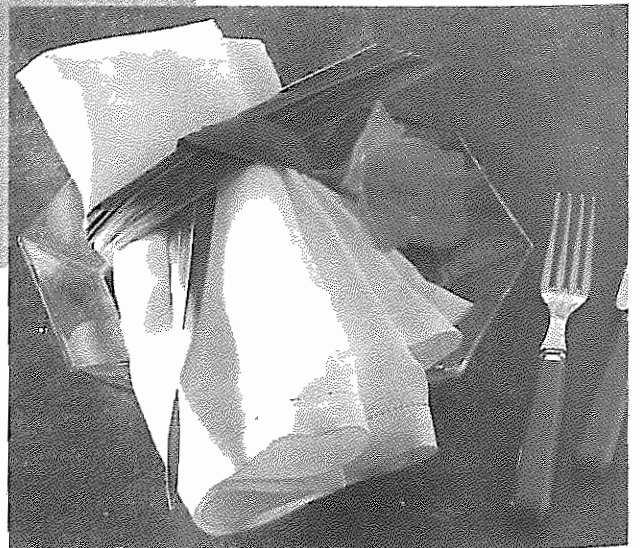
۱ - دستمال سفره را، طوری که به شکل لوزی در مقابل شما قرار گیرد، روی میز پهن کنید. آنگاه دو زاویه بالا و پایین آن را روی هم قرار دهید. (شکل یک)

۲ - دوباره قسمت بالا و پایین دستمال سفره را تای دیگری بزنید تا نوار باریکی به دست آید. (شکل دو)



۳ - این نوار باریک را گره شلی بزنید (شکل سه)

۴ - گره را کاملاً شل کنید و یکی دو شاخه از گیاههای رونده در میان آن قرار دهید.



برگی از ساقه گلابول جدا کنید و به مدت یک ساعت در آب گرم بگذارید تا نرم و انعطاف‌پذیر شود. بعد آن را کاملاً خشک کنید. برگ را دور یک دستمال سفره تا شده بپیچید و لبه‌های تیز برگ را با قیچی صاف کنید. یک گل گلابول از ساقه جدا کنید و میان برگ قرار دهید. سعی کنید انتهای گل پیدا نباشد.

دستمال سفره گلابول



حورا اخلاقی

۹۹ سال نو نزدیک می‌شود. با شیرینیهای کوچک دستپخت خودتان، به دید و بازدیدهای شیرین سال نو رونقی دیگر ببخشید. 🍪

هلال ماه وانیلی

● مواد لازم:

آرد	۳۰۰ گرم
کره یا مارگارین	۲۵۰ گرم
خاک قند	۷۵ گرم
فندق آسیاب شده	۱۵۰ گرم
وانیل	مقداری
شکر	دو قاشق غذاخوری

طرز تهیه کرم:

آرد، کره، خاک قند و فندق آسیاب شده را به کمک همزن دستی، مخلوط کنید و بعد خمیر را با دست ورز دهید. سینی را چرب کنید، خمیر را به صورت قطعات کوچک هلالی شکل درآورید و داخل سینی قرار دهید.

فر را روی ۲۰۰ درجه سانتیگراد گرم کنید و شیرینیها را برای ۱۰ تا ۱۲ دقیقه در آن قرار دهید. سپس آنها را برای مدتی کنار بگذارید تا خنک شوند. شکر و وانیل را با هم مخلوط کنید و روی سطح شیرینیها بپاشید.



زقاج
شد

ماتوسرای

بابو



www.ir.archi.com

نمای مدلها به
صحت ۹۱ رجوع شود.

ضمیمه طرح الگو

سهیلا شرکت



◀ مدل پنج: کت در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ دامن در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ طرف ب نقشه



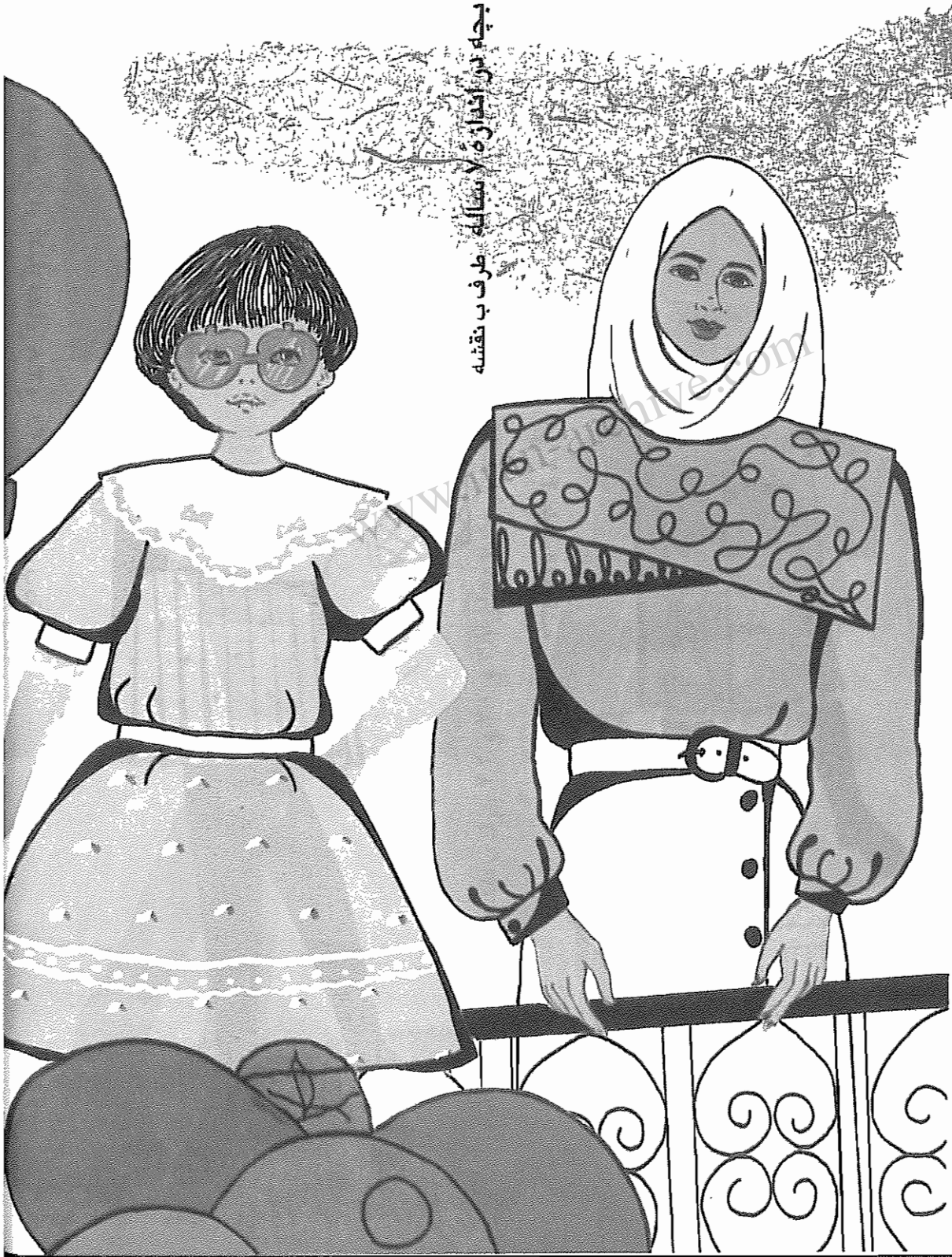
◀ مدل یک: کت - دامن و جلیقه در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲ طرف الف نقشه





◀ مدل دو: دامن تنگ در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲ طرف الف نقشه





◀ مدال شش: لباس بچه سر اندازه ۷ ساله طرف ب نقشه

◀ مدال سه: بلوز (همراه با کت دست) سر اندازه های ۳۶ و ۳۸ و ۴۰ طرف الف نقشه





شکست سکوت

- نمایشگاه نقاشی «توران قمری»
- گالری افرنده
- ۴ تا ۱۴ دی ماه ۷۲
● سیده خانلوکی

جنس مؤنث (به طور کلی)
موضوعی است که ذهن توران قمری را شدیداً به خود مشغول نموده و

حاصل این تفکر، تابلوهایی است ذهنی، که او با رنگ و روغن به وجود آورده است. زن، در آثار قمری کبیت دارد و شخص به خصوص نیست. که می‌تواند نشاندهنده سکوت باشد، می‌تواند سمبل تولد و یا حتی روش باشد، می‌تواند نمایانگر فریادی باشد که سکوت را می‌شکند و یا می‌تواند زن جوانی باشد که سردر گریبان، به فکر نشسته است.

کارهای قمری ترکیبی است از رنگ، فرم و مفهوم، با شکل صوری و ظاهری اشیا و آدمها. تابلوهای او هر یک به تهایی مستقل هستند اما از نظر موضوع، پیوندی قصه وار دارند. عناصر به کار رفته در تابلوها محدودند: زن، پرنده و در بعضی از آنها، سازی که اشاره وار،

با تأکدهای ساده رنگ به وجود آمده است. پرنده در آثار او سمبل آزادی نیست، بلکه تنها آمده تا سکوت را بشکند.

قمری به جزییات و ساخت و ساز نپرداخته. در تابلوهایش، رنگ، با موضوع هماهنگ است. فضای پسزمینه با رنگ، محدود شده و پیشزمینه و پسزمینه با یکدیگر فاصله چندانی ندارند. کمپوزیسیون نیز در کارهای قمری بسیار ساده است و شلوغی و پیچیدگی در آن به چشم نمی‌خورد. ظاهراً نقاش به عنصر خط، توجه چندانی نداشته و تنها با رنگ، احساس خود را بیان کرده است. به طور کلی تداوم احساس و پیوستگی و ارتباطی که بین تابلوهای او - از نظر نحوه رنگ آمیزی،

انتخاب رنگمایه‌ها، کمپوزیسیون، موضوع تابلوها و تکرار بعضی از عناصر دیده می‌شود، باعث شده که بیننده کار را متعلق به قمری بداند و نه نقاشی دیگر و این شخصی بودن کار، از نکات مثبت تابلوهای اوست.

در این آثار هر تابلو، به تنهایی، به منزله سازی به خصوص است و از مجموع تابلوها، یک ارکستر سمفونیک به وجود می‌آید که رهبری آن به عهده نقاش است. قمری تعدادی طبیعت بیجان نیز کار کرده که همه ذهنیند. وی در این کارها نیز به جزییات توجهی نداشته و آنچه مورد نظرش بوده، تنها انتقال حس بوده و بس.

نقش هنر

را از مرحله اولیه عکاسی تا چاپ بوی ورقه‌هایی از الیاف کتان و ابریشم طی می‌کند. این روش از سال ۱۹۷۲ در آمریکا ابداع شد و هنوز یکی از عرصه‌های تجربه‌اندوزی برای نقاشان آمریکایی به‌شمار می‌رود. اگر چه به کارگیری تکنولوژی مدرن در خلق آثار هنری، بی‌حضور خلافت ذهنی بارور و دیدی هنرمندانه امکان ناپذیر است - حتی در پرده‌های ارائه شده توسط کامپیوتر که نام نقاشی بر آن گذارده شده - لیکن هنوز چنین پرده‌هایی بیشتر در پی ارائه تکنیک و امکانات متنوع و دستگاه مورد استفاده است.

به نظر می‌رسد که منوچهری تلاش دارد تا به تلفیقی خلاقه میان تکنیک مدرن چاپ و هنر نقاشی دست یابد و در این میان، او عناصر تزئینی هنر ایرانی را دستمایه قرار داده است. انتخاب گل، به عنوان موتیف اصلی و استفاده از نقوش تزئینی فرش و پارچه به عنوان جزء لاینفکی از ساختار تصویری در تمامی تابلوها حضور می‌یابد. نحوه جایگزینی موتیفها، بافتهای متنوع، خطوط و زوایا، به صورت مجموعه‌ای از عوامل کمپوزیسیونی، با مهارتی تکنیکی، لایه به لایه بر روی هم چاپ شده‌اند. سپس رنگ‌گذاری و رنگ‌پاشی با بهره‌گیری از انواع رنگ - اکریلیک و رنگ و روغن تا مرکب

و مداد - روی چارچوب چاپی نخستین، به آفرینش نهایی تابلوی نقاشی انجامیده است. نقاش با قرار دادن نقوش تزئینی گیاهی (نماد باروری و طلب رویش) در کنار گلکهای طبیعی، دال و مدلول را همزمان در کنار هم جای می‌دهد و کیفیتی هر چند ساده، اما گاه جادویی، در رفت و برگشت میان آن تأویل سنتی و این طبیعت انتزاع شده برقرار می‌کند. بدین ترتیب مجموعه نشانه‌های برگزیده او، بار دیگر «باغ بهشت» را به روش و سیاق شخصی زنده می‌کند. منوچهری خود در این باره می‌گوید: «در دهه هشتاد بود که به بررسی دقیق هنر ایرانی پرداختم و دریافتم که در تمامی عرصه‌های هنر ایران، ترین نقش اساسی ایفا می‌کند، نقوشی که یادآور باغ بهشت است.» اما فراموش نکنیم که هنر تزئینی ایران مبتنی بر منطقی فلسفی است و هدف و مفهومی ورای دنیای مادی می‌جوید. منوچهری، اما، به فلسفه هنر ایرانی نظری ندارد، او تنها به نمایش بخش تزئینی آن دلمشغول است. با این وجود به نظر می‌رسد که این راه دیرآشنا که بارها تجربه شده و نتیجه آن نیز برهمگان آشکار است، در این بازآزمایی، کمابیش امکان یافتن راهی نو را، بالقوه در خود جای می‌دهد.

در برخی از تابلوهای منوچهری

نقوش تزئینی، سراسر تابلو را چنان بر می‌کند که حتی جایی برای ارائه رنگ باقی نمی‌گذارد، این تابلوها به بیان بصری خاص خود دست می‌یابد، اما مغشوش می‌نماید و از حیطة تزئین صرف بیشتر آزرده شده، پا فراتر نمی‌گذارد. او تنها زمانی به توفیق دست می‌یابد که چارچوب بسته الزام تزئین و نمایشات تکنیکی را به واسطه احساس خود انگیزخته رها می‌کند، زمانی که نقوش به سادگی گراییده، به چند اشاره گذرا اما قابل تأمل، در گوشه و کنار تابلو محدود می‌شود و رنگ، بیان اصلی را به عهده می‌گیرد. بدین ترتیب اگر چه نوریمان منوچهری، نقوش تزئینی را همان گونه که هست در گوشه و کنار تابلوی خود - البته ماهرانه - چاپ می‌زند و هدفی ورای ارائه تزئین ندارد، اما آنجا که رنگ و فرم را در نهایت سادگی در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و دنیای سیال آستره گونی خلق می‌کند، به سادگی و آراستگی نزدیک می‌شود که ویژگی زیبایی شناسی ایرانی است.

اگرچه این اشارات در مجموع تابلوهای او محدود، گذرا و خودانگیخته است اما امکان تجاری بیعی و بررسی هوشمندانه‌تری را نوید می‌دهد.



باغ بهشت از

ریچه تکنیک

نمایشگاه نقاشی نوریمان وچهری
گالری گلستان
۲۰ تا ۲۸ بهمن ۷۲

سودابه مجاوری

تختین نمایشگاه انفرادی رریمان منوچهری در ایران، ستجری چندین ساله او را در زمینه نیک چاپ به نمایش گذاشت. او دگلشته، چندین نمایشگاه نقاشی امریکا برگزار کرده و دو گالری سانفرانسیسکو آمریکا تأسیس نه است.

تکنیکی که منوچهری در آثار د به کار می‌گیرد «الکترواستیک» دارد. این تکنیک پروسه پیچیده‌ای

جایگاه زن در فقه کیفری اسلام

زینب السادات کرمانشاهی

۳

ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق
و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا
فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً.
جانى را که خدا حرام کرده، جز به
حق نکشد. ما برای ولئى کسی که به ستم
کشته شده، سلطنت (بر نفس مقتول) قرار
دادیم، پس در قتل اسراف نکند که او
یاری شده است.

(اسراء، ۳۳)
و جزاء سيئة سيئة مثلها فمن عفى و
اصلح فاجره على الله انه لا يحب
الظالمين. و لمن انتصر بعد ظلمه فالولئى
ما عليهم من سبيل.
مجازات کردار بد همانند آن است.
پس کسی که بخشش کرده و اصلاح را
پیشه سازد، اجرش با خدا است. خدا
ستمگران را دوست ندارد. و هر کس پس
از آنکه مورد ستم واقع شود، از خویش
دفاع کند و حق خود را بگیرد، پس بر او
راهی (برای عقوبت) نیست.

(شوری ۴۰ - ۴۱)
عمومات و اطلاقات آیات یاد شده،
همگی تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته‌اند. در
آیه نخست سخن از همه کسانی است که
ایمان آورده‌اند، چه زن باشند چه مرد، برده
باشند یا آزاد؛ خصوصاً آنکه به مصداق،
توضیح داده شده است.

در صفحات قبل پیرامون شبهه برخی از
فضلا سخن گفتیم و اشاره شد که در قصاص
مرد به زن، بین علمای اسلام هیچ اختلافی
وجود ندارد. تنها اختلاف از سوی فقیهان
شیعه، در مورد پرداخت نصف دیه به مرد قاتل
است. این آیه پس از القای یک قانون کلی در
منورد قصاص، چند مصداق را معین
فرموده است. اکنون موضوع برده، به هیچ وجه
وجود خارجی ندارد و این خود نشان‌دهنده
دخالت زمان در حکم بوده است. سایر
مصداق قصاص، در آیه شریفه اصلاً مطرح

یا ایها الذین امنو کتب علیکم القصاص
فی القتل الحروب الحر و العبد بالعبد
والانثى بالانثى...
ای کسانی که ایمان آورده‌اید در مورد
کشته‌ها بر شما قصاص (مجازات
اعدامی) نوشته شده، آزاد به آزاد و برده به
برده و زن به زن...
(بقره، ۱۷۸)

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الا خطأ و
من قتل مؤمناً خطأ فتحریرو رقیبه مؤمنه و
دیة مسلمة الی اهلہ...
هیچ مؤمنی حق ندارد - جز از راه خطا -
مؤمن دیگری را بکشد و کسی که مؤمنی را
به خطا کشت، باید (برای کفاره قتل)
برده‌ای مؤمن آزاد کند و به اهل مقتول دیه
بپردازد...

(نساء، ۹۲)
... و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم
خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و
اعدله عذاباً عظیماً.

... و کسی که به عمد مؤمنی را بکشد،
کیفر او جاودانگی در جهنم است و خدا
بر او غضب و لعن می‌کند و برایش کیفر
بزرگی آماده می‌نماید.
(نساء، ۹۳)

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و
العین بالعین و الأثف بالأثف و الاذن
بالاذن و السن بالسن و الجروح
بقصاص...
در آن کتاب بر آنان نوشتیم که جان
در برابر جان و چشم در برابر چشم و
گوش در برابر گوش و بینی در برابر بینی و
دندان در برابر دندان و تمام جراحتها
قصاص دارد.

(مائده، ۴۵)

بحث جایگاه زن در فقه کیفری
اسلام را پس از یک مقدمه، با
تقسیم‌بندی دیدگاهها شروع کردیم.
گفتیم سه دیدگاه عمده وجود دارد:
الف: دیدگاه تفاوت
ب: دیدگاه برابری
ج: دیدگاه نابرابری.

«دیدگاه تفاوت» بر دو پایه استوار
بود که پس از نقل آن، به نقدش
پرداختیم. اکنون دنباله مطلب را با طرح
دیدگاه دوم، یعنی «دیدگاه برابری» آغاز
می‌کنیم: ■

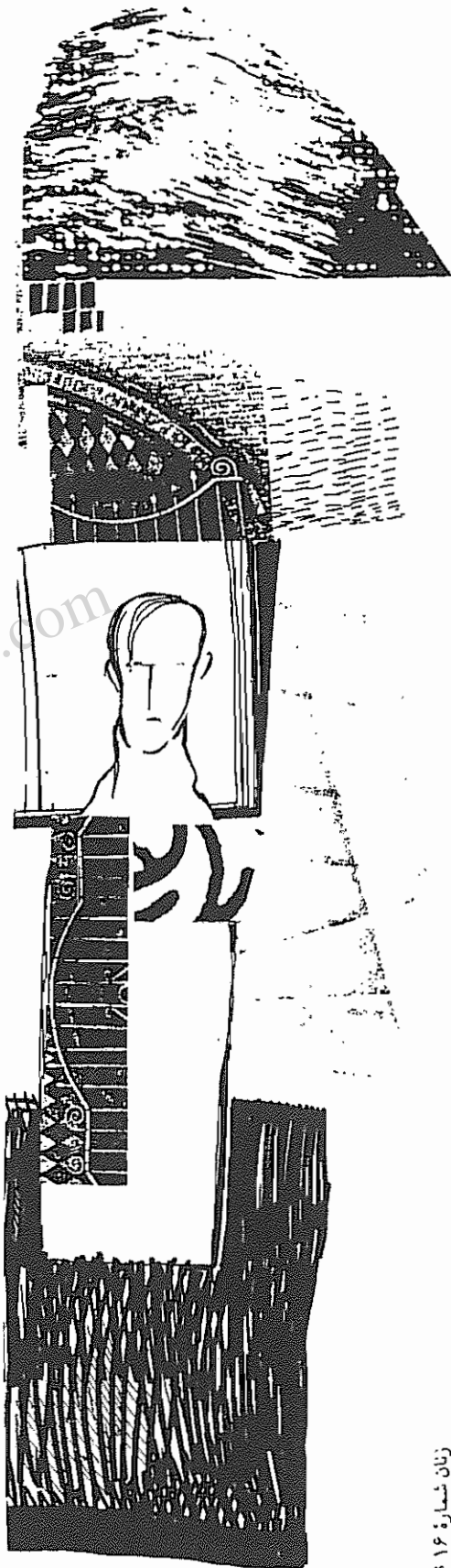
ب: دیدگاه برابری

گروه دوم از فقیهان اسلامی که سابقه
سخنشان، طولانیتر و تعدادشان بیشتر است،
در اثبات ادعای خود مطالب و استدلالهای
جالبی آورده‌اند که ما به‌طور خلاصه، اهم
سخنان آنان را ذیلاً از نظر گرامی شما
می‌گذرانیم:

۱ - قرآن:

قبل از آنکه استدلالها مطرح شود،
خاطر نشان می‌شوم که جمع‌آوری و بیان
استدلال گروه دوم به سلیقه نگارنده بوده و
احیاناً مطالبی را خود بر آن افزوده‌ام. بنابراین
در این فصل، سخنانی که از سوی موافقان
دیدگاه برابری اظهار شده و استدلالهای
دیگری که ممکن است به نفع این گروه اقامه
شود، هر دو، آمده است.

مرحوم فاضل مقداد (متوفای ۸۲۶
قمری)، در کتاب گرانقدر کتوالعرفان، ۱۰ آیه
برای قصاص آورده است. علاوه بر آن، بر
ادعای گروه دوم می‌توان استدلالهای دیگری
از قرآن نیز ارائه داد. لیکن چون هدف این
نوشته خلاصه نگاری است، فعلاً از آن
گذشتیم. پاره‌ای از این آیات شریفه چنین
است:



آورده. بخاری آن را از اهل علم نقل کرده است.»

ابومحمد عبدالله بن احمد قدامه (متوفای ۶۳۰ق) و ابوفرج عبدالرحمان بن ابی عمر بن محمد بن احمد بن قدامه (متوفای ۶۸۲ق)، که هر دو از ائمه فقه حنبلی اند، می نویسند: «مسئله: گفت: و کشته می شود مرد به زن و زن به مرد. این سخن همه اهل علم است، از جمله: النخعی، الشعبی، الزهیری و عمر بن عبدالعزیز مالک و اهل مدینه، شافعی، اسحاق، اصحاب الرأی و دیگران. و از علی روایت شده که گفته است: مرد به زن کشته می شود. به بستگان او نصف دیه پرداخت می گردد. این حدیث را سعید استخراج نموده و مانند آن از احمد، از حسن و عطا روایت شده و نیز از ابن دو نفر (اخیر) سخنی مثل عامه فقیهان نیز نقل گردیده و شاید کسانی که به قول دوم مایل شده اند، به سخن علی حجت آورده باشند، و دیگر آنکه دیه زن نصف مرد است، پس اگر مرد را کشتند، برایش مقدار دیگری از دیه (نصف) باقی می ماند و درین صورت از قصاص کننده او (بستگان مقتول) که اکنون قاتل را می کشند، گرفته می شود (چون دیه مرد، دو برابر زن است؛ وقتی او را به جرم قتل زنی قصاص کنند، افزونی دیه او را می پردازند.) و دلیل ما بر تساوی بدون پرداخت مازاد، سخن خدای متعال است که فرموده: «النفس بالنفس»، و فرموده: «الحر بالحر»، به ضمیمه عموم سایر نصوص. و به تحقیق ثابت شده که پیامبر ص یک یهودی را که سر دختری از انصار را با سنگ خرد کرده و کشته بود، قصاص کرد (بدون آنکه نصف دیه را به او بدهد.) و ابوبکر، پسر محمد، پسر عمرو، پسر حزم، از پدرش، از جلدش روایت کرده که پیامبر به اهل یمن نامه نوشته و در آن نامه از فریض و دندانها سخن رفته و آمده است: مرد به زن کشته می شود. آن کتاب، نزد اهل علم مشهور و پذیرفته شده است. (و دلیل دوم آنکه) زن و مرد، دو شخصیت مستقلند و هر کدام برای قذف دیگری، حد می خورند. پس قصاص و قتل هر یک به دیگری، مانند دو مرد است و با قصاص، چیزی (اضافه) واجب نیست که خود قصاص، واجب و لازم الاجرا است. و علاوه بر آن، چیزی دیگر بر قصاص کننده واجب نخواهد بود و مانند سایر قصاصها (در عضو). اختلاف بدنها، در قصاص معتبر نیست، به دلیل آنکه گروهی را به فردی واحد می کشند و نصرانی به مجوسی دستگیر و مجازات می شود، با آنکه در دین اختلاف

دارند، و برده را به برده می گیرند و قصاص می کنند، با آنکه بهای آن دو متفاوت است.» عمادالدین بن محمد طبری (متوفای ۵۰۴ق)، معروف به کیهاراسی می نویسد: «شافعی گفته: بین مردان و زنان در جان و عضو، قصاص جاری است و این سخن مالک و ابن ابی لیلی و ثوری و اوزاعی است. جز آنکه لیث بن سعید گفته: هنگامی که مرد نسبت به زن خود جنایت کند، دیه می پردازد، قصاص نمی شود و گویا او نکاح را نوعی بردگی پنداشته، پس در قصاص او را مشابه قرار داده...»

عمده دلیل کسانی که قصاص را (بین مرد و زن) واجب دانسته اند، استدلال به عموماتی است که مخصوص ندارد و در هیچ یک انضمام دیه به قصاص نیامده و گفته است - که بر او درود باد - ولی دم هر کشته ای میان دو چیز مختار است که بهترین را برگزیند: ۱- قصاص کند ۲- دیه بگیرد...

معنی سوم آیه چنان است که سفیان بن حسین از ابن اشوع از شعبی روایت کرده، گفت: بین دو طایفه از عرب جنگ بود و از هر کدام کشته شد. پس یکی از آن دو قبیله گفت: ما رضایت نمی دهیم، مگر آنکه برای زن (کشته شده)، مردی و برای یک مرد، دو مرد کشته شود.»

محمد بن عبدالرحمان دمشقی می نویسد: «فقیهان اتفاق کرده اند که زن به مرد کشته می شود و مرد به زن کشته می شود (زن را برای مرد و مرد را برای زن قصاص می کنند.

ابوبکر محمد بن عبدالله، معروف به ابن عربی، از فقیهان مالکی، چنین نوشته است: «مسئله چهارم: سخن خدای بزرگ که می فرماید: «و نوشتیم به آنان در آن کتاب که جان به جان است»، موجب قصاص مرد آزاد به زن آزاد است، به طور مطلق. و این را تمامی علما گفته اند و عطا گفته که بین آنان به تراجع (نظر خوانی) قضاوت می شود. پس هر گاه مردی، زنی را کشت، ولی زن، مخیر می شود. اگر خواست، دیه او را می گیرد و اگر خواست قصاص کند، نیم دیه مرد قاتل را می دهد و قصاص می کند. و عموم آیه، سخن او را مردود می داند. و پیامبر ص فرمود: بستگان مقتول بین دو چیز مخیرند، اگر دوست داشتند، می کشند یا آنکه دیه می ستانند و آن معنی به استدلال کمک می کند، زیرا مرد وقتی زن را بکشد، مرتکب قتل فردی شده که در خون با او برابر است. پس زیادتی واجب نیست، چنانکه بین دو مرد.»

قرطبی در اعتراض به گروه اول می‌نویسد: «و به این گوینده پاسخ می‌دهیم: اگر مرد با زن برابر نیست و مشمول این سخن پیامبر ص که: «مسلمانان در خون برابرنند» نمی‌شود، پس چرا مرد را می‌کشی و نصف دیه می‌گیری؟ اگر برابر نباشد، اساساً مرد نباید کشته شود و عالمان همه اتفاق دارند که دیه با قصاص جمع نمی‌شود و اینکه در صورت قبولی دیه، خون حرام است و قصاص برداشته. پس این سخن، نه اصل است و نه قیاس، این را ابو عمر گفته است.»

از کسانی که این نظریه را قبول دارند، تنها عثمان بنی گفته است: «زن اگر مردی را کشت، از مال او نصف دیه مرد گرفته می‌شود و آنگاه او را قصاص می‌کنند. اما اگر مردی نسبت به زن مرتکب جنایت نفس یا عضو گردد، تنها قصاص جریان دارد و هیچ دیه‌ای در کار نیست.»

و این یک نظریه نادر و استثنایی است و تا جایی که نگارنده بررسی کرده، از شخص دیگری شنیده نشده است.

بهوتی در کشاف القناع می‌نویسد: «و مرد به زن کشته می‌شود و بستگان او هیچ چیزی نمی‌پردازند. به دلیل این سخن خدای بزرگ: «و کتبنا علیهم فیها النفس بالنفس.» دلیل دیگر آنکه پیامبر ص یک مرد یهودی را کشت که سر دختری بین دو سنگ گذارده بود. و باز به دلیل آنکه زن و مرد دو شخصیت مستقلند، هر کدام به قذف دیگری، حد

● در سده‌های نخست دوره اسلامی، به ویژه در زمان شیخ طوسی، که

برای اولین بار نظرات شیعه به طور

مفصل تدوین شد، مسئله برابری زن

و مرد در قصاص، مورد اتفاق همه

فقیهان، به جز چند نفری

انگشت شمار بوده است.

می‌خورند. پس مرد برای زن کشته می‌شود، چنانکه مرد برای مرد.»

۴ - استدلال‌های عقلی:

در سخن گروه دوم از فقیهان اسلام، که از اکثریت برخوردارند، دلایل و قرائین عقلی جالبی آمده است. در این فصل، این ادله را همراه با چند دلیل دیگر به نظر خوانندگان و جویندگان اسلام ناب می‌رسانیم:

۱ - هادویه گفتند برای قصاصی مرد قاتل زن باید از سوی اولیای زن، نصف دیه او پرداخت بشود و استدلال کردند که چون دیه زن، نصف مرد است، باید در قصاص نیز این مسئله رعایت شود. با این وصف، پرداخت نصف دیه بر همین اساس است. در پاسخ گفته شد: تفاوت زن و مرد در دیه، موجب تفاوت آنان در قصاص نیست. به همین علت است که برده هزار دیناری را به قتل برده بیست دیناری قصاص می‌کنند و تفاوت نمی‌ستانند.

بنابراین طرفداران دیدگاه تفاوت،^{۱۲} در این نظریه خود مرتکب قیاس شده‌اند و حال آنکه خود در همه جا قیاس را منکرند و طرفداران آن را محکوم و لعن می‌نمایند.

۲ - زن و مرد، هر یک شخصیت مستقلی دارند و هر یک به جرم قذف دیگری (اطلاق زنا و لواط)، شلاق می‌خورد. پس سزاوار است برای قتل یکدیگر نیز قصاص شوند و تفاوتی در بین نباشد.

گرچه این سخن به نوعی قیاس است اما عدالت اسلام اقتضا دارد که زن و مرد در برابر حکم جزایی اسلام، که سنگین هم هست، مساوی باشند. چطور زن برای زنا و شرب خمر و سرقت و برخی دیگر از حدود، به اندازه مرد مجازات می‌شود و هیچ تفاوتی برای او، که به قول بعضی موجودی ضعیف و ناقص است؛ در نظر گرفته نمی‌شود. اگر زن را ناقص و ضعیف، ریحانه و لطیف می‌دانید چرا باید مانند مرد برای زنا غیر محصن، یکصد ضربه شلاق بخورد و اگر با مرد برابر است، چرا دیه او ۵۰ درصد کمتر از مرد است و برای قصاص قاتل او، شرط پرداخت نصف دیه گذاشته‌اید؟ اگر این حکم در قرآن مطرح می‌شد یا از مسلمات حدیث و فقه ما بود، سخنی نمی‌توانستیم گفت، اما چون یک نظر استنباطی بوده و اکثر فقیهان اسلام با آن مخالفت کرده‌اند و برای سخن خود روایاتی هم دارند، نمی‌توان بدون چون و چرا از کنار آن گذشت.

۳ - اگر آقایان فقیهان، تساوی و تکافؤ زن^{۱۳} را در اسلام می‌پذیرند، چرا نصف دیه را از اولیای زن مقتول، به نفع مرد قاتل می‌گیرند؟

اصولاً زن و مرد یا در خون برابر هستند یا نیستند. اگر برابرند، نصف دیه معنی ندارد. اگر برابر نیستند، قصاص درست نیست.

۴ - فقیهان محترم شیعه در جایی که مردی، مادرش را بکشد، قایل به قصاص شده‌اند و سخنی از پرداخت نصف دیه

نمی‌آورند، و این خود مؤیدی برای نقض سخن آنان در پرداخت نصف دیه در موارد دیگر است، که آنان به طور عام و کلی مطرح کرده و از این استثناء نامی به میان نیاورده‌اند.

۵ - علاوه بر قرآن، در احادیث ما شیعیان، روایاتی است که برای بردگان نصف حد آزادگان را مقرر کرده است، مانند روایت امام ششم^{۱۴} که فرمود: «اذا ازنی العبد و الامة و هم محصنان فلیس علیهما الرجم انما علیهما الضرب خمسين نصف الحد.» = وقتی برده و کنیز زنا کنند و احسان هم داشته باشند، بر آنان رجم (اعدام) نیست و به مقدار نصف حد زنا، ۵۰ ضربه شلاق می‌خورند.»

آیا جامعه زنان آزاد، از مردان برده قوی‌هیکل‌تر است؟ اگر برای برده‌ها صرفاً به خاطر بردگی، تخفیفی در نظر گرفتیم، چرا برای زن که او را موجودی ضعیف و نحیف (!) می‌دانند، تخفیفی لازم نبوده است؟^{۱۵} ما از این نوع روایات می‌فهمیم که اسلام دین مساوات و عدالت است. دینی است که رفاه پیروان خود را سرلوحه کار خویش نهاد و در هر جایی که زمینه تخفیف باشد، از مجازات‌های سنگین صرف نظر کرده است. بنابراین در مورد زنان آزاده هم، از عدالت و مساوات فروگذار نکرده است. مرد آزاد و زن آزاد را یکسان نگریسته، چنانکه مرد برده و زن برده را. بگذریم از استنباط‌های استحسانی و جانب‌گرایانه برخی علمای سلف، که قدم فراتر نهاده، زن را در برابر مرد می‌کشند و تمام دیه مرد را نیز همراه با مجازات بدنی، از اولیاء او می‌گیرند.^{۱۶} و احیاناً خطای زن، عمد محسوب می‌شود و مستوجب مجازات اعدام می‌گردد، در حالی که مجازات قتل خطایی، دیه است و نه اعدام.

شیخ طوسی پس از نقل چند روایت در این مورد، این مضمون را توجیه می‌کند و می‌پذیرد که این مسئله برخلاف قرآن است. چه بسا افرادی که هنوز هم به استناد جمود بر روایات ضعیف و مخالف قرآن، چنین عقیده‌ای داشته باشند.

۶ - اصلی که مورد قبول قرآن است، برابری زن و مرد در برابر احکام جزایی اسلام است. مخالفت با اصل مذکور، دلیل قاطع و قانع‌کننده‌ای لازم دارد که در مورد قصاص نفس موجود نیست. اساس نزول قرآن و اجرای احکام آن بر عدل و قسط است:

... و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...



...و با آنان (پیامبران) کتاب و میزان
فرو فرستادیم تا مردم به عدالت خیزند...
(حدید، ۲۵)

...و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط...
...وقتی قضاوت کردی، به عدالت حکم
کن...
(مائده، ۴۲)

ان الله یأمر بالعدل والاحسان...

خدا به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد...

(نحل، ۹۰)^{۱۳}

۷ - مسئله قصاص و دیات، مسئله جان و مال مردم است که در اسلام از اهمیت ممتازی برخوردار است. تا جایی که در فقه شیعه، تقیه تنها تا سرحد خون جایز شمرده شده است و نه بالاتر. با این وصف نظریه موافق احتیاط، همان نظریه مساوات است.

۸ - در فقه شیعه، زنی که از جان و مال و عرض خود دفاع می‌کند، مصون است و اگر مردی را بکشد، قصاص نمی‌شود (البته پس از ثبوت در محضر دادگاه لایق).

این مسئله موافق نظریه مساوات است زیرا اگر تفاوتی در کار بود، چون به نظر اینان جان مرد ارزش بیشتری از زن دارد، باید نصف دیه را می‌پرداخت، در حالی که چنین فتوایی وجود ندارد.

۹ - در مورد ارتکاب جنایت نسبت به جنین^{۱۴} و مرده، تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته‌اند. این نیز مؤیدی برای نظریه مساوات است. اگر اسلام در قوانین جزایی خود تفاوتی میان زن و مرد می‌گذاشت و جنسیت را شرط نقض و کمال دیه یا تفاوت قصاص می‌دانست، باید در مورد جنین و مرده نیز این قانون اجرا می‌شد. اینها همه قرائن خوبی بر دیدگاه تساوی است که نشان می‌دهد اسلام زن و مرد را به دیده مساوات نگاه کرده و ارزش مادی جان آدمی را یکسان مقرر فرموده است.

● اگر زن ناقص و ضعیف،

ریحانه و لطیف است چرا باید مانند

مرد برای زنای غیرمحصن، یکصد

ضربه شلاق بخورد و اگر با مرد

برابر است، چرا دیه او ۵۰ درصد

کمتر از مرد است و برای قصاص

قاتل او، شرط پرداخت نصف

دیه گذاشته‌اند؟



● بر اساس دیدگاه تفاوت، بستگان زن مقتول، علاوه بر آنکه عزیزی از دست داده و دلشکسته شده‌اند، باید مخارج کلانی پردازند تا یک جنایتکار مجازات شود.

ممکن است برخی اعتراض کنند که اگر چنین است، چرا بردگان از این قانون مستثنی هستند. می‌گوییم در آنجا نیز مناقشه داریم. در شرایط قصاص، ما فقط شرط دیانت را می‌پذیریم و نه شرط رقیبت و جنسیت را. این بحث را به مجال دیگری موکول می‌کنیم. چنانکه در مورد قتل دسته جمعی، قایل به برابری کمی (عدد) هستیم و کشتن چند نفر را برای یک مقتول، اسراف در قتل ندانیم.

۱۰- بر اساس دیدگاه تفاوت، بستگان زن، علاوه بر آنکه عزیزی از دست داده و شکسته شده‌اند باید مخارج کلانی پردازند تا یک جنایتکار مجازات شود. اگر قصاص ای شقی و آرامش بستگان مقتول است، آن لی که می‌دهند خود یک نوع رنج و عذاب است و فلسفه قصاص را باطل می‌کند، ماصی که صرفاً برای حیات جامعه وضع و مصونیت انسانها را مطرح می‌کند.

۱۱- طرفداران دیدگاه تفاوت، تنها در یک مورد این مسئله، معتقدند که باید نصف دیه را قاتل داد و در صورت دیگر آن، یعنی جایی زنی، مردی را بکشد؛ می‌گویند لازم نیست نصف دیه مرد را بدهند. گرچه از عبارات صحت استفاده می‌شود که این سخن نیز بندگان زیادی داشته است و شیخ طوسی نهایتاً بدان تصریح کرده است.

اگر دیه زن نصف مرد است، باید در اینجا نصف قسمت مرد به بستگان او داده شود. اقل اختلاف فقیهان در این جا، حکایت استنباط فکری مسئله دارد، نه مسلم بودن.

۱۲- چون دیه، حداقل و حداکثر پولی رد و مردد بین شش چیز یعنی ۱۰۰ شتر، ۲ گاو، ۱۰۰۰ گوسفند، دو بیست حلهٔ یمنی، هزار درهم نقره، هزار دینار طلا است، بولاً بستگان مقتوله از پرداخت مازاد دیه یعنی نصف دیهٔ مرد که ۵۰ شتر، یا ۱ گاو، یا ۵۰۰ گوسفند، یا صد حله، یا پنج ر درهم، یا ۵۰۰ دینار طلا است، عاجزند ماص اجرا نمی‌شود و عملاً خون زن ول هدر می‌رود. ولی به استناد دیدگاه ری، چنین مشکلی پیش نمی‌آید و مردم به خوشبین خواهند شد و مردان نیز ت و جسارت پیدا نمی‌کنند دست به قتل بزنند.

۱۳- به استنباط نگارنده، نابرابری دیهٔ مرد و زن یک حکم واقعی و ابدی نبوده، بلکه بر اساس مصالح و سیاستها انجام گرفته است. شاهد این مدعا آن است که پیامبر ص دیهٔ مردان قبیلهٔ «خثعم» را نصف دیهٔ کامل قرار دادند. اینها همه به خاطر آن بوده که مردان، برابری را نمی‌پذیرفته‌اند و این مفهوم در روایات دیگری تصریح شده است مانند روایت شیخ طوسی^{۱۹}: «از امام ششم دربارهٔ مرد مسلمانی، که مردی از اهل ذمه (کفاری که در پناه مسلمینند) را می‌کشد، پرسیدند. گفت: این سخن شدید را مردم بر نمی‌تابند. لکن ذمی، دیهٔ مسلم را می‌دهد. آنگاه مسلم را برای قتل ذمی می‌کشند.»

شیخ طوسی مشابه همین روایت را چند سطر قبل از آن آورده است^{۲۰}. در برخی روایات آمده که: «مسلمانی را برای ذمی نمی‌کشند.» و برخی روایات دیگر، دیهٔ مسلم را با او مساوی می‌دانند.

به هر حال، استناد ما به جملهٔ «لا یحتمله الناس» در روایات شیخ طوسی است. «ناس»، مردم عادیند یا سنیها؟ اگر سنیها باشند که در روایات، «الناس» به آنان تعبیر شده، معلوم می‌شود از روی تقیه حرف آنان را تکرار کرده‌اند، پس در مورد زنان نیز چنین خواهد بود. انگیزه آنکه اگر بخواهند پول بدهند و قصاص کنند معمولاً ندارند. به خصوص در آن زمان که معامله پایاپای بوده و معمولاً پنج هزار درهم نداشته‌اند. پس مرد قصاص نمی‌شود و آن وقت اعتراض نمی‌کنند که برای زنی؛ مردی را کشتند!

با این وصف، رد نصف دیه و سپس قصاص، یک سنگ اندازی عملی بوده که راه عدالت را بر روی مردم عادی می‌بسته است و تنها ثروتمندان می‌توانستند قصاص کنند. یا مثل شهادت در زنا، تعلق به محال عرفی و عادی است که معمولاً انجام نمی‌شود و در واقع همان نابرابری زن و مرد در قصاص و عدم تکافؤ در دماء است.

۱۴- در برخی از روایات^{۲۱}، دیهٔ آلت تناسلی بچه و مرد عتین، دیهٔ کامله یعنی هزار دینار طلا و معادل آن از پنج نوع دیگر تعیین شده است، در حالی که دیهٔ زن، نصف آن است. برخی از فقیهان بزرگوار ما، چون شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (متوفای ۳۸۱ق)، به

مضمون آن فتوی داده‌اند.

اکنون باید به این پرسش پاسخ گفت که چگونه ممکن است در عدالت اسلام، دیهٔ عضو بچه و مرد ناقص، دو برابر جان یک انسان، یعنی یک زن، باشد؟

۱۵- به اعتقاد ما قصاص مجازاتی است که برای قتل و خونریزی تشریح شده، نه برای مقتول، و فلسفه آن همین معنی را تأیید می‌کند. بنابراین در قصاص، شرط جنسیت و رقیبت نیست. انسان قاتل عامد، هر که باشد، مستوجب قتل است. در مورد مقتول نیز تفاوتی ندارد که چه کسی باشد. شرط اسلام را قطعاً می‌پذیریم که این حکم در آیین ما است و ما را به آیینهای دیگر کاری نباشد، جنون و صغر سن، از عوامل مخففه در قانون اسلام است و بر آن دلایل قاطع عقلی و نقلی وجود دارد، اما در مورد بردگان و زنان چنین نیست. بنابراین این در قاتل و مقتول شرطی نداریم تا مجازات را متوقف کند، بلکه شرایط برای نفس قتل است.

۱۶- در صورتی که مساوات زن و مرد را در قصاص بپذیریم، مشکلات زیادی از دوش جامعه برداشته می‌شود. چه آنکه اکنون تعدادی از قاتلان زنان در زندانها هستند که بر اثر فقر بستگان مقتوله، حکم قصاص دربارهٔ آنها اجرا نشده است.

● اگر مساوات زن و مرد را در

قصاص بپذیریم، مشکلات بسیاری

از دوش جامعه برداشته می‌شود.

زیرا اکنون تعدادی از قاتلان زنان

در زندانها هستند که بر اثر فقر بستگان

مقتوله، حکم قصاص دربارهٔ آنها

اجرا نشده است.

● اصل مورد قبول قرآن، برابری زن

و مرد در برابر احکام جزایی اسلام

است و مخالفت با اصل مذکور،

دلیل قانع کننده‌ای لازم دارد.



ج: دیدگاه نابرابری:

پیروان دیدگاه نابرابری عقیده دارند که اصولاً مرد را به جرم کشتن زنی قصاص نمی‌کنند. این دیدگاه واقعاً نظر ستم‌کارانه‌ای است که با روح قوانین اسلام نمی‌سازد.

محمدبن اسماعیل کحلانی (متوفای ۱۸۲ق) می‌نویسد:^{۲۲} «از حسن بصری نقل شده که می‌گوید: مرد برای (قتل) زن قصاص نمی‌شود و گویا به آیه شریفه «الأنثی بالأنثی» استدلال نموده و این برداشت او رد شده زیرا^{۲۳}...»

محمدبن علی شوکانی می‌نویسد:^{۲۴} «عمر بن عبدالعزیز حسن بصری، عکرمه، عطا، مالک، خطابی، ابوالولید الباجی و مالک^{۲۵} در یکی از سخنان خود می‌گویند، مرد را برای زن قصاص نکنند.»

درباره آیه شریفه «الأنثی بالأنثی»، پیش از این بحث کردیم و گفتیم که اصولاً آیه هیچ مفهوم مخالفی ندارد و تنها در این آیه، مصداق قصاص زن در برابر زن مطرح شده، نه آنکه مرد قاتل به جرم کشتن زن اعدام نشود. اگر بخواهیم صرفاً بر این جمله جمود داشته باشیم، نباید زن را به جرم قتل مرد اعدام کرد، زیرا در قرآن صریحاً سخن از این مورد مطرح نشده است و اگر بگویند از عموماًت قرآن و روایات بهره می‌گیریم، خواهیم گفت در عموماًت هیچ فرقی میان زن و مرد نیست و باز می‌گردیم به اصل اختلاف. صرف نظر از آیه یادشده، آیات دیگر قرآن صراحتاً از قصاص نفس در مقابل نفس سخن گفته‌اند که هیچ قیدی برای جنسیت ندارد و شامل هر دو، یعنی زن و مرد، می‌شود. در صورتی که مفهوم آیه فوق بامنتوق آیات دیگر یا ظاهر آن منافاتی داشته باشد، جای گفتگو از عموم و خصوص و مطلق و مقید است و آیه یاد شده را باید در توضیح آیات دیگر شمرد.

گفته‌ای که به حسن بصری و دیگران منسوب است، به اجماع مرکب مردود می‌باشد و روایات فراوانی در رد آن وارد شده، که هر دو گروه اول و دوم، بر آن اتفاق داشتند. تنها اختلاف گروه اول و دوم در پرداخت نصف دیه بود، نه در اصل قصاص که میانشان هیچ جای تردیدی وجود نداشت، بلکه می‌توان این حکم را از ضروریات و مسلمات دین اسلام شمرد.

یک دیدگاه فرعی درباره دیدگاه نابرابری:

لیث، که از فقهای عامه است، می‌گوید:^{۲۶}

«اگر مردی نسبت به زوجه خود مرتکب جنایتی شود که مستوجب قصاص باشد دیه می‌دهد و قصاص نمی‌شود.»

بنابراین او تنها در مورد زوجین، قصاص بین مرد و زن را نمی‌پذیرد و بین مرد و زن بیگانه، قایل به قصاص است. پانوش:

۱ - مانند آیه ۱۲۶، سوره نحل و آیه ۱۹۴، سوره بقره.

۲ - برخی سوره بقره، آیه ۱۷۸ را ناسخ این آیه دانسته و بعضی می‌گویند این آیه، احکام دینی گذشتگان را بازگو می‌کند و برای ما حجت نیست. ولی این سخن مردود است. زیرا اولاً: در روایات و تفاسیر موضوع نسخ، مورد اختلاف و حتی به روایت درست‌تر، مردود است. ثانیاً: در قرآن موارد دیگری مطرح است که ظاهراً نقل قول گذشتگان است، اما به جهت عموم و شمول قرآن و ملاکهای که در آن احکام وجود دارد، در میان مسلمین هم اجرا می‌شود و چنین نیست که قرآن فقط به منظور استفاده تاریخی، از آن مطالب یاد کرده باشد. ثالثاً: فقهای بزرگوار اسلام، عموماً به جز افراد بسیار اندکی، به مضمون آیات شریفه قنوا داده‌اند.

۳ - ابن افراد، از هادی تا ابوطالب، نیز شیعه و جزو فقیهان اهل بیت هستند ولی شیعه اثنی عشری نیستند.

۴ - و قال جمیع الفقهاء یقتل بها و لا یرد اولیاءها شیئاً و روو ذالک عن علی و ابن مسعود.

۵ - القصاص فی الاسلام، دارالکتب الحدیث، چاپ مصر، ص ۱۳۵.

۶ - المعنی بالشرح الکبیر، ص ۳۵۷ تا ۳۵۹ - ۳۷۷ و ۳۷۸، ج ۹.

۷ - احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، چاپ بیروت، جلد ۱ - ۲، ص ۴۲ تا ۵۶ و جلد ۳ - ۴، ص ۲۵۱ تا ۲۶۰.

۸ - و اتقوا علی ان المرءة تقتل بالرجل و ان الرجل یقتل بالمرءة.

۹ - احکام القرآن، چاپ مصر، جلد یک، ص ۶۰ تا ۶۹ و جلد دو، ص ۵۸۶ تا ۵۹۰ و ۶۲۱ تا ۶۲۸.

۱۰ - الجامع لاحکام القرآن، چاپ بیروت، جلد دو، ص ۲۴۸.

۱۱ - کشف القناع عن متن الاقناع: جلد شش، ص ۲۰.

۱۲ - جمله «طرفداران دیدگاه تفاوت» عام است و ما نظر به عموم داشته‌ایم ممکن است برخی منکر این سخن باشند اما روی هم رفته در تقسیم‌بندی مقاله، جزو گروه نخست محسوب می‌شوند.

۱۳ - روایاتی از طریق همه گروههای اسلامی، حتی شیعه، نقل شده با این مضمون: «المسلمون تکافؤ»

دماهم = خون مسلمانان هم سنگ است.»

۱۴ - وسایل الشیعه: ج ۱۸، ابواب حد زنا.

۱۵ - با تأسف، ممکن است تعدادی از خوانندگان جانب‌گرای، این نوشته نگارنده را متجری در مقابل حکم خدا قلمداد کنند (نمودبالله من هذا و من همزات الشیاطین) اما چنانکه در گذشته یاد

شد، این آیاه و چراها برای تحقیق و جستجو است، نه برای اعتراض به شریعت، و بلکه برای تأیید نظریه مساوات. زیرا نظریه تفاوت یک استیباط است، نه حکم خدا و شریعت غرا، تا بر این فقیر خرده بگیرند.

۱۶ - شیخ طوسی در النهایه: «وقد روی انهم یقتلونها و یودی اولیائها تمام دیه الرجل البیهم.» نقل از مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، باب ۳۰، از ابواب قصاص النفس، شماره ۳.

۱۷ - آیات متعددی چون: (مائده، ۸)، (آل عمران، ۱۸)، (نساء، ۱۳۵)، (اعراف، ۲۹).

۱۸ - منظور از جنین، قبل از پیدایش روح و هنگامی است که خلقت جسمانی او تمام شده باشد. چه آنکه قبل از این برای هر مرحله از نطفه گرفته تا وقتی گوشت و استخوان برود، مقدار ۲۰ دینار در نظر گرفته شده که جمعاً پنج مرحله و صد دینار است. اما پس از آنکه روح در آن دمیده شد دیه کامل انسان به او تعلق می‌گیرد.

۱۹ - التهذیب، جلد ۱۰، کتاب قصاص، الاستبصار، جلد چهارم، ص ۲۶۳ تا ۳۰۲.

۲۰ - «یونس عن ابن مسکان عن ابی عبداللہ قال: اذا قتل المسلم یهودیاً او نصرانیاً او مجوسیاً فاراد ان یقیدوا ردوا فضل دیه المسلم و اقادوه.»

۲۱ - مانند روایت شیخ طوسی که گفته است: «علی عن ابیه عن التوفلی عن السکونی عن ابی عبداللہ قال: امیر المؤمنین فی ذکر الصبی الذیة و فی ذکر العتین الذیة. = از علی، از پدرش نوفلی، و او از سکونی، از امام صادق روایت کرده که گفت: امیر المؤمنین فرموده: در قطع آلت تناسلی پسر بچه و مرد عتین، دیه انسان (بطور کامل) ثابت است»

۲۲ - سبیل السلام، چاپ بیروت، دار احیاء، جلد سه، ص ۲۴۴ و ۲۴۵، ۲۳۶ و ۲۳۷.

۲۳ - علت آن در صفحات قبل آمده است.

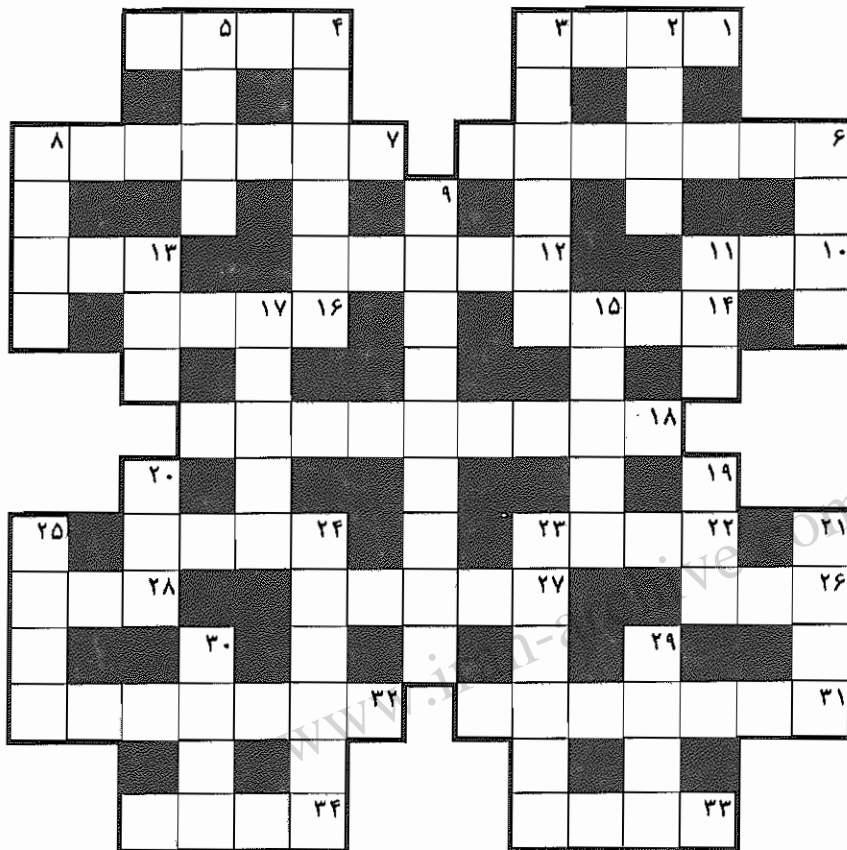
۲۴ - نیل الاوطار، جلد هفت، ص ۱۸ تا ۲۲ و ۷۰ تا ۷۷.

۲۵ - ولی به روایت دیگری، مالک و شافعی هیچ تردیدی در قصاص مرد برای قتل زن نداشتند و به نقل شوکانی در کتب این دو مذهب اصلاً سخنی از عدم قصاص نیامده است و ما سخنان آنان را آوردیم.

۲۶ - اذا جنی الرجل علی امرأته هو عقلاها و لم یقتص منه



جدول



● از راست به چپ

۱- تنگی و سختی ۲- بالین ۳- مبارز
 آزادپخواه آفریقایی ۷- شاهراه ۱۰- بنیاد و
 نژاد ۱۲- سخت و مشکل ۱۳- آفت ۱۴-
 شوهر خواهر ۱۶- شکر و درود ۱۸- کتابی از
 چارلز دیکنز ۲۲- غیبگو و مرد روحانی
 مصری ۲۴- جوازش وارو است ۲۶- شماتت
 و سرزنش ۲۷- موسیقی و آهنگ ۲۸- پایه و
 ستون ۳۱- خنیاگر و ساززن ۳۲- موسم گرما
 ۳۳- گردآوری شده ۳۴- فرقه‌ای مذهبی در
 هندوستان.

● از بالا به پایین

۲- رکن و پایه ۳- نثر ۴- مستنطق ۵- آبراه
 طبیعی بین دو دریا ۶- مهار ۸- ترس و بیم ۹-
 عنوان کتابی از شیلر ۱۱- سر و لغزنده ۱۳-
 توسعه ۱۵- مدل و الگو ۱۷- درشتی ۱۹-
 دمنق ۲۰- دست نخورده ۲۱- وزین ۲۳- از
 وسایل پای سفره ۲۴- ظرف مقیاس ۲۵-
 صدای ناقوس ۲۹- آسیب و صدمه ۳۰-
 تاهی

اولین دوره «زنان» با جلد زرکوب منتشر شد.
(سال اول و دوم)

علاقه‌مندان می‌توانند مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰،
 بانک ملی ایران، شعبه سمیه، کد ۵۲۹ واریز نمایند و کپی فیش را همراه با
 آدرس خود به نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ ارسال
 فرمایند.

هزینه ارسال با پست سفارشی به عهده «زنان» است.



ماریا استفن

ترجمه مینو اقبال آل آقا

به پسر تان پیاموزید: زن محترم است!

لایق و صلاحیتداری که بعدها همسر، همکار و رئیس آنها خواهند بود را ندارند، مبارزه کنیم.

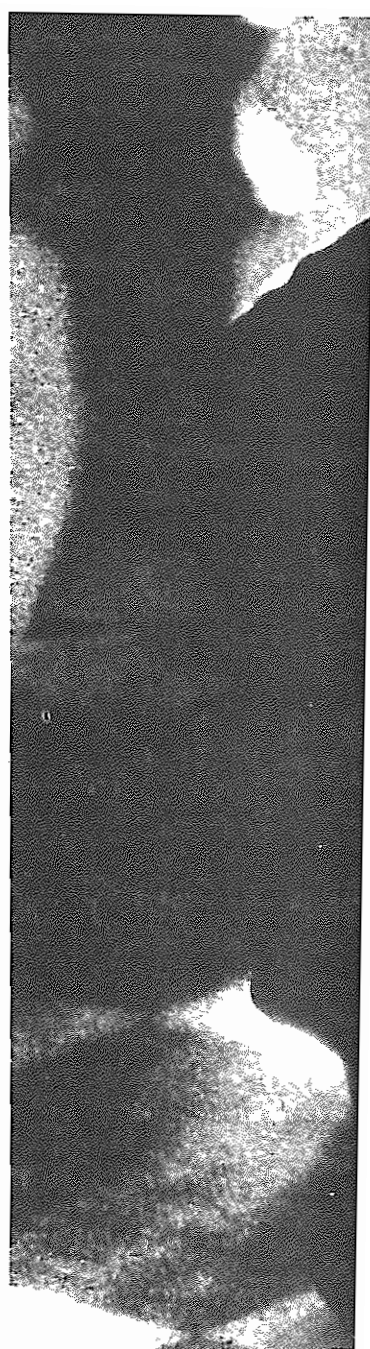
شکی نیست که تربیت و پیشرفت یک پسر ۱۹ ساله، وظیفه‌ای است سنگین که نیاز به جسارت و بی‌باکی زیادی دارد. ما اکنون در یک دوره انتقالی زندگی می‌کنیم، دوره‌ای که جامعه با توقعات و انتظارات جدیدی روبروست. فکرش را بکنید اگر ما والدین، وظایف خود را در نیابیم، چه بر سر پسرانمان خواهد آمد. یک پسر از همان بدو تولد و به طور کلی در تمام مراحل زندگی به عنوان یک مرد کوچک با کوهی از پیامها و القانات مختلف در مورد مرد بودن خود روبروست که این پیامها کاری جز مغشوش کردن افکار او ندارند و از طرفی باعث مشکلتر شدن کار والدین در تربیت آنها می‌شود. در اینجا

متغیر فردا به عنوان یک مرد، کار خود را پیش برد یا نه؟

اگر فرض کنیم آماده کردن دخترانمان برای دنیای فردا شیوه‌ای درست و ضروری است، آیا واقعاً در مورد پسرهایمان نیز چنین تفکر آینده‌نگرانه‌ای داریم؟ شاید خیر. حتی در خانواده‌های مترقی هم هنوز نوعی حس برتری نسبت به نقش مردان وجود دارد. ما دلمان می‌خواهد که پسرانمان برای خود و دیگران افرادی قدرتمند، لایق، شفیق و دلسوز و قابل احترام باشند و در عین حال از این می‌ترسیم که مبادا افرادی ناتوان و ضعیف به حساب آیند و نتوانند از حقوق خود دفاع کنند. شاید وقت آن باشد که با عقاید آن نسل از مردانی که در آینده، توانایی همتایی با زنان

پسر هفت ساله‌ام شمشیر پلاستیکی‌اش را در دست دارد و با دزدهای خیالی می‌جنگد. دستهایش را دور گردن یکی حلقه کرده و ضربه‌ای به دیگری می‌زند و می‌گوید: «هی، تو مُردی!» او مانند تمام مردان نسل قبل، شیفته تحرک و ماجراجویی است، مخصوصاً اگر این اعمال با مشت و لگد هم همراه باشد! او علاقه چندانی به بازیهای جمعی، کار با اسباب‌بازیهای فکری یا جمع‌آوری لباسهایش ندارد اما به راحتی تن به بازیهای خشن و پرسروصدا می‌دهد و در بیان غم و همدردی هم بسیار بی‌توجه است و در واقع مانند مردان نسل قبل، همان شعار مطرح «قدرت موقت می‌آورد» را پیش گرفته است. گاهی که به رفتارش فکر می‌کنم، نگران می‌شوم که آیا او می‌تواند در دنیای





نگاهی داریم به آنچه که وسایل ارتباط جمعی القا می‌کنند.

◀ آسیب‌ناپذیری پسرها:

هنگام تماشای تلویزیون، پسر شما پیامهای بسیار گویایی در مورد نقش پسرها و دخترها در اجتماع دریافت می‌کند. در بیشتر فیلمهای کارتون، کارهای خشن و بی‌رحمانه و جنگ و ستیز به عهده پسرهاست، در مقابل دخترها معمولاً نقشهای داخل خانه را به عهده می‌گیرند، با عروسکشان ور می‌روند و جیغ و داد راه می‌اندازند. در سینما هم پیامها بهتر از این نیست. وظیفه کلی پسرها در این فیلمها غلبه بر ترس و پیشدستی کردن بر دشمن است. در بیشتر این فیلمها پسران قهرمانی هستند که روحیه دلآوری، اقتدار و شایستگی را در مردان به نمایش درمی‌آورند،

حالات و صفات لازمی که باید در آنجا وجود داشته باشد، همان صفات مشخصه‌ای که ما انتظارش را داریم. اما اشکال کار کجاست؟ آنگاه سیلوآشتین، مشاور مشکلات خانوادگی، می‌گوید: «پیام اصلی در این برنامه‌ها این است که پسرها قادرند بدون این که از چیزی واهمه داشته باشند، از عهده هر کاری برآیند. البته اینها دور از واقعیت هم نیست و به دلیل همین خودستاییها و دلیریها، پسرها هرگز تنها ماندن را دوست ندارند.» او می‌افزاید: «یکی از بزرگترین ترسهای که در بچه‌ها وجود دارد این است که والدینشان آنها را ترک یا فراموش کنند. متأسفانه چنین فیلمهایی روی احساس طبیعی نامنی در پسران تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که آنها با نوعی احساس نادرست روبرو شوند: یک پسر واقعی باید با ترس خود مبارزه کند و باید یک تنه دشمنان ناباب خود را از پا درآورد.»

با در نظر گرفتن القائات و پیامهای آسیب‌ناپذیری و خشونت در پسران، به سادگی درمی‌یابیم که چرا آنها معمولاً دنبال بازیهای خشن و پرسروصدا می‌روند و این که چرا تفهیم پیامی این چنین روشن، یعنی «مرد واقعی بودن» این قدر مشکل به نظر می‌رسد. در تک تک مراحل که یک پسر تا رسیدن به دوران بلوغ طی می‌کند، وظیفه مادر به عنوان یکی از والدین بسیار گیج‌کننده است.

◀ تغییرات در پسرها چگونه است:

مانند اکثر پسرها، کنترل پسر قبل از سن ۵ سالگی، یعنی زمانی که به پسر بودن خود پی ببرد، کاری ساده بود. رشد او از یک الگوی معمولی پیروی می‌کرد، از زمانی که حیوانات را در آغوش می‌گرفت تا زمانی که به مرحله مرد شدن رسید.

تا سن دو - سه سالگی تغییرات رفتاری بین پسرها و دخترها آنچنان محسوس نیست. این سنین زمانی است که پسرها با دخترها با هم خانه می‌سازند و از اینکه یکی نقش پدر و یکی نقش مادر را بازی کنند لذت زیادی می‌برند.

در سن سه سالگی بچه‌ها کم کم در می‌یابند که پسرها و دخترها با هم اختلافهایی دارند، البته به صورت خیلی سطحی، در اندازه قد و قامت، فرم موها و لباس پوشیدن، و درمی‌یابند که صفات زنان و مردان قابل معاوضه نیست.

در سن چهار - پنج سالگی، پسرها کم کم فکر می‌کنند که تمایزاتی با دخترها دارند اما

● یک پسر در تمام مراحل زندگی با کوهی از پیامها و القائات مختلف در مورد مرد بودن خود روبروست که افکار او را مغشوش و کار والدین را در تربیت وی دشوار می‌کند.

همچنان در بسیاری موارد دخترها برایشان قابل قبول هستند. یک پسر ممکن است در این سن بهترین دوستش هنوز یک دختر باشد و حتی حرفهایی درباره ازدواج با هم بزنند!

اما زمانی که به سن مدرسه می‌رسند ناگهان موضوع به وضوح عوض می‌شود. درباره اینکه غریزه یا تربیت در این امر دخیل است، بسیار بحث شده است اما به هر حال پسرها در این سن می‌خواهند برخلاف اعمال ثابت و یکنواخت و کلیشه‌ای قبلی رفتار کنند. به نقل از گزارش رافائل بست انسان‌شناس و محقق که مدت چهار سال در مورد رفتارهای کودکان دبستانی تحقیقاتی انجام داده است، پسرها در کلاس دوم دبستان باید بر آنچه که حتی در ظاهر به جنس مؤنث بستگی دارد و یا آنچه مربوط به اعمال و احساسات آنهاست غلبه کنند و آنها را در خود ریشه‌کن کنند. تمایل دارند قوی و خشن باشند و هرگز هم گریه سر ندهند.»

با در نظر گرفتن این نیروها و تواناییها در شکل‌گیری زندگی یک پسر و با در نظر داشتن وسایل ارتباط جمعی، و قهرمانان داستانها، می‌توانید حدس بزنید که چگونه می‌توانید نقشی مثبت در زندگی پسران داشته باشید. دکتر ژوزف پلاک، روان‌شناس و محقق است که در باب نقش جنسی مردان و زنان در مرکز دانشگاه ولسلی در ماساچوست تحقیق می‌کند. وی که یک پسر پنج ساله دارد، می‌گوید: «شما بسیار قدرتمندتر از آن هستید که فکر می‌کنید، در واقع شما و همسران مؤثرترین عامل در زندگی پسران هستید. ممکن است این اثرات تا بزرگسالی او آشکار نشود، اما در هر حال در وجود او نهفته‌اند.»

◀ رفتار یکسانی با دختر و پسر خود داشته باشید:

یکی از بهترین راههایی که می‌توانید اقتدارتان را به کار بگیرید، این است که در خانه برای فرزندانان الگویی یکسان در نظر بگیرید و با دختر و پسر خود رفتاری مشابه داشته باشید. با این روش پسرانان چنین می‌آموزند که زنان از احترام و ارزش یکسانی با مردها برخوردارند و آنها را نباید به عنوان

● با در نظر گرفتن الگوی یکسان در خانه، پسران می آموزند که زنان از احترام و ارزش یکسانی با مردها برخوردارند و آنها را نباید شهروندی از طبقه پایینتر و یا مفعول جنسی به حساب آورد.

همکارانتان به شما می گذارند درک کند. دائماً در مورد مسائلی که در محیط کارتان به تنهایی برطرف کرده‌اید با او صحبت کنید و از بیان موفقیت‌هایتان ابا نداشته باشید.

مادرانی که تکیه‌گاهی برای شوهران خود هستند نیز نقش مهمی در ایجاد حس احترام ایفا می‌کنند. لازم است که پسرها چنین جملاتی را از پدر خود بشنوند: «من به وجود مادرت افتخار می‌کنم»، «او در انجام کاری که با این سختی انجام می‌دهد پیشرفت‌های زیادی داشته است». نه اینکه «مادرت باز هم کلید را جا گذاشت، او خیلی حواسش پرت است.»

پسرها با مشاهده روابط والدین خود نیز می‌توانند در مورد روابط بین زن و مرد درسهایی بگیرند: مثلاً پسری که همیشه شاهد تصمیم‌گیریهای مشترک مادر و پدرش است، از خرید اتومبیل گرفته تا تعیین مقصد برای تعطیلات و یا ترتیب دادن یک مهمانی ساده شام.

چنین مادرانی مسیر درستی را انتخاب کرده‌اند. مادران باید در حرف و عمل به پسران خود این پیام را بدهند که اگر می‌خواهند در محیط کار ترقی کنند و از روابط خود با دیگران کامیاب و خوشنود باشند، باید اصل احترام متقابل را در نظر گیرند.

می‌دانند، فرزندان خود را با نوعی مناعت‌طبع و خوش‌بینی بار می‌آورند. آنها اغلب در تحصیلات به مدارج بالایی، حتی بالاتر از والدینشان، دست می‌یابند و در انجام فعالیت‌های اجتماعی و حل مشکلاتشان بسیار موفقند. پسرهای چنین پدرانی افرادی با اعتماد به نفس بسیار و کارآمد بار می‌آیند.

در شرایطی که پدران در تربیت پسران خود نقش فعالانه‌ای از خود نشان داده‌اند پسرانشان توانسته‌اند به شیوه‌های مختلفی به کسب مهارت‌ها بپردازند. دکتر ماریام میدزیان نیز چنین می‌گوید: «پسرها می‌آموزند که چگونه صبورتر و دلسوزتر باشند و از خشونت بپرهیزند. آنها خواهند آموخت که مردان هم می‌توانند در کنار کارهای خارج از منزل مانند تعمیر اتومبیل، از کودکان نیز مراقبت کنند. در واقع عقیده آنها نسبت به آنچه ظاهراً معنای واقعی مرد بودن است تبدیل به بهترین حس ممکن خواهد شد.»

۲ - مادرانی که الگوی خوبی در زندگی کودکان خود هستند.

چگونه یک پسر بچه قادر است برای جنس مخالف خود توجه و احترام لازم را قائل شود؟ باز هم برمی‌گردیم به نقش الگوسازی که مهم‌ترین و پایدارترین پیام و اثر را برای برقراری حس تساوی بین زن و مرد

شهروندی از طبقه پایینتر و یا مفعول جنسی به حساب آورد. مثلاً می‌توانید پسران را موظف کنید تا در کارهای خانه، غیر از آن کارها که صرفاً کار مردهاست، مانند آشپزی یا شستن لباس‌های همکار می‌کند. وقتی او را در انجام امور خانه شرکت دادید، چون خود او نیز سهم در کارهاست، دیگر آنها را «کار زنها!» به حساب نخواهد آورد و در ضمن بیشتر در برابر امور اطرافش توجه و احساس مسئولیت نشان خواهد داد.

باید با پیامهایی که در مدرسه و در محیط بازی او را تشویق و ترغیب کرده است تا «فرد خشنی» باشد و احساسات پرشوری داشته باشد، مبارزه کنید و به او بفهمانید که گریستن یا احساس ترس هم گاهی لازم است.

در حالی که شما سعی دارید این حالت کاذب مردگرایی را در او از بین ببرید، بعضی عوامل خارجی ممکن است عملکرد شما را دچار اشکال کند. پادزهر قویتر دیگری که می‌توانید به کار بگیرید، بحث و گفت‌وگو با اوست با بیدار کردن وجدان او تأثیر عمیق‌تر و پایدارتری را در او ایجاد می‌کند که خودش قادر به ایجاد تمایز میان خوب و بد می‌شود.

با این کارها آنها پذیرای مسائل آینده خواهند شد. اما غیر از تمام موارد ذکر شده، دو عامل اصلی دیگر وجود دارد که عمیقاً روی آنها نفوذ دارد:

● برای برقراری مساوات بین زن و مرد، هیچ پیامی روشنتر و مؤثرتر از این نیست که پدری خود را در پرورش فرزندان مانند مادر سهم بداند.

● اگر پسران شاهد احترامی است که همکاران شما برایتان قائلند، احتمالاً به همان اندازه‌ای که برای مردان احترام قائل است، زنان را در مسیر رشد خود محترم خواهد شمرد.

شاید امروز توانیم رویه‌ای را که تلویزیون یا وسایل ارتباطی در نشان دادن جنس مذکر پیش گرفته است تغییر دهیم و شاید نسل‌ها زمان لازم باشد تا توقعاتی را که از «زن و مرد بودن» در افکار مردم نقش بسته، دگرگون کنیم، اما باز رفتاری که ما به عنوان والدین نسل آینده داریم و با یکسان نگرستن به هر دوی آنها در خانه و در اجتماع، از امروز تا فردهای دور می‌توانیم بهترین اثر را روی افکار و اندیشه پسرانمان بگذاریم.

تشکیل می‌دهد. بنابراین اگر شما زنی هستید که در خانه و محل کار از احترام کافی برخوردار هستید و پسران شاهد این قضیه است، می‌توانید احتمال بدهید که او به همان اندازه‌ای که برای مردان احترام قائل است، آنها را نیز در مسیر رشد خود محترم خواهد شمرد. اما در هر حال تنها این کافی نیست که او بداند شغل شما چیست. او باید در جریان چگونگی کار شما قرار بگیرد. برای اینکه حس همکاری و مشارکت شما را در محیط کار حس کند، او را با خود به محل کارتان ببرید تا بتواند از نزدیک شاهد آنچه که شما انجام می‌دهید باشید و احترامی را که

۱- پدرانی که در بروز اندیشه‌های پسران خود بطور فعالانه سهم هستند.

برای برقراری مساوات بین زن و مرد، هیچ پیامی روشنتر و مؤثرتر از این نیست که پدری خود را در پرورش فرزندان مانند مادر سهم بداند. پدری از همان ابتدا که عهده‌دار رسیدگی به سر و وضع، تغذیه و تربیت پسرش است، جای تعجب نیست که پسر او هم به بچه‌ها عشق بورزد و در هر فرصتی از مراقبت آنها لذت می‌برد. وی مانند پدرش، بدون هیچ گله و شکایتی در انجام امور خانه تشریک مساعی می‌کند.

پدرانی که در امور خانه خود را شریک



راهنمای زنان

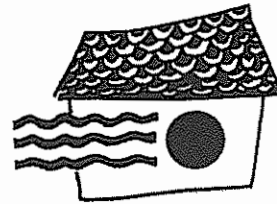
تلفن: ۶۲۰۳۷۷ - ۶۲۹۳۷۱



سفره عقد

تزیین میز نامزدی و میز غذا

تلفن ۸۰۰۱۷۴۸



کلیه آرایش

ویژه بانوان با مدرنترین متد آرایش

ارائه کننده کلیه خدمات آرایشی در کلیه زمینهها

آدرس: شهرک غرب - ایستگاه دریا - خیابان ناخدا

محتاج جنب پلاک ۲۱ تلفن ۸۰۷۶۸۷۲



دوره بانوان

موسسه کلارا

رفع لاغری و چاقی، کلیه خدمات پوستی
الکترولیز با مجهزترین وسایل برقی و ورزشی
با مشاوره جراح ترمیم پوست و متخصص با

تحصیلات عالی

تلفن: ۶۵۴۳۰۲



گیاه دارویی بوعلی

مرکز گیاهان دارویی و عرقیات سنتی

آدرس: قم خیابان باجک پاساژ خیبر دفتر مرکزی دارو

گیاهی بوعلی تلفن: ۲۵۹۳۰

آدرس: خیابان ارم پاساژ قدس درب دوم پلاک ۱۱۵ گیاه

دارویی بوعلی تلفن: ۲۷۴۷۶

داروی ضد چاقی و لاغری، کوچک نمودن شکم،
کالاهای بهداشتی و آرایش گیاهی، عرقیات سنتی، رفع
ریزش مو، ابرو، موزه، شوره سر، موخوره، خارش سر،
جوش سر، جوش و لک و چین و چروک صورت، داروی
رفع غم و اندوه و نگرانی و عصبانیت سر درد، میگرن،
دلرد تنظیم عادت ماهانه بانوان، رفع دردهای ماهانه
بانوان، سینوزیت، قند و چربی، آسم، رماتیسم، واریس،
سیاتیک، نقرس، آرتروز، تقویت چشم، و حافظه و بدن
و اعصاب و قوه‌ها، داروی زخم معده، نفخ معده، ورم
معده، داروی کلیه، کم خونی، معجون نشاط آور،
خرناسه، ترک سیگار و تریاک، بماد سوختگی، بماد ترک
شکم، قطره گوش و بینی، بواسیر، کهیر و آلرژی،
یبوست، اشتها آور، داروی معجون تقویتی بدن، رفع
وسواسی، داروی انگل و جانور، شب اندازی بجهها،
داروی رفع ترس شبانه اطفال، قرص نیروزا برای
ورزشکاران، کپسول زیبایی اندام و عضله، کرم دور
چشم، کرم سفیدکننده صورت، پودر جرمگیر و سفید
کننده دندان و رفع بوی دهان، انواع روغنیجات طبی
گیاهی، انواع صابونهای طبی گیاهی، انواع رنگ مو،
انواع بذر، گیاه دارویی بوعلی در خدمت بهداشت و
سلامت جامعه در حد توان تمام نیازهای دارویی شما را
با بهترین بازدهی و بدون عوارض جانبی در
بسته‌بندیهای تمام اتوماتیک بهداشتی برآورده
می‌سازد.

تولید کننده
کارخانجات
و بیمارستانها

کلیه البسه مورد نیاز
تولید کننده
زنجیر پوش وزارت صنایع

مرکز تولید و فروش
کلیه البسه مورد نیاز
تولید کننده
کارخانجات
و بیمارستانها

دفعه مرکزی و فروشگاه: تهران تلفن ۸۱ - ۶۴۳۴۳۸۰ فاکس ۹۲۴۰۹۲
کارخانه: شیراز - تلفن ۸۱ - ۳۳۱۰۸۰ (۰۷۱) فاکس ۳۳۱۰۸۰ (۰۷۱)

کهنکشان

خانه و محل کار شما را
مشاره پاران میگذرد
دفتر خدمات کهنکشان

نامی آشنا برای همه خانواده‌ها

متخصصان ورزیده کهنکشان با یک تلفن کلیه
وسایل برقی - الکتریکی و الکترونیکی شما را در
منزل تعمیر و تحویل می‌دهند.

سرویس و تعمیر انواع تلویزیون - ویدئو -
وسایل صوتی لباسشویی - یخچال - فریزر -
جاروبرقی و آبگرمکن گازی و نفتی فقط توسط
متخصصان کهنکشان

تلفن ۶۴۳۲۹۰۰ - ۶۴۲۷۲۷۰

ماساژور دستی هور

طراحی بر اساس طب فشاری

فروش در کلیه داروخانه‌ها، فروشگاههای ورزشی و بهداشتی.



از شهرستانها، لوازمی فعال پذیرفته میشود
نمایندگی مشهد ۲۹۲۶۸

شامپو دنا

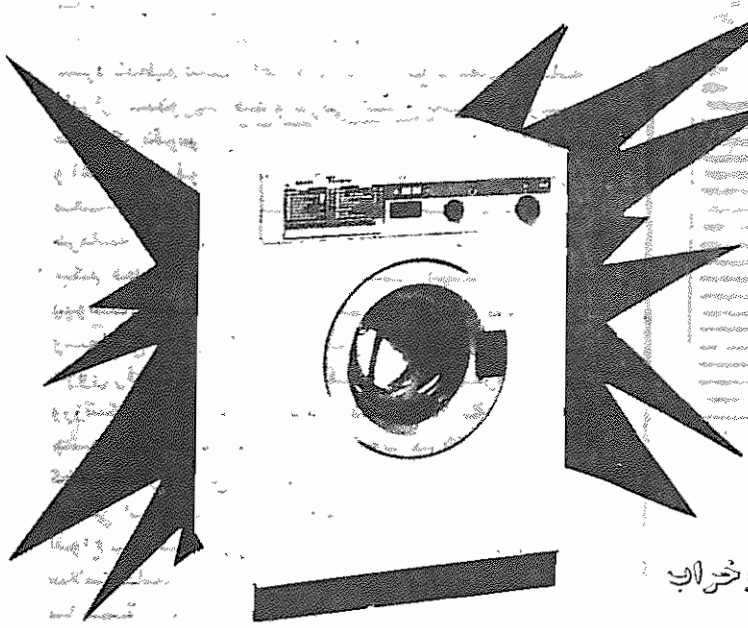
حتی یک مو از سر شما کم نمی‌شود

شامپو دنا در سه نوع گیاهی برای موهای چرب، تخم‌مرغی برای موهای نرمال، عسلی برای موهای خشک

تلفن مرکز پخش ۹۵۴۰۱۳
۴۰۷۹۷۵۱

آموزش سفره‌آرایی و تزئین غذا و میز تولد کودکان

با انواع سبزیجات و میوه‌جات
۶۰ مدل در دو جلسه
میدان ونک - تلفن ۸۸۸۵۸۷۴



خدمات مرکزی ایران

تعمیر و بازسازی انواع لباسشوییهای اروپایی و آمریکایی

خریدار انواع لباسشویی‌های سالتور و خراب

فروشنده انواع قطعات لباسشویی و فریزر
(با سرویس، تجهیز زیر نظر متخصصین، مجرب، جنرال الکترونیک)
(۹۷۹۷۳۲-۹۶۵۷۷۱۸)

خانه موی ایران

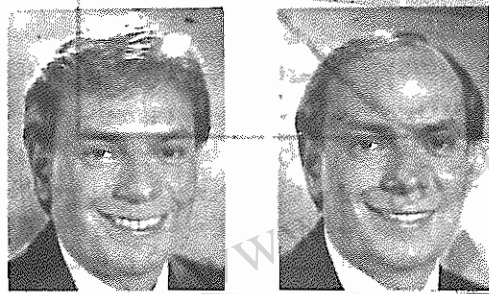
جدید

(ویویگ راشل سابق) اولین مؤسسه نرم مر در ایران

خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود را از دست داده یا می دهند ما نسخه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در آمریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش بیگیر متخصصین مو در آمریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تا دو تا ده هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد ما این متد کاملاً جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست رونیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی نماند و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که موهایتان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به فرم دلخواه کوتاه کنید. بعد از تثبیت مو چنانچه مورد نیازتان واقع گردید وجهه امرا بیدارید ضمناً فراموش نکنید متدهای فوق الحداثی به مراسم بعدی ندارد.

تلفن: ۸۹۸۴۳۳

تهران خیابان ولی عصر جنب سینما آریقا (آتلانتیک سابق)



آرایش نسرين

خدمات پوستی و زیبایی صد درصد گیاهی و لاک

برطرف کردن موی صورت

خیابان سهروردی شمالی
بالا تر از چهارراه شهید بهشتی
کوچه شهرتاش پلاک ۶۷
تلفن ۸۶۰۰۶۱۸

سالن آرایش و زیبایی

اکسپرت نفوس

کلید خدمات پوستی و زیبایی

رفع چین و چروک، و آرایش بهداشت پوست و مو جلوگیری از ریزش مو، رفع جوش و لک برطرف کردن موهای صورت، آرایش عروس و عترافان زیر نظر متخصص

تلفن ۸۸۹۳۰۹۲

خیابان کریمخان خیابان میرزای شیرازی شماره ۳۴ تلفن ۸۸۹۳۰۹۲

ویژه بانوان

تدریس خصوصی

کلید موارد

زیبائی و الکترو لیز

فقط در دو جلسه

فروش دستگاه

در سطح بین المللی

تلفن ۸۰۱۵۰۳۹

مجمع عمومی سرگودشت

عقد شکار آموز

از خهران و برداران ای رشته های تربیتی نماید

عام کامپیوتر اپراتوری تکس

فکس و حسابداری عمومی

نقشه کشی و نقشه برداری

رادیو تلوویزیون سیار سفید

ماشین نویسی و تایپ دو زبان

آموزش آرایش و زیبایی آتالی

مدرس ویژه دهنم سطوح

از وزارت کار

میدان امام حسین اول انقلاب

تلفن ۷۵۵۹۹۵-۷۵۲۹۴۵

تلفن ۸۹۳۲۲۱-۸۹۳۲۲۰

خانمهای عزیز

با حداقل هزینه و هر اندازه صرف وقت که برای شما مقدور باشد می توانید به کمال ایده آل خود در خصوص تامین بهداشت زیبایی پوست و موی خود برسید

تماس برای تعیین وقت به استثنای تعطیلات

همه روزه: صبحها از ۱۰ الی ۱ بعد از ظهر

عصرها از ۵ الی ۸ شب

تلفن ۲۴۱۵۳۴



❖ یکی از مهمترین نکاتی که باید بیاموزید و به آن عمل کنید، این است که وقتی از چیزی یا کسی خوشتان نمی‌آید به راحتی «نه» بگویید و «نه» دیگران در مورد خودتان را هم به راحتی بپذیرید. این کار به نظر خیلیها کار مشکلی است و علت آن هم این است که آنها برای لغت «نه»، معنیهای مجازی و بی‌اساس مهمی می‌تراشند. شما باید بدانید و قبول کنید که گفتن «نه»، فقط بیان ساده‌ی یک ترجیح است، همان طور که یک کودک وقتی غذایی را نمی‌خواهد بخورد و یا دوست ندارد بازی کند، «نه» می‌گوید. بنابراین برای این لغت نباید بیش از اندازه خودش، معنی و مفهوم قایل شوید. ■■

بسیاری از مردم، «نه» گفتن را اصلاً بلد نیستند و یا آن را بد و زشت می‌دانند. خوب است با یکی از این گونه اشخاص، یعنی یک آقا آشنا شویم: این شخص بسیار خوش اخلاق، خوش برخورد و اجتماعی است و لبخند ملیحی همیشه چهره‌اش را زینت می‌دهد. او برای هر مسئله‌ای و در هر زمینه‌ای، طرحی و نظری و ادعایی دارد و خودش را همه‌کاره می‌داند و نتیجه‌ی همه اینها این است که انسان باورش می‌شود که همیشه

راحت

«بله» نگوید!

مارتین شبارد
ترجمه علی اندیشه

● در حقیقت این «نه» گفتن دیگران نیست که درون ما را آزوده می‌سازد، بلکه نوع برداشت ما از آن و نحوه برخورد خودمان است که سبب بروز انفعال در ما می‌شود.



روبر او پر از دستداران و علاقمندان شد. واقعاً هم همین طور است، زیرا با همه بیلی زود خودمانی و صمیمی می‌شود. از بصوصیات دیگر او، یکی هم این است که وقت کسی او را به جایی دعوت می‌کند، بیچ وقت «نه» نمی‌گوید و به راحتی می‌پذیرد. بته این کارش یک اشکال دارد: از آنجا که ر دعوتی را قبول می‌کند و هر تعهدی را نپذیرد، در نتیجه تعدادی از تعهدها و قول و برارهایش انجام نشده، می‌ماند و به بلف و وعده و بدقولی می‌انجامد. او مرتباً جبور می‌شود بعضی از قول و قرارهایش را هم بزند و آنها را به وقت دیگری موکول ند، زیرا خیلی وقتها در یک زمان معین، به ند جا قول می‌دهد و در نتیجه گاهی اصلاً ارش را فراموش می‌کند و یا با چند ساعت خیر در آنجا حاضر می‌شود. بدین جهت او جبور می‌شود که دائماً از بدقولیها و خیرهایش از دیگران معذرت بخواهد و قرار زهای بگذارد ولی کماکان همان اشکال می، یعنی فراموش کردن و تأخیر و بدقولی فی می‌ماند و تکرار می‌شود. البته شهرت لبه این شخص این است که مردم می‌گویند: دم خوبی است.» ولی آنهایی که او را از دیک می‌شناسند، می‌گویند: «بیلی، آدم خوبی ست ولی غیر قابل اعتماد و فاقد احساس ثولیت است.»

حالا با یک خانم از این گونه افراد آشنا بوم. زنی روان پزشک، که همیشه سعی نکند خود را «خوب و مهربان و همیشه اده کمک به دیگران» نشان دهد. هر وقت سی به مشکلی برخورد می‌کند، او داوطلبانه ای کمک اعلام آمادگی می‌کند. اگر کسی ل بخواهد، به او می‌دهد و هنگام راندگی، . سر راه خود، دیگران را، حتی اگر نصلدشان دورتر باشد، سوار می‌کند و به صد می‌رساند. اگر شما عازم یک مسافرت . روزه آخر هفته باشید، او حاضر است که فرزندان شما نگهداری کند و به آسانی ،گوید: «اشکالی ندارد. فردا کمی قبل از رکت تلفن می‌زنید، تا کار انجام شود.» ولی تی فردا به او تلفن می‌کنید پیدایش نمی‌کنید. نام می‌گذارید و منتظر می‌مانید ولی خبری ر شود. در پایان مهلت، تصمیم می‌گیرید که نامه‌هایتان را به هم بزنید و چاره دیگری بدیشید که او البته با تأخیر با شما تماس ی‌گیرد و معمولاً پس از یک سری رخواهیها می‌گوید که: «تقصیر این منشی اتوجه من است که پیام شما را دیر به من مانده است.»

وقتی برای اولین بار با این خانم دکتر آشنا شدم تأثیر زیادی روی من گذاشت. من در وجود او یک همکار مطلع، خونگرم و با شخصیت دیدم. البته تا این اواخر مسئله‌ای پیش نیامده بود که باعث شود من چیزی از او بخواهم و فقط شاهد بودم که چگونه برای هر کمک داوطلبانه‌ای به دیگران آماده است، تا اینکه برای من مسافرتی پیش آمد و من به کمک کسی در غیابم احتیاج داشتم و او هم با کمال میل اعلام آمادگی کرد که در این امر به من کمک خواهد کرد. ولی در روز موعود که باید قرار و مدارها گذاشته می‌شد، از او خبری نشد و تماسها هم فایده‌ای نبخشید، تا اینکه من با عجله و به طور اضطراری کارم را به دیگری سپردم و به مسافرت رفتم. در بازگشت که او را دیدم و گله کردم که چرا بدقولی کرده و اگر نمی‌تواند کاری را به عهده بگیرد و یا وقتش را ندارد چرا اصلاً قبول می‌کند، عصبانی شد که چرا او را دروغگو نامیده و به قول خودش به «شخصیت» او توهین کرده‌ام و با داد و فریاد از اطاقم بیرون رفت. این پایان آشنایی من با او بود. من مطمئنم که این خانم دکتر در آینده نیز دوستان دیگری را هم از دست خواهد داد، زیرا کسانی که او را از نزدیک می‌شناسند، از کارهای او عصبانی خواهند شد و شخصیت ادعایی او را جلدی نخواهند گرفت.

خانم دیگری را می‌شناسم که چون همه از مثلاً علاقه‌اش به کودکان خبر دارند، همسایگانش روز و شب از او می‌خواهند که بچه‌هایشان را پیش او بفرستند و او از آنها مواظبت کند تا آقا و خانم مثلاً به خرید یا میهمانی و یا به سینما بروند. این خانم هم چون نمی‌تواند «نه» بگوید، فوراً قبول می‌کند و در نتیجه همیشه خانه‌اش مانند کودکستان، شلوغ و پراز سروصدا و خنده و گریه بچه‌هاست. البته او می‌خواهد از این طریق یک کار انسانی انجام دهد و حسن شهرت و مجبویت کسب کند ولی از طرف دیگر مسلم است که در مدت کوتاهی اعصابش خرد خواهد شد و سلامتی روانی خود را از دست خواهد داد.

حالا روی دیگر سکه را هم بررسی کنیم یعنی وضع کسانی را که تحقّل شنیدن «نه» را ندارند. من در این قسمت از بحثم تمام کسانی را مدنظر دارم که در زندگی خود، هیچوقت «ریسک» نمی‌کنند، هیچ وقت به سراغ کار و سرگرمی جدید نمی‌روند، هیچگاه به ابتکار خود با کسی تماس برقرار نمی‌کنند، و اگر هم روزی پیش بیاید که چنین

کاری کنند، در آخر برده آنها خواهند شد و همه اینها به این دلیل است که آنها برای «نه» خیلی اهمیّت قائلند و فکر می‌کنند که در صورت برخورد کردن با یک جواب منفی، دنیا زیوررو خواهد شد.

اصولاً شغل‌هایی وجود دارد که «نه» در بطن آن و از خصوصیات آن است. مثلاً کار در زمینه تأتّر را می‌توان به عنوان بهترین مثال برای این موضوع ذکر کرد و فرقی هم نمی‌کند که هنرپیشگی، کارگردانی، سناریونویسی، مدیریت، یا تهیه‌کنندگی باشد. هرگاه کسی که در یکی از این کارها بوده، مثلاً برای گرفتن کار جدیدی یا دریافت وامی، به جایی مراجعه کنده خیلی امکان دارد که جواب «نه» بشنود. در این صورت، آن عده که از قبل آموخته‌اند و می‌دانند که زندگی توأم با پستی و بلندی است و از این مسائل زیاد پیش می‌آید، به راحتی جواب منفی را تحمل می‌کنند و زیاد ناراحت نمی‌شوند ولی خیلیها هم آن را یک مسئله مربوط به شخص خودشان و توهین به شخصیتشان تلقی می‌کنند و ناراحت می‌شوند.

چرا برای بعضی‌ها سخت است که جواب منفی بدهند و یا جواب منفی دیگران را تحقّل کنند؟ این مسئله‌ای است که به مقوله تعلیم و تربیت مربوط می‌شود. همیشه این طور بوده است که از طرف والدین و معلمان و نیز به وسیله قوانین مثلاً برگرفته از تمدن، به ما این گونه تلقین شده که «باادب» باشیم و احساسات دیگران را خدشه‌دار نکنیم. همیشه به ما این طور وانمود شده که دیگران حتماً باید ما را «دوست» داشته باشند و در نتیجه، بسیاری از ماها تا اندازه‌ای این گونه تربیت شده‌ایم که همیشه احساس می‌کنیم، خودمان در وجودمان یک چیزی «کسر» داریم و کوشش برای «خوب» بودن و توسل به تاکتیک «مورد علاقه دیگران قرار گرفتن» لازم است، تا بدین وسیله ضمیر خودآگاه ما به اعتبار تأیید دیگران، تأیید کند که حالمان خوب است و کم و کسری نداریم و تا تأیید دیگران به دست نیاید ما آدم طبیعی نخواهیم بود.

وقتی شما از چیزی یا کسی خوشتان نمی‌آید هر چقدر هم که سعی کنید خودتان را کنترل کنید و بر اعصابتان مسلط باشید، باز نمی‌توانید از نشان دادن عکس‌العمل منفی اجتناب کنید و از تأثیر منفی این حالت بر روانتان برکنار بمانید. در حقیقت، طوفانی که بر اثر سرکوب کردن احساسات در این حالت، در شما به وجود می‌آید، زیانش خیلی بیشتر از زیان گفتن یک «نه» یا اظهار ساده



چه لزومی دارد که همه مردم از کارها و خصوصیات شما خوششان بیاید؟ سعی کنید همیشه خودتان باشید و نقش بازی نکنید.

تلقی توأم با تأسف یا حداکثر توأم با یکدورت و عصبانیت - را به جای آن دو حالت غیرمنطقی قبلی - تلقی توأم با نابود شدن شخصیت یا توأم با دشمنی و کینه توزی - انتخاب کرده‌اید.

کسی که می‌خواهد به طور جدی به خوددرمانی روانی بپردازد، باید به طور مرتب این مرحله آسان ولی مهم، یعنی مرحله خودآزمایی «د» را به کار ببندد. بیمارانی که به تنهایی، یا به همراه گروه، تحت معالجه روان‌درمانی قرار دارند معمولاً برای اجرای این مرحله، آن‌را به پزشک معالج خود واگذار می‌کنند و خیلی مایلند که این کار به وسیله او صورت گیرد. این اشخاص اگر خودشان بتوانند آن‌را اجرا کنند، دیگر احتیاج به معالجه به وسیله پزشک را ندارند و دیگر دلیلی ندارد که اجرای آن‌را به دیگری واگذار کنند.

دو نکته دیگر هم هست کسانی که جواب «نه» آنها را خیلی ناراحت می‌کند باید در نظر داشته باشند:

۱- وقتی کسی به شما «نه» می‌گوید منظورش نفی کل وجود شما نیست، بلکه فقط بعضی از خصوصیات و مشخصات شما را نمی‌پسندد و بقیه را می‌پسندد.

۲- چه اشکالی دارد که بعضی افراد مشخص از شما خوششان نیاید؟ واقعاً چه لزومی دارد که همه مردم از کارها و خصوصیات شما خوششان بیاید. سعی کنید همیشه خودتان باشید و نقش بازی نکنید. در این صورت همه چیز خود به خود درست خواهد شد و اگر به دست یک فرد مشخص درست نشد، به دست دیگری درست می‌شود.

آخرین قانون این مطلب که به طور کلی به «سلامت روانی» مربوط می‌شود این است: «وقتی چیزی را می‌خواهید دوست دارید و می‌پسندید بهتر است آن را بجوئید و بخواهید و بپرسید و سراغش را بگیرید. حتی اگر در مقابل جستجوی خود جواب «نه» بشنوید باز بهتر است تا اینکه اصلاً آن را جستجو نکنید و نخواهید و در نتیجه هیچوقت به خواسته‌تان نرسید.»

منبع: فصلی از کتاب خوددرمانی روانی

دیگر از دنیایی که این قدر پست و غیراخلاقی است، سیر شده‌ام.

آدم عوضی! حرفهای گنده‌تر از دهانش می‌زند. خیال می‌کند که کیست؟

هر کدام از این تصورات شش گانه شما (ب)، در مقابل حرفهای طرف که نشان‌دهنده نحوه نگرش شما به قضیه است در نوع نتیجه یعنی عکس‌العمل شما (ث)، تأثیر دارد و نتیجه این است که شما یا به کلی از نظر روحی در هم می‌شکنید و نابود می‌شوید و یا دشمن او می‌شوید و کینه‌اش را به دل می‌گیرید و یا هر دو.

روش معالجه آلیس در این گونه موارد، افزودن مرحله «د» به قضیه است، یعنی بررسی و بازنگری تصورات غیرمنطقی مرحله «ب» که آن نتایج ویرانگر و کینه‌آمیز را به وجود آوردند. در این بررسی و بازنگری، جملات و سئوالات زیر مطرح کنید و مورد توجه قرار دهید:

دلیل طرف برای قطع رابطه چیست؟ آیا این من هستم که ارزش ازدواج را ندازم؟

چرا باید من از این مسئله ناراحت شوم؟

اصلاً چرا باید من خوشبختی و بدبختی‌ام را در گرو این گونه مسائل بدانم؟

در این دنیای پر از بدی و بی‌عدالتی، چه کاری از من ساخته است؟

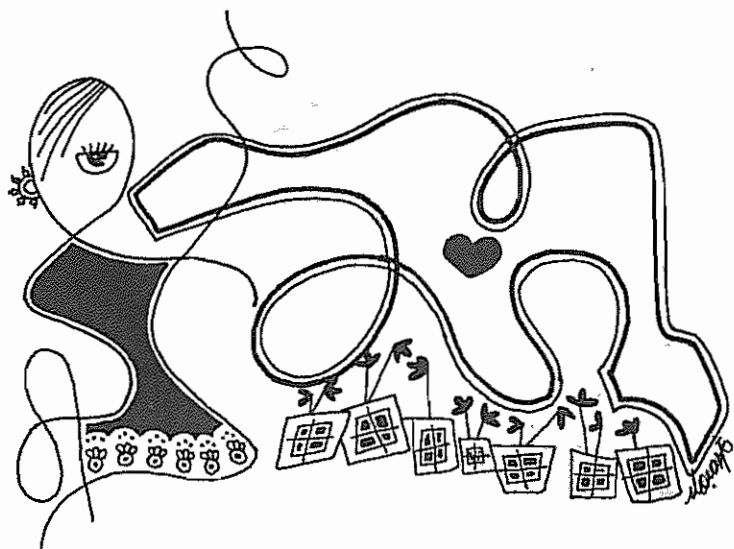
اگر این مرحله «د» را که از زبانی نوع نگرش شما به حادثه به کمک طرح سؤالات، با درستی و دقت انجام دهید، مرحله بعدی یعنی مرحله «ای» که یک عکس‌العمل جدید هیجانی است پیش می‌آید. در این مرحله، شما به یک عکس‌العمل کاملاً حساب شده و منطقی می‌رسید. این عکس‌العمل می‌تواند غم‌انگیز باشد یعنی بگویید: «آشنایمان خوب شروع شد. من خیلی متأسفم که ادامه پیدا نکرد و به نتیجه نرسید. ولی خوب، حتماً در این رابطه مشکلاتی وجود داشت که نمی‌شد برطرف کرد» و یا می‌تواند توأم با خشم و عصبانیت باشد یعنی بگویید: «تصمیم او، تصمیمی غیرانسانی و خودخواهانه است ولی غیرقابل تحمل نیست. در این دنیای بی‌اعتبار و پر از ناخوشایندها، این هم یکی از آن حوادث ناخوشایند است که انسان باید تحمل کند. در این صورت شما یکی از دو حالت منطقی -

«دوست ندارم» و «میل ندارم» است. حالت آن خانم روان‌پزشک که به من قول کمک داده بود، ولی ناخواسته به مخمصه «خلف وعده» افتاده و دچار عواقب نامطلوب و اعصاب خردکن آن شده بود، مثال خوبی برای اثبات این مطلب است که در مورد سایر مثالهای ذکر شده هم صدق می‌کند، زیرا همه آنها باعث عصبانیت دیگران شدند فقط به این دلیل که نمی‌توانستند به راحتی به دیگران «نه» بگویند و عدم تمایل و یا عدم توانایی خود را برای کاری، صریحاً اعلام کنند.

علاوه بر اینها برخوردهای مهم دیگری هم در زندگی روزمره وجود دارد که نمی‌گذارد از این گونه مسائل، تصور صحیحی داشته باشیم. در حقیقت، این «نه» گفتن دیگران نیست که درون ما را آزرده می‌سازد بلکه نوع برداشت ما از آن و نحوه برخورد خودمان است که باعث می‌شود آن حالت انفعالی به ما دست دهد. اپیک تنوس در قرن اول میلادی گفت: «مردم از خود پدیده، ناراحت نمی‌شوند بلکه ناراحتی آنها نتیجه تصورات و برداشتی است که خودشان از پدیده‌ها دارند.»

آلبرت آلیس، روان‌شناس معروف نیویورکی و پدر روش درمانی، روش خود را بر اساس همین سخن اپیک تنوس بنا نهاده است. این روش را هر کس که از مشکلات هیجانی رنج می‌برد و می‌خواهد از این رنجها راجت شود، باید مورد نظر قرار دهد و رعایت کند. آلیس پریشانی و ناراحتی هیجانی را با فرضیه خود نام به فرضیه «آ.پ.ث.» توضیح می‌دهد: «آ.پ.ث.» علامت حادثه پیش آمده است. مثلاً یک پسر و دختر که در مرحله آشنایی و رفت و آمد خانوادگی قبل از ازدواج قرار دارند، یکی از دو طرف منصرف شود و تصمیم به قطع رابطه و رفت و آمد بگیرد. «ب.» علامت نوع نگرش طرف مقابل به حادثه و موضوع پیش آمده است یعنی نحوه تفکر و ارزیابی او از مسئله. وقتی شما در مقابل یک چنین حادثه‌ای قرار می‌گیرید، نزد خودتان چند تصور پدید می‌آید:

۱- من دیگر کسی مثل او پیدا نخواهم کرد. ۲- حتماً من دیگر آدم لایقی نیستم. ۳- چه بد شد؟ چرا باید این مسئله برای من پیش بیاید؟ ۴- با پیش آمدن این موضوع، دیگر هیچ کس تصمیم به ازدواج با من نخواهد گرفت.



ثری روان در خدمت

کلیشه‌زنانگی

نقدی بر «جزیره سرگردانی»

نسترن موسوی

مستند و بازآفرینی شخصیت‌های واقعی، فضایی فراهم بیاورد تا خواننده را به نتیجه‌گیری قطعی درباره وقایع معین تاریخی بکشاند. این امر، درست یا نادرست، سلیقه نویسنده‌ای است که از ادبیات، کارکرد دیگری جز لذت جویی را نیز می‌طلبد. نوعی زیبایی‌شناسی هنر و ادبیات، بر آموزشی بودن این دو رسانه تکیه دارد.

اما ظاهراً خانم دانشور نمی‌خواهد «ایدئولوژی زده» باشد، هر چند که کتاب انباشته از بیانیه‌های متفاوت ایشان در باب مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. خانم دانشور به حضور دایمی خود در رمان، خواه به صورت راوی و خواه در قالب شخصیت واقعی خود، سیمین، اکتفا نکرده است و از زبان سلیم، شخصیتی که کمابیش آرای سیاسی - اجتماعی کنونی او را بازنمایی می‌کند، بی‌دری آرای در هواخواهی یا کوبیدن این و آن می‌آورد. شخصیت‌های دیگر نیز در گفتگوهای عادی بیانیه صادر می‌کنند. این شیوه کار، بی‌آنکه خطاکاری نیروهای مخالف نویسنده و یا محق بودن دیگران را در متن رمان نشان بدهد، در بهترین حالت، بزرگداشت دوستان از دست رفته و پیشین است و در بدترین حالت، دست‌کم انگاشتن فهم خوانندگان.

خانم دانشور دخالت در سیاست را نمی‌پسندد. دست بالا، آن را حوزه‌ای مردانه می‌داند. از سوی دیگر خود را از پیشینه زندگی شخصی و فضای روشنفکری دهه‌های پیشین نیز نمی‌تواند رها کند. در عین حال اعتقاد ندارد که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی تنها بر پایه ایدئولوژی نیست، بلکه نیاز گزیرناپذیر بشر است به این که در ساختن سرنوشت خود دخالت داشته باشد. در واقعیت، آدمها چه آنها که خود را ملزم به دخالت در امر سیاسی - اجتماعی می‌بینند و چه آنها که کنار می‌کشند، درک شدنیتر و عینیتر عمل می‌کنند. واکنش

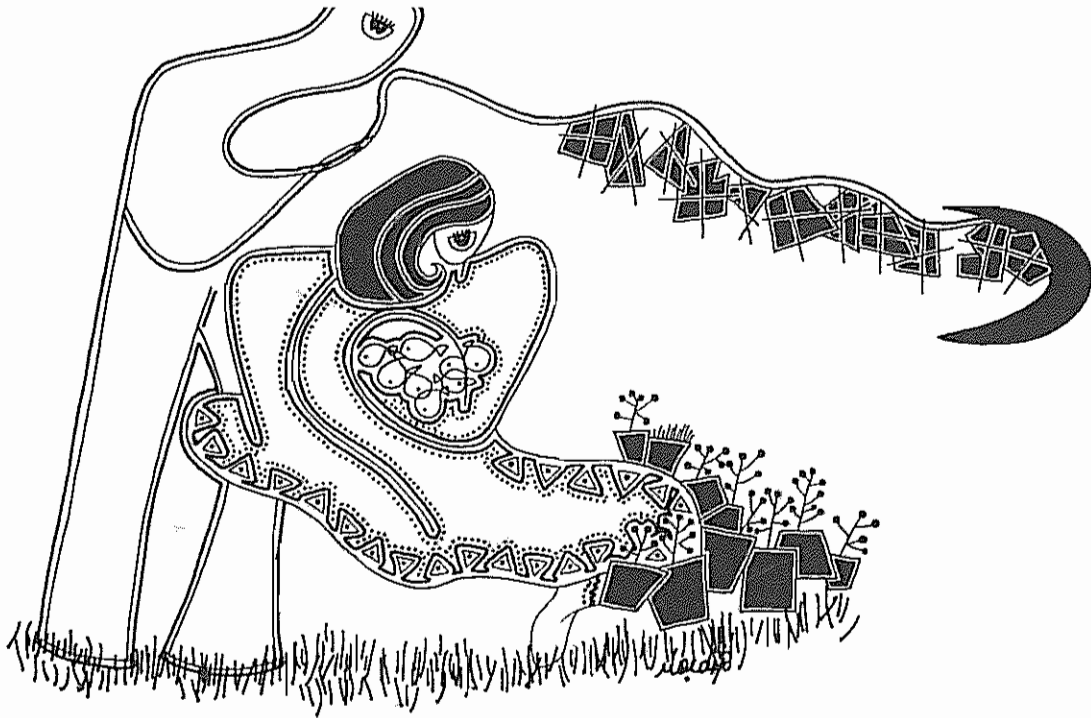
رمان «جزیره سرگردانی» پس از سالها انتظار، با کیفیت از زیر چاپ درمی‌آید و هنوز جزو پرفروش‌ترین کتابها شمرده می‌شود. چنین محبوبیتی ناشی از چند چیز است:

- معروفیت خانم دانشور -
- سادگی خط داستانی کتاب
- جانفادگی و بختگی نثر ایشان
- علاقه بیش از اندازه خوانندگان به وقایع تاریخی چند دهه

ویداد کتاب با اشارات تاریخی مشخص (مرگ جلال‌آل‌احمد) خود شخصیت‌های واقعی، عمدتاً اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ برمی‌گیرد. خوشبختانه این گذشته چندان دور نیست تا از ها رفته باشد. این خود یکی از معیارهای سنجش کتاب است. نیت‌های کتاب به دو دسته واقعی و داستانی تقسیم می‌شوند. مراد، سلیم، استاد مانی، افراد خانواده هستی و سلیم و ن، آدم‌های به خصوصی نیستند اما سیمین، خلیل ملکی، آل‌احمد نمی‌چهره‌های واقعیند. ■

سبک سیاسی نویسی:

نوا ناخواه خواننده در برابر چنین شخصیت‌پردازی‌هایی، دو جداگانه نشان می‌دهد. با کسانی که واقعیت بر مبنای دانسته‌ها -های پیشین خود روبه‌رو می‌شود و درباره آنها بی‌شناسد. من جانب‌داری آنها یا مخالفت خوانی‌هایشان با دسته پیشین دآوری. از همان آغاز جبهه دوستان و دشمنان جدا می‌شود. در نتیجه، نده مدام به ارزشگذاری ایدئولوژیک می‌پردازد. پاره‌ای اوقات ویس سیاسی عمداً می‌خواهد با تکیه به رویدادهای حقیقی و



● قیاس دورمان «سوشون»
و «جزیره سرگردانی»، تغییر فاحش
دیدگاه خانم دانشور را نسبت به زنان آشکار می‌کند.

بپوشیم، مامان عشی را مریم مجدلیه بدانیم و دست آخر به این نتیجه برسیم که زنها به درد دخالت در امر سیاسی نمی‌خورند و بهتر است شوهر پولدار به چنگ آورند.

خانم دانشور با سبکی که برگزیده است، ما را از لذت کشف روابط یا دخالت در پدیدآمدن آنها محروم کرده است. چه لذت شگرفی ممکن است دست دهد زمانی که همه چیز، از پیش تعیین شده و بنابر سلیقه فردی نویسنده و نه براساس تحولات درونی شخصیتها و نه حتی براساس بررسی همه جانبه تاریخی، به خورد ما داده شود؟ هر کسی می‌تواند روایت خود را از جدالهای فکری و رویدادهای دو سه دهه گذشته ارائه دهد. اما شایسته نیست قالب و مضامین داستان، به جای آن که خواننده را به فکر اندازد و دست و بال او را با سعه صدر باز بگذارد، با پرداخت تپهای تک بعدی، تعصبات او را تقویت کند.

◀ سوشون در برابر جزیره سرگردانی:

خانم دانشور، سوشون، اثر مشهور خود را نیز با به کار بستن همین روش کهن داستان‌نویسی نوشته است. اما آن رمان به دلیل پرداخت قویتر و گزارش صمیمانه‌تر و درون‌تر از حالات شخصیتها، جذابتر می‌نماید. نه این که سوشون عاری از شعار باشد، اما شعارگویی بر همه اثر چیره نیست، وگرنه وجود شخصیتهای تا به آخر خطاناپذیر (مانند یوسف) کلیشه رایج داستان‌پردازیهای ایدئولوژیک است.

قیاس دو رمان با یکدیگر تفاوت فاحش دیدگاه خانم دانشور را نسبت به زنان آشکار می‌کند. در هر دو کتاب، دو شخصیت اصلی زن همچون شخص خانم دانشور، زیر سلطه سنگین شوهران یا دوستان مرد سیاسی زندگی می‌کنند. برای همه کسانی که به نوعی با این تجربه آشنایی دارند، اضطرابهای زری و تناقضهای هستی، آشنا و دریافتنی است. هر دو، چندان از زن سستی به معنای رایج آن فاصله گرفته‌اند که از سوی مردان سیاسی برگزیده شوند و گاه از آنها به ضرورت تمجید

روزمره هر دو دسته بیشتر عاطفی و شخصی است. در زندگی واقعی، هیچ‌کس از صبح که برمی‌خیزد تا شب که بخوابد شعار نمی‌دهد. حتی تپهایی که خانم دانشور قصد دارد از شخصیتهای قصه بپردازد در زندگی روزانه خود تا این حد چند پاره، نجسب و تصنعی نیستند. به این خاطر گفتگوهای زن و مردی که قرار است با هم ازدواج کنند یا شاگرد و استادی که ساعتی را با هم سپری می‌کنند و یا آخرین دیدار دوستان بی‌اندازه باور نکردنی و سنگین است، به‌ویژه آن که آمیخته به عرفان ریایی نیز باشد^۲. نظرات شخصی سیمین - سلیم درباره ادبیات، عرفان، سیاست و مقولات دیگر بر حوزه‌ای دیگری به جز عرصه رمان جا می‌گیرد.

◀ مضامین آشنا:

خطابه‌های درسی کتاب به کنار، خط روایی آن بسیار ساده است. خانم دانشور به آن نحله ادبی تعلق دارد که با پرداختن به همه مضامین آشنا، داستان را پیش می‌برند. این‌گونه نویسندگان در به کار بستن فنهای جدید برای بهره‌جویی از تمام انرژی ادبی دوران خود پائشاری خاصی ندارند. نمی‌خواهیم بگوییم که دوران این نوع قصه‌سرایی به سر آمده است. مادام که ذهنهای ساده‌اندیش و خوانندگان مشتاق جوابهای حاضر و آماده وجود دارند، نویسندگان موردنظر خود را باز می‌یابند، متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند و سبب ادامه این شیوه نگارش می‌شوند.

نویسنده‌ای که این شیوه نوشتن را برمی‌گزیند، عملاً هم خوانندگان و هم شخصیتهای داستانش را دچار محدودیت می‌کند. باین بینش، نویسنده بر خواننده پیشی می‌گیرد و اجازه داوری یا دخالت را به او نمی‌دهد. ساخت خدایگان - بنده را نه تنها در ابعاد بزرگ بلکه به کوچکترین و بی‌اهمیت‌ترین روابط تعمیم می‌دهد. در ضمن به دلیل آنکه حضور خود را حتی به افراد داستان نیز تحمیل می‌کند، در ادامه کار امکان تغییر و رشد آزادانه آنان را سلب می‌کند. نویسنده زبردست، دست بالا اجازه می‌دهد شخصیتها در چارچوبی از پیش تعیین شده تغییر یابند. ما محکوم می‌شویم همراه با سلیم - سیمین، استاد مانی و زرش، آل احمد و خلیل ملکی و هستی، عاطفه مراد را قربانی کنیم، ازدواج سلیم و هستی را تبریک بگوییم، مرتضی و فرزانه را شناسیم، از فرخنده بدمان بیاید، بر دودوزه بازی سلیم و هستی چشم

بشود.^۱ حکایت این زنها هم شنیدنی است. تصور عمومی بر این ت که حتی این زنان هم زانده شوهرانشان هستند. هر چند مانند ، با تلاش همیشگی بخواهند به خود و دیگران یادآوری کنند که از زنان متمایزند. البته در جزیره سرگردانی جایی از «هستی» سراغ یم که علت واقعی تمایلات سیاسییش را، که وجه تمایز او با زنان ولی است، آشکارا بیان کند. شاید خانم دانشور با «بیژن» هم نوا که در آن دوره معین، سیاسی شدن مد روز تلقی می شد و به هیچ اشی از نیاز واقعی انسانها برای کسب حتی دخالت در امور خود سمار نمی آمد؟ پس آیا اساساً نویسنده منکر تلاش همگانی برای ن راه حل می شود؟ در سووشون، خط داستانی و نه لزوماً وقایع خی منطبق بر آن، به خواننده میقبولاند که چیزی آرامش «زری» را م میزند. وجود حکمران زورگو، انگلیسیهای مزاحم و افرادی «یوسف» که به هر رو به وضع موجود گردن نمی گذارد، همه دست ست هم می دهند تا نیکبختی «زری» را از او بریابند.

در رمان اخیر، «هستی» گاه از زبان «مراد» و گاه به نقل از مین» و دیگران، وجود نابه سامانیهای آن دوره را گوشزد می کند علت سیاسی قلمداد شدن «هستی» پنهان می ماند. می توان نتیجه ت که امکان دارد شخصیتی چون او، همچنان که خود بارها لوبد، گیج و منگ باشد. حافظه تاریخی به ما می گوید که نظیر او را ایم. اما در عین حال زنانی را نیز به یاد می آوریم که جایی در ت ان می خواستند هم عصر زمانه خود باشند، به مفهومی عام، در با آزادی و تحقق شرایطی بودند که هر چند مبهم، ولی نوید بهبود ع را می داد. این دسته از زنان از الگوهایی که به زُخشان کشیده ند، سخت گریزان بودند و در نخواستن وضع و روابط موجود، بمانه مقاوم بودند. گیریم که حق و حقوق خاصی برای خود در نظر تند و هویتی جداگانه نداشتند و تنها عصیان کرده بودند و تلاش لردند دست کم جا پای مادران و مادر بزرگان خود نگذارند. کدام ، در میان زنان نامتعارف آن دوران اکثریت داشتند: سرگردانهای یده» در طلب شوهر و یا شورشگران؟

خانم دانشور سیاست را حوزه‌ای مردانه می داند.

«هستی» تنها شخصیتی از میان سایر شخصیت‌های داستان است که ن بروز حالات درونی را پیدا نمی کند. گفتگوهای درونی «زری» سووشون را به یاد بیاوریم. «زری» خاموش بود اما در برابر هر دادی داوریهای شخصی خود را داشت. تنها ابرازشان نمی کرد. تی» در رمان جدید بلندگوی دیگران است. اگر تیپ است که فاقد عبت است. کدام دسته از دختران، با مشخصاتی که از او در رمان خوانیم، با آن همه انفعال به هر نوع زندگی زناشویی تسلیم ندند؟

خانم دانشور خود بهتر می داند که شاید از آن روزگاراها به بعد ت که نطفه پاره‌ای استقلال جوییها در زن ایرانی شکل می گیرد و ان اجتماعی آن را می یابد که تحت هر شرایطی شوهر نکند، ولی ر به اداره زندگی خود باشد. تهمت ترشیدگی بخورد ولی به هر ی تن ندهد. این وضعیت با انفعال کامل در برابر شوهران سیاسی است. انفعال کامل در برابر شوهران سیاسی برای آن بود که زنان سی هویت جداگانه‌ای از مردان، در مسیر جریان مبارزه ضدشاه ب نکرده بودند. همچنان که «زری» بیشترین تغییری که می کند ای «یوسف» می گذارد. اما قصه خانم دانشور پرداختن به چند و ن این نوع انفعال نیست.

او در واقع با پرداخت شخصیت «هستی» نوعی بازگشت به آینده (flash forward) کرده است، گرچه این جا و آن جا گفته می شود که تاریخ نگارش کتاب به سالها پیش می رسد اما چطور می شود جای پای دلسردی کنونی نویسنده را از تلاش زنان در اثبات وجود خود ندید؟ «مراد»، «مرتضی»، «فرزانه»، و «فرخنده»، چهره‌های شناخته شده نسل دهه پنجاه شمسی هستند. نسلی معترض، که گرچه خود تا پای شمار دادن پیش می رود، اما با معیارهایی مظهر شور و دگرگونی به شمار می آید. برگزیدن دو هم‌رنگ - جماعت شو از میان چهره‌های آن دوره و جلوه دادن آنان به عنوان تیپ اجتماعی از چشم زنی در مقام خانم دانشور صورت گرفته است که با منطق سیاستمداران دهه ۳۰ و ۴۰ به شورشگران نسل بعدی می نگرد و جزیره ثباتی مانند «سلیم» را محق جلوه می دهد که با عافیت طلبی می تواند خود و همسرش را از خطر مصون نگهدارد. مهم نیست که «هستی» در این جا قربانی گردد و تلاشهای زنان هم نسل او برای اثبات توانایی و شعور خود به مردان سیاسی انکار شود. «زری» در سووشون در پی اثبات خود بود تا به دیگران بقبولاند در عین قوت، جلوه زنانگی و عشق و صلح است. آرامش خانه را می خواهد اما نه به هر قیمتی. اما «هستی» با بی صداقتی به نقش کلیشه‌ای زن تن می دهد و البته این تحریف تاریخ است. شاید برخورد اخیر خانم دانشور روگردانی اوست از بخشی از وجود خود در سووشون که خواهان به بازی گرفته شدن بود.

نتیجه:

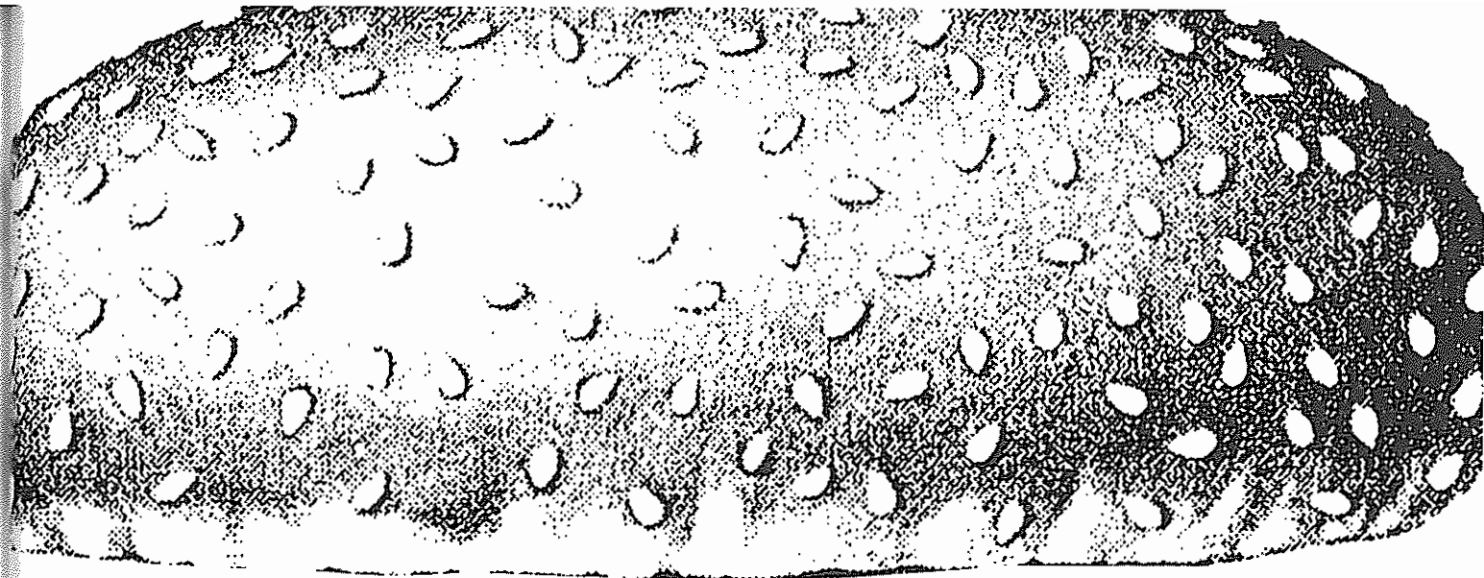
اگر اثر اخیر خانم دانشور بر این پایه زیبایی شناسانه قرار دارد که هنر باید اساساً آموزشی باشد و نویسنده‌ای که به مسائل خاص تاریخی و اجتماعی می پردازد، مسئولیتی سیاسی دارد، آنگاه باید گفت که رمان ناموفق است، چرا که در پرداخت اصیلترین شخصیتها یا دچار تحریف تاریخی است و یا چندان به زندگی آنان آشنا نبوده که بتواند از آنها تیپهای اجتماعی را باز بیافریند.

گذشته از این، نویسنده با سبک و اسلوبی که پیش گرفته، بیش از اندازه خود را هم چون دانای کل و صاحب حقیقت ابدی به خواننده تحمیل می کند و حتی در دنیای خیالی رمان هم اجازه نمی دهد خواننده، خود سیره را از ناسره تشخیص دهد و تا جایی که به سرنوشت «هستی» مربوط می شود، با تبلیغ اصل سازش پذیری جمعی، گام کوچکی را که «زری» در سووشون برداشته بود نایده می گیرد و انفعال کامل زنان و عقب نشینی صرف به سنگر آشپزخانه و دلبری از شوهران را توصیه می کند.

یادداشتها:

- ۱- گفتگوهای «سلیم» و «هستی» در صفحات ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۲۴۰، ۳۲۰ تا ۳۲۴ و از زبان «سلیم» در صفحات ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۱۶۷، ۲۹۳ و از زبان دیگران در صفحات ۴۵، ۵۷، ۶۰، ۷۳
- ۲- سووشون، صفحه ۱۱۱ و جزیره سرگردانی صفحات ۷۵، ۸۷، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۲، ۳۲۰ و گردون شماره ۳۴ و تکاپو شماره ۷.
- ۳- جزیره سرگردانی، صفحات ۳۱ تا ۳۶، ۵۹ تا ۶۵، ۳۲۰ تا ۳۲۴.
- ۴- سووشون، صفحه ۲۱۳ و جزیره سرگردانی، صفحه ۴۸ و ۳۲۶.
- ۵- جزیره سرگردانی، صفحه ۲۵.
- ۶- در این مقاله به پاره‌ای تساهل تاریخ نگارانه اشاره نشده است. اما بی شک فضایی که در صفحه ۱۴۷ کتاب آفریده شده، شاخص روابط دختران و پسران دانشجوی آن دوره نبوده است.





رژیم گرفتن زیر سؤال می‌رود!

رژیم گرفتن، تازمانه

زندانیان داوطلب شده بودند با پرخوری ۲۰ در صد به وزن خود اضافه کنند. پس از پایان دوره پژوهش، تقریباً همه آنها به سرعت به وزن اصلی خود برگشتند.

واکنش بدن ما به رژیم، مانع دیگری است بر سر راه کاهش وزن مدام. امروزه متخصصین عقیده دارند کاهش مداوم کالری برای کاهش وزن، به ندرت در دراز مدت عملی است لذا بدن ما طوری برنامه‌ریزی شده است که کاهش کالری را نشانه بروز قحطی و گرسنگی قلمداد کند و در مقابل آن مقاومت نشان دهد.

اغلب کارشناسان چاقی معتقدند که گرفتن رژیمهای سخت، علت اصلی پرخوری است. در پژوهشی، گروهی از مردان سالم و جوان را تحت رژیم کم کالری - چیزی شبیه

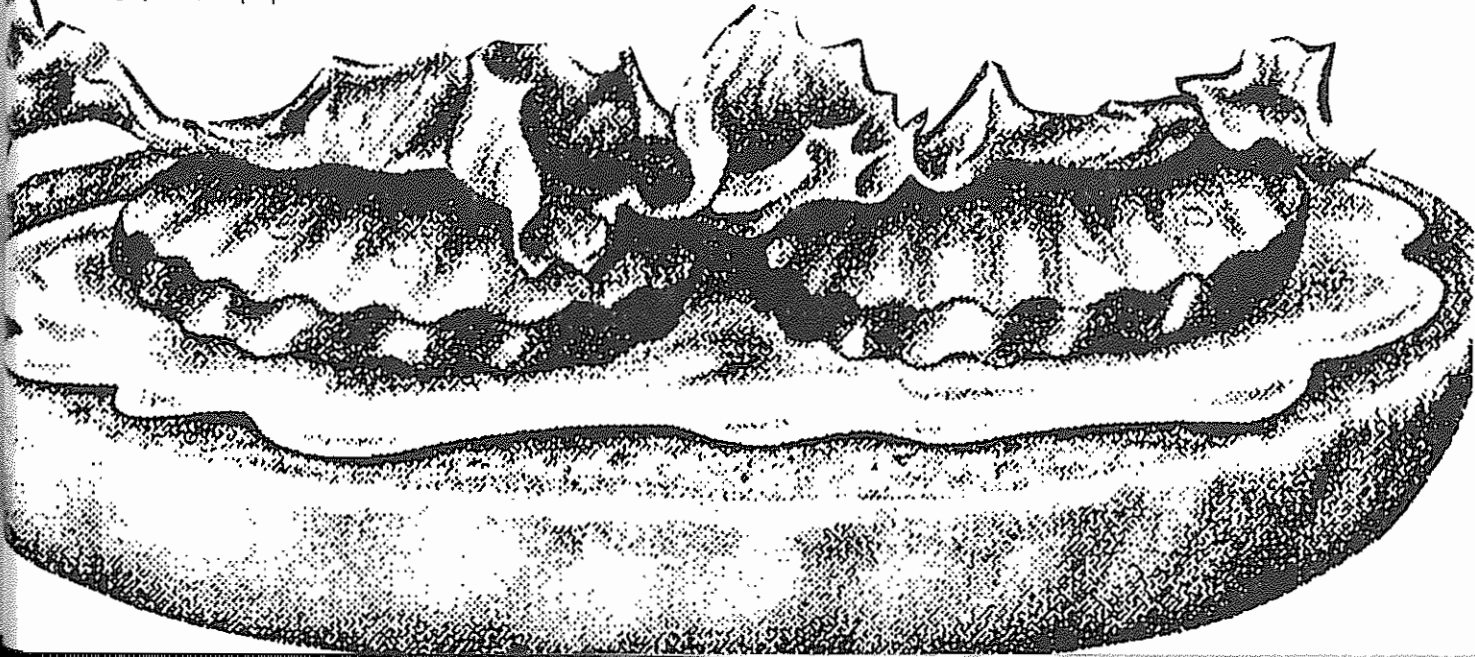
کلید هر رژیم کاهش دهنده وزن است؛ رژیم لاغری روندی است که رژیم گیرنده را در مقابل فیزیولوژی خودش قرار می‌دهد.

مطالعات و پژوهشها به طور قطع و یقین نشان داده است که اندازه و شکل بدن هر کسی طبق قانون وراثت تعیین می‌شود. نقش رژیم و ورزش در محدوده این قانون قابل اجراست. بارها دیده شده است که افراد بسیار چاق با گرفتن رژیمهای سخت، دهها کیلو وزن کم می‌کنند و شش ماه بعد دوباره به وزن قبلی خود برمی‌گردند.

آنچه افراد کمتر از آن مطلعند، این است که بدن در مقابل اضافه وزن هم مقاومت می‌کند. در دهه ۶۰، اتان الن سایمر، از دانشگاه ورمونیا، سرپرستی یک طرح پژوهشی را به عهده داشت که در آن تعدادی از

۹۹ افراد بی‌شماری از هر فرصتی برای کاهش وزن استفاده می‌کنند که این روزها اغلبشان سر در گم شده‌اند. پس از دهها سال توجه به رژیمهای لاغری، منطق رژیم گرفتن زیر سؤال رفته است. محققین شواهدی یافته‌اند دال بر اینکه گرفتن و شکستن متناوب رژیم غذایی و کاهش و افزایش مکرر وزن، ممکن است سلامتی بدن را به خطر بیندازد. البته نگران نشوید، هنوز هم کاهش و کنترل وزن، امکانپذیر و مفید است اما لزوم ایجاد یک تغییر کلی در افکار عمومی احساس می‌شود. ■■

برای کسی که رژیم می‌گیرد مسئله از بین بردن گوشتهای اضافی، مسئله اراده صرف نیست. با علم به اینکه فیزیولوژی هر کسی



اجرای برنامه‌های سخت و فشرده غذایی برای کاهش وزن دیگر جذابیت و کارایی خود را از دست داده، اما شهبایی برای کنترل وزن وجود دارد که می‌تواند برای عموم مفید باشد.

کلسترو، بیماریهای قلبی و یا احتمالاً دیابت او را تهدید می‌کند. قبلاً گفتیم که کاهش سریع اضافه وزن نیز خطراتی به همراه دارد. بنابراین برای افرادی که در این گروه وزنی قرار دارند واجب است که میزان مصرف چربی را در غذای روزانه خود کاهش دهند و حتماً تمرینات ورزشی انجام دهند تا از چاقی بیشتر جداً جلوگیری کنند.

☆ بی. ام. آی ۳۰ و بالاتر، اضافه وزن جدی محسوب می‌شود که در نتیجه خطر بروز بیماریهای حاصل از چاقی را به شدت افزایش می‌دهد. حتی برخی کارشناسان چاقی معتقدند که در این حالت منفعت ناشی از کاهش وزن بیشتر از خطرات آن است. به ویژه افرادی که مبتلا به دیابت هستند باید حتماً وزن خود را کم کنند زیرا در آن صورت کنترل قند خونشان امکانپذیر خواهد بود.

اجرای برنامه‌های سخت و فشرده غذایی برای کاهش وزن، دیگر جذابیت و کارایی خود را در نظر بسیاری از محققین و کارشناسان فن از دست داده است. اما روشهایی برای کنترل وزن وجود دارد که می‌تواند برای عموم مفید واقع شود:

◀ ورزش کنید:

ممکن است گاهی فردی که ورزش می‌کند، بر اثر بی‌مبالاتی یا انجام حرکات نامتناسب ورزشی دچار آسیبی اتفاقی شود

برای این امر این است که افرادی که در طول مدت عمر خود، وزنشان بیش از بقیه نوسان داشت به احتمال زیاد کسانی بودند که به تناوب رژیم غذایی می‌گرفتند و می‌شکستند، مخصوصاً اگر دچار اضافه وزن بودند. دانشمندان مقیاسی به نام بی. ام. آی. (شاخص انبوهی بدن) را به کار می‌برند تا از ترکیب قد و وزن هر فرد، میزان چاقی او را ارزیابی کنند. محاسبه بی. ام. آی بسیار ساده است: وزنشان را بر حسب پوند (۴۵۳ گرم) حساب کنید. عدد به دست آمده را در عدد ۷۰۴ ضرب کنید. حال قدتان را بر حسب اینچ (۲/۵۴ سانتیمتر) به دست آورید، آنگاه دوباره حاصل را تقسیم بر قدتان بر حسب اینچ کنید.

☆ بی. ام. آی بین ۲۰ تا ۲۶ برای اغلب افراد بزرگسال مطلوب است. به خصوص افرادی که سیگار نمی‌کشند و بی. ام. آی آنها تقریباً ثابت است، خیلی کمتر مبتلا به بیماریهای قلبی و یا مرگهای پیش‌رس می‌شوند. افرادی که در این گروه قرار دارند می‌توانند با مصرف غذای متعادل و تمرینات ورزشی، وزن خود را همیشه ثابت نگاه دارند و از افزایش وزن جلوگیری کنند.

☆ بی. ام. آی بین ۲۷ تا ۲۹ علامت آن است که فرد کمی اضافه وزن دارد و در سنین بالاتر، خطر ابتلا به بیماریهای حاصل از چاقی، از قبیل افزایش فشارخون و

رنامه‌های کاهش وزن تبلیغاتی که این‌ها متداول است - قرار دادند. در این م، شخص روزانه نصف کالری مورد برف در برنامه غذایی عادی خود را فت می‌کند. در پایان این دوره شش ماهه، م‌گیرندگان به پرخوری رو کردند و روزانه م هزار کالری یا بیشتر مواد خوراکی رف کردند و این کار را آنقدر ادامه دادند ، وزن عادی خود برگشتند. سوزان وولی، شناس چاقی معتقد است: «پرخوری پس ک دوره گرسنگی، همان قدر طبیعی است فس کشیدن.»

امروزه شواهد حاکی از آن است که ، برخی از افراد کاهش قابل توجه وزن ن است خطرناکتر از چاقی باشد. هر . تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش وزن واند موجب پایین آمدن فشار خون و مد کلسترول خون شود، اما به طور قطع و ن اثبات نشده است که پایین آمدن وزن ، عمر را نیز افزایش می‌دهد.

در حقیقت تحقیقات اخیر عکس این ب را ثابت می‌کند. طی تحقیقاتی که در گاه هاروارد انجام شد، از میان ۱۱ هزار ۷۰ نفر مرد، آنهایی که وزنشان در پایی که توزین می‌شدند، کمتر از بقیه ان داشت، کمترین میزان مرگ و میر را ، می‌دادند. هر تغییر قابل ملاحظه‌ای در ، اعم از کاهش یا ازدیاد، خطر مرگ در بیماریهای مجاری قلب را به طور مگیری افزایش می‌داد. منطقی‌ترین توضیح



اما ورزش متعادل، مرتب و اصولی برای هیچکس مضر نیست. در سال ۱۹۹۱ تحقیقی روی ۱۱۹ مرد و ۱۱۲ زن انجام گرفت. این افراد به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول که رژیم کم چربی با مصرف محدود کالری داشتند. یعنی از یک برنامه رژیم غذایی خاص پیروی می کردند. گروه دوم علاوه بر این که رژیم کم چربی داشتند، هفته ای سه روز هم تمرینات ورزشی انجام می دادند. گروه سوم نیز نه محدودیتی در غذا داشتند و نه ورزش می کردند. پس از یک سال، افراد گروه اول کاهش وزن زیادی داشتند. افراد گروه دوم علاوه بر آنکه، مقدار زیادی از چربی اضافه شان را از دست داده بودند، علایم خاصی برای ابتلا به بیماریهای قلبی نیز در آنها مشاهده نمی شد. در مورد گروه سوم نیز وضع روشن است. تعداد زیادی از آنها اضافه وزن بیشتری پیدا کردند.

بهر حال نتیجه بسیاری از تحقیقات نشان می دهد که ورزش حتی بدون تغییر در رژیم غذایی وزن و سایز را کاهش می دهد. فایده ورزش برای بدن چیزی بیش از کاهش وزن صرف است. شما برای سلامتی بدن نشان می خواهید و زنان را کاهش دهید اما بدانید که اگر ورزش کنید، حتی اگر کاهش وزن هم ندهید، سلامتی بدن شما تضمین می شود.

افراد کم تحرک و تن آسا نیازی به انجام تمرینات سخت بدنی ندارند، بر عکس بیشترین منافع ورزش هنگامی حاصل می شود که افراد، به خصوص آنهایی که زندگیهای کم

تحرکی دارند، تمرینات و تحرکات متعادلی انجام دهند. مثلاً روزانه ۳۰ تا ۶۰ دقیقه پیاده روی سریع - در چند مرحله یا در صورت امکان به طور یکجا.

به هر حال در هر فرصتی که دست می دهد ورزش کنید: اتومبیلتان را دورتر از محل کارتان پارک کنید و بقیه راه را پیاده بروید، به جای آسانسور از پلکان استفاده کنید و ...

◀ چربی غذایان را کاهش دهید:

در گذشته می گفتند که کالری، کالری است و فرق نمی کند که از چه نوعی باشد. اما اکنون ثابت شده است که مواد پرچربی سریعتر از مواد چاق کننده دیگر در اطراف رانها و شکم ذخیره می شوند. بدن، چربی را کاملتر ذخیره می کند در حالی که برای ذخیره مواد قندی و نشاسته ای (کربوهیدراتها) توانایی محدودتری دارد. بنابراین وقتی افراد بیش از توان جذب بدنشان، مواد قندی و نشاسته ای مصرف می کنند، کالریهای اضافی حاصل از کربوهیدراتها سریعتر از چربیها در بدن می سوزد. به همین دلیل است که محققین معتقدند نوع مواد غذایی بیش از مقدار کالری در کاهش و افزایش وزن موثر است.

تحقیقی در دانشگاه ایلینویز شیکاگو بر روی ۱۸ زن انجام شد. آنها کم تحرک بودند و ۳۷ درصد از کالری غذای آنها از چربیها تأمین می شد. محققین رژیم غذایی آنها را بعد از مدتی تغییر دادند یعنی بدون آن که در کل کالری دریافتی آنها تغییری دهند کالری حاصل از چربی غذای آنها را به ۲۰ درصد کاهش دادند. بعد از ۲۰ هفته، این زنان چهار تا پنج پوند وزن کم کرده بودند.

برای آنکه بدون احساس گرسنگی بتوانید مصرف چربی غذایان را کاهش دهید؛ خودتان را با خوردن انواع و اقسام میوه، سبزی و غلات سیر نگه دارید. چنین رژیمی خطر ابتلا به سرطان و بیماریهای مجاری قلب رانیز کاهش می دهد. خانمها می توانند با استفاده از لبنیات کم چربی، گوشت بدون چربی، مرغ بدون پوست، ماهی، سسها

چاشنیهای بدون چربی، چربی غذای خود را از ۳۷ درصد به ۲۴ درصد کالری برسانند. آقایان نیز با همین روش، چربی غذای خود را به ۲۱ درصد کاهش می دهند.

ورزش و مصرف غذاهای کم چربی تغییرات سالمی هستند که به حال همه کس مفید است و منجر به لاغری هم می شود. اما حتی اگر منجر به لاغری هم نشود؛ به خاطر داشته باشید که کلید موفقیت و هدف قابل دسترس، به قول دکتر براونل، کارشناس چاقی، این است: «وزن معقول، همان چیزی است که افراد می توانند در دراز مدت با تغییر منطقی در رژیم غذایی و انجام تمرینات ورزشی متعادل به آن دست یابند.» افرادی که اضافه وزن زیادی دارند می توانند با کاهش متعادل وزن خود، مثلاً حدود چهار- پنج کیلو، خود را به وزن نسبتاً معقولی برسانند و بعد به جای آن که سعی در کاهش وزن خود داشته باشند، تلاش کنند کمترین وزن معقول را برای خود، ثابت نگاه دارند.

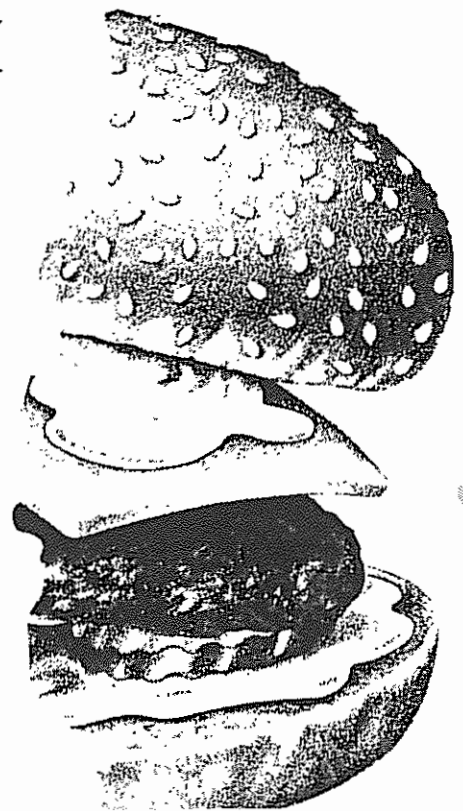
تحقیقات نشان می دهد که تنها روش باارزش و مفید برای اغلب مردم این است که تلاش کنند وزنشان را در حد معقولی تحت کنترل قرار دهند. اگر الگوهای غذایی و تحرکی خود را به تدریج تغییر دهید، مطمئناً ظاهر و احساس بهتری خواهید داشت، قوای بدنیتان افزایش می یابد و حتی بدون کاهش وزن قابل توجه، خطر ابتلا به بیماریهای مجاری قلب را کاهش می دهید.

پانوش

1-Body Mass Index

سرکار خانم نیلوفر ظفر اردلان
آغاز کار شما را به عنوان سردبیر «مجله
هما» تبریک می گویم. توفیق شما و یارانان را
آرزومندم.
مهری شاه حسینی

● ورزش و مصرف غذاهای کم چربی تغییرات سالمی ایجاد می کنند که به حال همه کس مفید است و منجر به لاغری می شود.



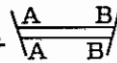
مقدمات الگو



می‌دهد که کدام قسمت الگو مربوط به هم است و شما باید شماره‌های مشابه را روی هم قرار دهید.



بلندتر کردن: این قسمت از الگو باید از سر فلش تا اندازه‌ای که نشان داده شده است دراز شود. طول درز را با دقت در سه یا چهار قسمت به طرف پایین اندازه بگیرید و با اندازه‌هایی که روی الگو نشان داده شده است، آن را بلندتر کنید.



خط تقاطع: وقتی چنین علامتی وجود دارد نشانه این است که الگو یک تکه نیست. باید اول قسمت اصلی الگو را رسم کنید و بعد بقیه آن را، با همان شماره یا حرف مشابه بکشید و به قسمت اصلی وصل کنید.

توجه:

- قبل از بریدن پارچه، تمام قسمتهای الگو را روی پارچه قرار دهید.
- برای دوخت پارچه‌هایی که کش می‌آیند، درزها را همراه یک نوار باریک و نازک نیم‌ساتی، مثل رویان، چرخ کنید.
- لایه هیچگاه احتیاج به زاپاس یا درز ندارد.
- همیشه قبل از دوخت کامل، درزها را یکی یکی پس از چرخ کردن، اتو کنید.

- برای دوخت پارچه، همیشه دورتادور الگو دو سانتیمتر زاپاس بگذارید.
- می‌توانید به جای کوک شل زدن یا صابون کشیدن از رولت استفاده کنید. کاغذ رولت در رنگهای سفید، زرد و قرمز در فروشگاههای لوازم خیاطی موجود است.

اندازه‌های طبیعی برای نوجوانان

اندازه	۳۶	۳۸	۴۰
دور سینه	۸۲	۸۷	۹۰
دور کمر	۵۹	۶۲	۶۴
دور باسن	۹۰	۹۲	۹۶
قد بالاته جلو	۲۳	۲۳	۲۴
قد بالاته پشت	۳۰	۳۰	۳۰
فاصله سینه	۲۴	۲۴	۲۵
کارور پشت	۳۵	۳۵	۳۶
سرشانه	۱۲	۱۲/۵	۱۳
دور گردن	۳۴	۳۴	۳۵
قد آستین	۵۶	۵۷	۵۸
قد دامن	۵۸	۵۹	۶۰
قد شلوار	۹۰	۹۳	۹۵

اندازه‌های طبیعی برای خانمها

اندازه	۳۶	۳۸	۴۰	۴۲
دور سینه	۸۲	۸۸	۹۰	۹۴
دور کمر	۶۰	۶۵	۶۶	۷۰
دور باسن	۹۰	۹۴	۹۶	۱۰۰
قد بالاته جلو	۲۳	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۴
قد بالاته پشت	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
فاصله سینه	۲۴	۲۵	۲۵	۲۶
کارور پشت	۳۵	۳۶	۳۶	۳۷
سرشانه	۱۲/۵	۱۳	۱۳	۱۳
دور گردن	۳۴	۳۵	۳۵	۳۶
قد آستین	۵۶	۵۸	۵۸	۵۹
قد دامن	۵۹	۶۱	۶۲	۶۳
قد شلوار	۹۵	۹۷	۹۷	۹۸

اندازه برای بچه‌ها

س	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
شام قد	۸۰	۸۸	۹۶	۱۰۴	۱۱۰	۱۱۶	۱۲۲	۱۲۸	۱۳۴	۱۳۸	۱۴۴	۱۵۲	۱۶۰	۱۶۴	
سینه	۵۲	۵۶	۵۸	۶۰	۶۲	۶۴	۶۶	۶۸	۷۰	۷۲	۷۴	۷۶	۷۸	۸۰	۸۲
کمر	۵۲	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۵	۶۶	۶۶	۶۶
باسن	۵۸	۶۰	۶۲	۶۴	۶۶	۶۸	۷۰	۷۲	۷۴	۷۶	۷۸	۸۱	۸۲	۸۸	۹۰
قد بالاته جلو	۲۰	۲۱	۲۲/۵	۲۳	۲۴/۵	۲۵	۲۶/۵	۲۷	۲۸/۵	۲۹	۳۰/۵	۳۱	۳۲/۵	۳۳	۳۴
قد بالاته پشت	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۴/۵	۲۵	۲۶/۵	۲۷	۲۸	۲۹/۵	۳۰	۳۱/۵	۳۲	۳۳
سرشانه	۷/۵	۸	۸/۵	۹	۹/۵	۱۰	۱۰/۵	۱۱	۱۱/۵	۱۲	۱۲/۵	۱۳	۱۳/۵	۱۴	۱۴/۵
قد دامن	۱۹	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۴	۲۵	۲۶	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۵
قد شلوار	۲۴	۲۸	۳۲	۳۶	۴۰	۴۴	۴۸	۵۲	۵۶	۶۰	۶۴	۶۸	۷۲	۷۶	۸۰

ضمیمه طرح و الگوی «زنان» شامل طرحهای لباس، راهنمای مدلها الگو است. با توجه به طریقه رسم الگو، به راحتی می‌توانید مدل مورد نظر خود را بدوزید. به خاطر داشته باشید که تمام خطوط، شماره‌ها و نشانه‌هایی که راهنمای مدلها وجود دارد، برای پرهیز از اشتباه و نیز دقت در کار رسم شده است. این قسمتها را با دقت بکشید تا بعد از بریدن پارچه دچار اشتباه نشوید. طرز انداختن الگو روی پارچه برای هر مدل مشخص شده است تا در صرف پارچه حداکثر صرفه‌جویی به کار رود.

طریقه رسم الگو:

- مدل دلخواهتان را انتخاب کنید و با توجه به شماره و اندازه کنار آن، به راهنمای الگو مراجعه کنید.
- رنگ خط الگو و شکل آن در توضیح آن مدل در قسمت راهنمای مدلها آمده است. با توجه به آن و شماره‌های تکه‌های مختلف مدل، الگوی مورد نظران را روی نقشه بیاویزید.
- بعد از کشیدن الگو از روی نقشه تمام خطوط، شماره‌ها و نشانه‌هایی که روی تکه‌های مختلف مدل در راهنما وجود دارد باید روی نقشه شما منتقل شده باشد تا الگوی دقیقی در دست داشته باشید.
- برای راحتی کار می‌توانید نقشه را روی میز پهن کنید. سپس کاغذ رستی یا روغنی را روی آن بگذارید تا تمام خطوط نقشه به آسانی دیده می‌شود.

نشانه‌ها:

- تای پارچه: جایی که این علامت وجود دارد باید پارچه را با برشی که لازم است تا کنید و بعد الگو را روی آن قرار دهید.
- کیس خوردن: لبه پارچه را با بخیه‌های ریز جمع کنید، روی آن پارچه مرطوب بیاورید و اتو بکشید. کمی بعد آن را کیس دهید.

شکاف: این علامت محل دوختن زیپ یا دکمه را نشان می‌دهد.

چاک جیب: این علامت چاک جیب و محل جا دکمه را نشان می‌دهد.

چین دادن: برای جمع کردن یا چین دادن، دو مرتبه این سمت را با چرخ بلدوزید و موقع جمع کردن، هر دو نخ قسمت زیر دوخت را هم بکشید و جمع کنید. مثل کمر دامن یا حلقه آستین.

جهت قرار گرفتن: این علامت برای جهت قرار گرفتن پارچه ابراه یا برای جهت پرز و کرک پارچه است.

پیلی: دو قسمتی را که با علامت نشان داده شده با دقت روی یکدیگر قرار دهید.

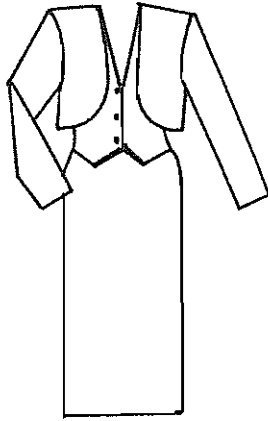


شماره‌های ریز درزها یا محل دوخت: این شماره‌ها نشان

راهنمای مدلها

طرف الف نقشه

مدل یک:



کت - دامن و جلیقه در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲ کت:

- ۱ - بالاتنه جلو، دو بار
 - ۲ - زیر بغل جلو، دو بار
 - ۳ - بالاتنه پشت، یک بار روی دولا
 - ۴ - زیر بغل پشت، دو بار
 - ۵ - آستین، دو بار
 - ۶ - زیر آستین، دو بار
- جلیقه:
- ۷ - بالاتنه جلو (دو بار)
 - ۸ - زیر بغل جلو، دو بار
 - ۹ - پشت، یکبار روی دولا
 - ۱۰ - زیر بغل پشت، دو بار

دامن:

* برای دامن از الگوی دامن مدل شماره پنج استفاده کنید.

راهنمای دوخت:

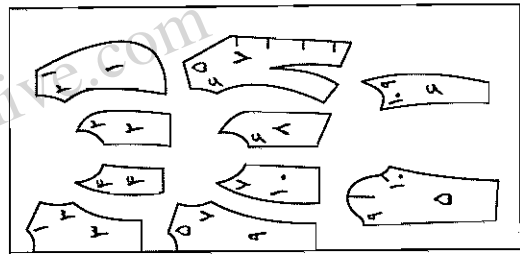
متراژ پارچه برای کت ۱/۶۰ سانتیمتر، برای جلیقه ۷۰ سانتیمتر و برای دامن ۸۰ سانتیمتر است. سجاف کت و جلیقه را مطابق الگو درآورید و بدوزید.

رنگ خط الگو: قرمز

خط الگوی ۳۸

خط الگوی ۴۰

خط الگوی ۴۲



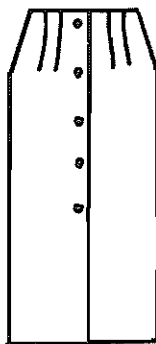
مدل دو:

دامن تنگ در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲

- ۱ - جلوی دامن، دو بار
- ۲ - پشت دامن، دو بار
- ۳ - سجاف کمر جلو، دو بار
- ۴ - سجاف کمر پشت، دو بار
- ۵ - جیب، دو بار

راهنمای دوخت:

متراژ پارچه برای دامن ۹۰ سانتیمتر است. ساسونها را بدوزید و سپس سجافها را از طرف روی دامن چرخ کنید و به طرف داخل دامن برگردانید.

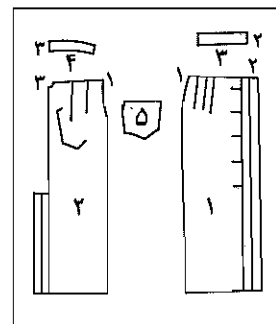


رنگ خط الگو: سبز

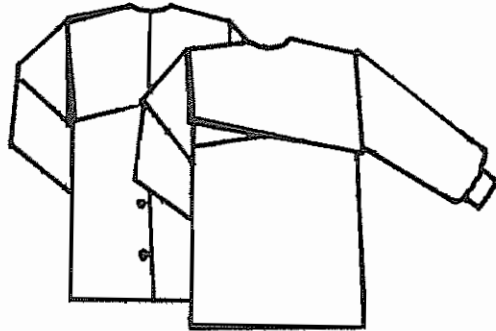
خط الگوی ۳۸

خط الگوی ۴۰

خط الگوی ۴۲

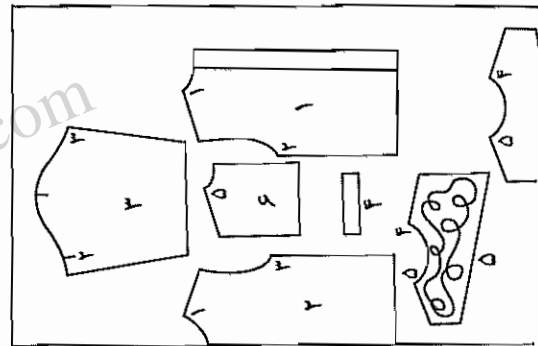


- بلوز با کار دست در اندازه‌های ۳۶ و ۳۸ و ۴۰
- ۱ - جلوی بلوز، دو بار
 - ۲ - پشت بلوز، دو بار
 - ۳ - آستین، دو بار
 - ۴ - مچ، چهار بار
 - ۵ - یقه جلو همراه با نقشه، یکبار
 - ۶ - یقه پشت، دو بار
 - ۷ - تکه زیریقه جلو همراه با نقشه، یکبار



راهنمای دوخت:

تراژ پارچه دو متر است.
س از برش دو قطعه یقه جلو، موقع دوخت آن را به مثل مدل، هم قرار دهید و سپس سرشانه‌ها را به قسمت یقه پشت بدوزید. وخت کاردستی یقه را روی الگو کشیده و آن را با کاغذ کپی قه بیندازید. سپس به دلخواه خودتان، با انواع نخهای تابلمه و تزیینی، آن را مطابق طرح ارائه شده، بدوزید.



رنگ خط الگو: آبی

خط الگوی ۳۶

خط الگوی ۳۸

خط الگوی ۴۰



ف ب نقشه

مدل چهار:

- راهنمای دوخت در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲
- بالاتنه جلو، دو بار
 - پهلوی بالاتنه، دو بار
 - پایین بالاتنه جلو و جیب، دو بار
 - بالاتنه پشت، یکبار روی دولا
 - آستین، دو بار
 - زیر آستین، دو بار
 - پاکتی آستین، چهار بار



راهنمای دوخت:

راژ پارچه سه متر است.

ای پلیسه کردن دامن اندازه ۳۸، پارچه را به متر $2/28 \times 23$ اندازه ۴۰، پارچه را به متر $2/89 \times 24$ و برای اندازه ۴۲، را به متر 3×25 سانتیمتر ببرید (اندازه‌ها بدون زاپاس است). اینکه قد دامن را تو گذاشتید و اتو کردید، تمام طول پارچه را به سه سانتیمتر خط کشی کنید و یکی در میان، خط کشیها را روی دهید و با سنجاق روی آن را بسته و اتو کنید. تمام پیلپهای زیر آن باید سه سانتیمتر باشد. دامن که تماماً پلیسه شد برای دوخت است. برای یقه و دهنه‌های جیب می‌توانید از یقه‌های آماده در

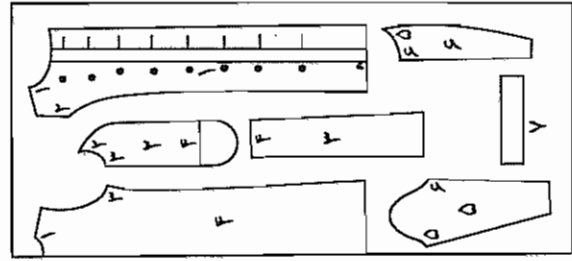
بازار استفاده کنید. برای دهنه جیب، یقه آماده را با آب خیس کنید، سپس آن را روی یک خط راست بگذارید و اتو کنید تا بتوانید برای دهنه جیب از آن استفاده کنید.

رنگ خط الگو: سبز

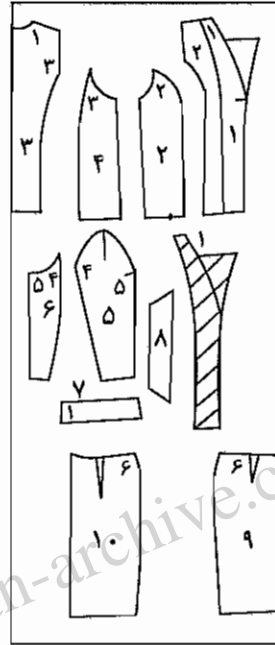
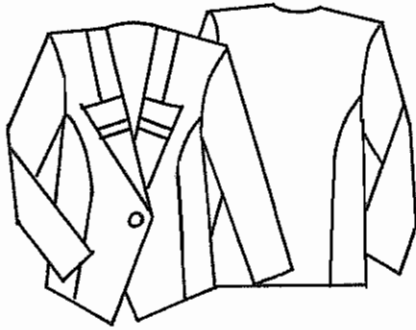
خط الگوی ۳۸

خط الگوی ۴۰

خط الگوی ۴۲



مدل پنجم:



- کت در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰
دامن در اندازه‌های ۳۸ و ۴۰ و ۴۲
- کت:
- ۱ - جلوی کت، دو بار
 - ۲ - پهلوی جلوی کت، دو بار
 - ۳ - پشت کت، دو بار
 - ۴ - پهلوی پشت کت، دو بار
 - ۵ - آستین، دو بار
 - ۶ - زیر آستین، دو بار
 - ۷ - پشت یقه، دو بار
 - ۸ - پاکتی آستین، چهار بار
- دامن:
- ۹ - جلوی دامن، دو بار
 - ۱۰ - پشت دامن، دو بار

راهنمای دوخت:

متراژ پارچه برای کت ۱/۶۰ سانتیمتر و برای دامن ۸۰ سانتیمتر است.

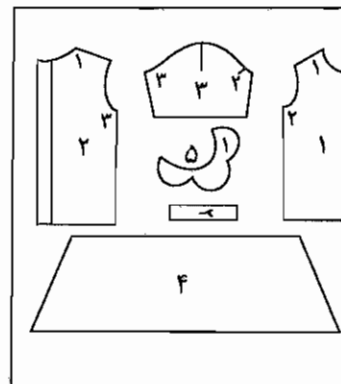
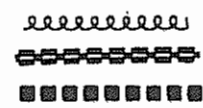
سجافهای کت را مطابق الگو ببرید. یقه را از خط سجاف، لایی بزنید. نوار یقه را قبل از اینکه سجاف را به تنه وصل کنید، روی سجاف بدوزید و سپس یقه را چرخ کنید.

رنگ خط الگو: آبی

خط الگوی ۳۸

خط الگوی ۴۰

خط الگوی ۴۲



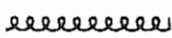
- لباس بچه در اندازه ۷ ساله
- ۱ - بالاتنه جلو، دو بار
 - ۲ - بالاتنه پشت، دو بار
 - ۳ - آستین، دو بار
 - ۴ - دامن، دو بار
 - ۵ - یقه، دو بار
 - ۶ - مچ، چهار بار

راهنمای دوخت:

متراژ پارچه ۱/۳۰ سانتیمتر است. طول یقه و مچ را قبل از اینکه دو طرف یقه و مچ را روی هم قرار دهید، بدوزید. کمربند را در اندازه‌های ۷۰×۱۰ سانتیمتر ببرید و بدوزید.

رنگ خط الگو: قرمز

خط الگوی ۷ سال





توسعه صنایع بهشهر

شرکت
صنعتی
بهشهر

تولید کننده روغن آفتابگردان لادن



خوشمزه ترین و سالم ترین
غذاهای ایرانی
با روغن آفتابگردان

لادن

مخصوص سالاد و طبخ

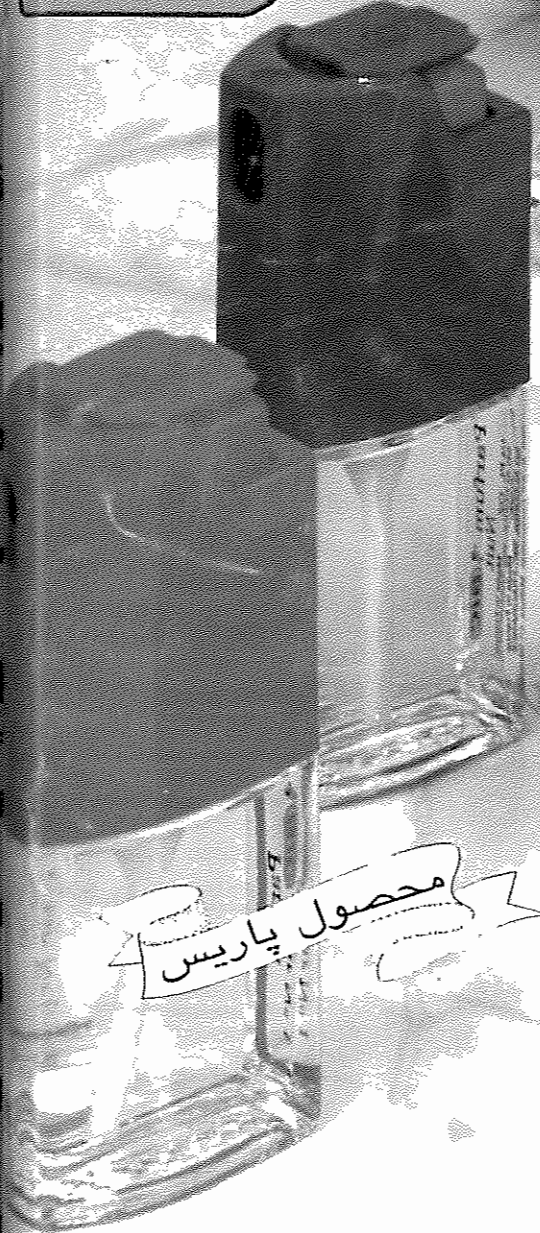


تولید کننده: شرکت صنعتی بهشهر
آدرس: تهران، خیابان میرزا تقی خان، پلاک ۱۳۱
تلفن: ۰۲۱-۸۳۰۸۳۰۰
کد پستی: ۱۵۸۱۵
سایت: www.beshahr.com

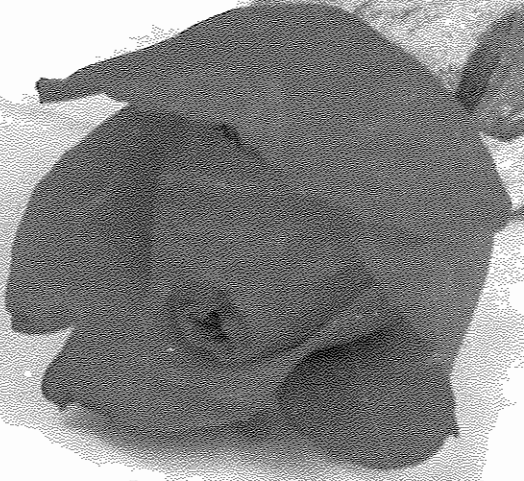


تمام لحظاتی

همراه



محصول پاریس



عطر روز و عطر شب مخصوص خانم

مراقب پوست خود باشید

اسانس های شیمیائی برای پوست خطرناک میباشد

عطر BIC با اسانس های طبیعی

عطریران ، تلفن : ۶۸۳۷۳۱ ، فاکس : ۱۷۹

عطر خانمها در رنگهای قرمز و آبی

عطر آقایان با رنگ مشکی.

عطر ورزشکاران با رنگ سبز